مداحان

بانک جامع اشعار



با موضوع: حضرت محمد(ص)

جلد(۱)

بسم الله الرحمن الرحیم

بانک جامع اشعار مداحان

نویسنده:

مهدی سروری

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بانک جامع اشعار مداحان جلد ۱

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۹۰
عنوان و نام پدیدآور:بانک جامع اشعار مداحان (جلد۱)/ مهدی سروری (مداح)
مشخصات نشر:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه
موضوع : حضرت محمد (ص)

حضرت محمد (ص)

ولادت

۱– این شبا دل تو سینه نیست عازم ...

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

این شبا دل تو سینه نیست عازم کوی احمد است

چون که شبِ تولدِ نبیِ ما محمّد است

یا محمّد ـ قدم به چشمِ ما نهادی

یا محمّد ـ فدای تو این همه شادی

ای همه هست فاطمه ـ یا محمّد یا محمّد یا محمّد

صدای قلبِ آمنه ـ یا محمّد یا محمّد یا محمّد

مولانا نبی مولانا (۳)

*****

یه نقشِ زیبا رو دلم همیشه غوغا می‌کنه

گنبد سبز نبوی دلم رو شیدا می‌کنه

یا محمّد ـ تو هر سرایی پا بذارم

یا محمّد ـ نامِ تو رو تو سینه دارم

تو قبله گاه دلمی ـ یا محمّد یا محمّد یا محمّد

تو حلّ کنِ مشکلمی ـ یا محمّد یا محمّد یا محمّد

مولانا نبی مولانا (۳)

*****

در شبِ میلادِ نبی بوی شقایق اومده

دسته گلِ محمّدی امام صادق اومده

یا محمّد ـ دعای ما همه همینه

یا محمّد ـ جوازِ مکه و مدینه

فدای لطف و کرمت ـ یا محمّد یا محمّد یا محمّد

حال و هوای حرمت ـ یا محمّد یا محمّد یا محمّد

مولانا نبی مولانا (۳)

*****

۲- فروغِ دیده آمد، سرور سینه آمد

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک واحد جدید

قالب قصیده

شاعر مؤید سید رضا

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

فروغِ دیده آمد، سرور سینه آمد

ظهور این دو آیتِ خوش، هم قرینه آمد

خزینه ی رسالت خالی شد از گهرها

والاترین جواهر، از آن خزینه آمد

دو ناخدای امکان ، بهر نجات انسان

هر یک به جلوه خاص ، در این سفینه آمد

از مطلع رسالت ، و ز مشرق امامت

خورشید مکه سرزد، ماه مدینه آمد

آن خاتم النبین ، وین صادق الائمه

جبرئیل کویشان را، عبدی کمینه آمد

احمد که با ظهورش ، شد دفن بت پرستی

صادق که عشق رویش ، در دل دفینه آمد

آن تا دهد به عالم ، عشق و امید برخاست

این تا برد ز دل ها، نفاق و کینه آمد

شکست زین دو قدرت، بت های جهل و الحاد

انسان که بارش سنگ بر آبگینه آمد

تنها نشد «مؤید» در مدحشان ثنا خوان

جبرئیل هم غزل خوان ، در این زمینه آمد

۳- دل من هوای دلبر کرده

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

یا رحمت للعالمین(۳)

*****

دل من هوای دلبر کرده

عمری با خیال اون سر کرده

قفس سینه‌ی من تنگه براش

هوای شهرِ پیمبر کرده

*****

مه زیبا رخِ من در اومده

از همه معشوقا سر تر اومده

گل مریم، گل یاس و گل رز

شاه گل‌های معطر اومده

*****

دل داره رو همه چیز پا می‌زاره

اشک شوقم داره نم نم می‌باره

عقل من کلافه گشته و می گه

آخه مجنون شدنم حدی داره

*****

ولی قلبِ من پر از ارادته

سرخوشِ رسیدنِ نجابته

عقل من دیونه شو در شبِ عشق

آخه این جنونِ برام یه نعمته

*****

۴- به روی بال ملک حنای سرمدی است

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

به روی بال ملک حنای سرمدی است

به دستِ آمنه صد گلِ محمدی است

سر زده گلها ـ یا محمد

از دلِ صحرا ـ یا محمد

کعبه به نجوا ـ یا محمد

ای پدر زهرا یا محمد

یا رسول الله یا محمد (۴)

*****

چو دیده، دیده تو را، شده شکار رُخت

تمام اهل سما، ببین خمارِ رخت

کرده اسیرم ـ رخ ماهش

دل ببرم بر ـ سر راهش

زندگی من ـ به پناهش

حسرت قلبم چشمِ سیاهش

یا رسول الله یا محمد (۴)

*****

تمامِ نازِ رخش به خنده منجلی است

که نقش بازوی او ولایتِ علی است

نور خدایی ـ به سرشتت

فدای عمر و ـ سرنوشت

آل علی شد ـ چو بهشتت

تو عشق حیدری و علی عشقت

یا رسول الله یا محمد (۴)

*****

۵- دل عالم، شده مست و غزل عشق می‌خونه

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دل عالم، شده مست و غزل عشق می‌خونه

آسمون‌ها، از قدومش به خدا نور بارونه

داره عاشق، زیر لب این، ترانه رو می‌خونه

شده احمد، لیلی دل، دلم اون رو مجنونه

پسر آمنه محمّد

همه جا زمزمه محمّد

یا اب الفاطمه محمّد

یا اب الفاطمه محمّد ـ یا اب الفاطمه محمّد (۲)

*****

بده ساقی، می باقی، گشته شادی‌ام حاصل

تا که چشمام، به نظاره‌اش، بشه یک لحظه قابل

رحمت حق، شده امشب بر همه هستی شامل

شده بعد از نیمه‌ی ماه، ماهِ عشقِ من کامل

کهکشان‌ها ستاره بارون

توی دستِ فرشته گلدون

گلاب و عطر و آینه شمعدون

یا اب الفاطمه محمّد ـ یا اب الفاطمه محمّد (۲)

*****

۶- از دل اهل آسمان زمزمه آمده

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

از دل اهل آسمان زمزمه آمده

مژده به عاشقان ابالفاطمه آمده

آمد بهارم

زیبا نگارم

دار و ندارم

یا رسول الله

یا رسول الله ـ یا رسول الله (۲)

*****

ستوده خلقت خودش خالقِ سرمد

لحظه‌ی خلقِ گلِ سیمایِ محمد

گفته که احسنت بر این چهره‌ی زیبا

نیست دگر همچو گلِ چهره‌ی احمد

ای عشقِ هستی

ای شور و مستی

بر دل نشستی

یا رسول الله

یا رسول الله ـ یا رسول الله (۲)

*****

جمله فرشتگان همه مستِ نگاهش

دل ببرد ز خالقش آن رخِ ماهش

قلبِ تمامِ انبیاء بر سرِ راهش

بوسه زنند همه بر آن خالِ سیاهش

عالم گدایت

جان ها فدایت

مولا عنایت

یا رسول الله

یا رسول الله ـ یا رسول الله (۲)

*****

شمس و قمر حکایت از هاله‌ی رویش

عالم و آدم همه دیوانه‌ی کویش

بسکه کرم دارد و آقاست محمّد

انس و ملک یکسره بر خوانِ نکویش

ذکرِ زبانم

شور و توانم

روحِ اذانم

یا رسول الله

یا رسول الله ـ یا رسول الله (۲)

*****

۷- ز یک مشرق نمایان شد دو خورشید جهان آرا

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۱

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ز یک مشرق نمایان شد دو خورشید جهان آرا

که رخت نور پوشاندند بر تن آسمان ها را

دو مرآت جمال حق، دو دریای کمال حق

دو نور لایزال حق، دو شمع جمع محفل ها

دو وجه الله ربانی، دو سرّ الله سبحانی

دو رخسار سماواتی، دو انسان خدا سیما

دو عیسی دم، دو موسی ید، دو حُسن خالق سرمد

یکی صادق یکی احمد یکی عالی یکی اعلا

یکی بنیانگر مکتب، یکی آرنده ی مذهب

یکی انوار را مشعل، یکی اسرار را گویا

یکی از مکه انوار رخش تابید در عالم

یکی شد در مدینه آفتاب طلعتش پیدا

یکی نور نبوت را به دل ها تافت تا محشر

یکی نور ولایت را ز نو کرد از دمش احیا

رسد آوای قال الصادق و قال رسول

به گوش اهل عالم تا که این عالم بود بر پا

یکی جان گرامی در دو جسم پاک و پاکیزه

دو تن اما چو ذات پاک یکتا هر دو بی همتا

محمد کیست؟ جانِ جانِ جان عالم خلقت

که گر نازی کند، در هم فرو ریزد همه دنیا

محمد کیست؟ روح پاک کل انبیا در تن

که حتی در عدم بودند بی او انبیا یک جا

محمد کیست؟ مولایی که مولانا علی گوید:

«منم عبد و رسول الله برِ من رهبر و مولا»

محمد از زمان ها پیشتر می زیست با خالق

محمد از مکان پیموده ره تا اوج اَو اَدنی

محمد محور عالم، محمد رهبر آدم

محمد منجی هستی، محمد سید بطحا

محمد کیست؟ آنکو بوده قرآن دفتر مدحش

که وصفش را نداند کس به غیر از قادر دانا

محمد را کسی نشناخت جز حق و علی هرگز

چنان که جز خدا و او کسی نشناخت حیدر را

وضو گیرم ز آب کوثر و شویم لب از زمزم

کنم آنگه به مدح حضرت صادق سخن انشا

ششم مولا، ششم هادی، ششم رهبر، ششم سرور

که هم دریای شش گوهر بود، هم دُرّ شش دریا

صداقت از لبش ریزد، فصاحت از دمش خیزد

فلک قدر و ملک عبد و قضا مهر و قدر امضا

بسی زهّاد و عبّادند بی مهرش همه کافر

بسی عالم، بسی عارف، همه بی نور او اعمی

دو خورشید منیر او هشام و بو بصیر او

دو کوه حکمت و ایمان، دو بحر دانش و تقوی

مرا دین نبی، مهر علی و مذهب جعفر

سه مشعل بوده و باشد، چه در دنیا چه در عقبی

در دیگر زنم غیر از در آل علی؟ هرگز!

ره دیگر روم غیر از ره این خاندان؟ حاشا!

بهشت من بود مهر علی و مهر اولادش

نه از محشر بود بیمم، نه از نارم بود پروا

سراپا عضو عضوم را جدا سازند از پیکر

اگر گردم جدا یک لحظه از ذرّیه ی زهرا

از آن بر خویش کردم انتخاب نام «میثم» را

که باشم همچو او در عشق ثارالله پا بر جا

۸– شب شوق و شب وجد و شب شور و شب پیدایش نور

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب بحر طویل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۱

تعداد استفاده ۰

متن شعر

شب شوق و شب وجد و شب شور و شب پیدایش نور و شب تکرار تجلای رسولان الهی، رسد از ارض و سما و ملک و حور، گواهی که شب هجر سر آمد، سحر آمد، سحر آمد، خبر آمد، خبر آمد که شد از آب تهی رود سماوه، شده چون دامن تفتیده ی صحرای قیامت کف دریاچه ی ساوه، خبری تازه به گوش و رسد از غیب سروش و شده آتشکده ی فارس خموش و عجبا اینکه فرو ریخته یکباره به هم کنگره ی کاخ مدائن، نفس پادشهان حبس شده در دل و گشتند همه لال ز گفتار، به امر احد خالق دادار، دگر راه سماوات به شیطان شده مسدود، بتان یکسره بر خاک فتادند و نگویند مگر ذکر خداوند و رسول دو سرا را

*****

عرش و فرش و ملک و آدمی و کوه و در و دشت و یم و قطره و مهر و مه و سیاره و منظومه ی شمسی و کرات و همه افلاک الی این کره ی خاک ز برگ و بر و ریگ و حجر و شاخه و نخل و ثمر و بام و در و مرد و زن و پیر و جوان، ابیض و اسود، همه گویند درود و صلوات از طرف ذات خداوند تبارک و تعالی و همه عالم خلقت، به خصال و به کمال و به جلال و به جمال و قد و بالای محمد که خداوند و ملایک همه گویند درودش، همه خوانند ثنایش، همه مشتاق لقایش، همه عالم به فدایش، همه مرهون عطایش، که خدا خلق نموده است به یمن گل رویش فلک و لوح و قلم را، ملک و جن و بشر را و همه ارض و سما را

*****

چار ماه است که گردیده به تن آمنه را جامه ی ماتم، به رخش هاله ای از غم، غم عبدالله والا گهرش، شوهر نیکو سیرش، اشک روان از بصرش، اشک نه خون جگرش، خون نه که یاقوت تَرش، بود یکی غنچه از آن لاله ی پرپر ثمرش، داشت چو جانی به برش، بلکه ز جان خوب ترش، مونس شام و سحرش، تا که شبی دید همان مادر دلباخته در خواب، که در دست گرفته است گلی خرم و شاداب، که برده است ز گل های دگر آب، نظر کرد بر آن لاله ی فرخنده که برگشت، یکی قرص قمر گشت، به یک لحظه پسر گشت، نکوتر ز پدر گشت، چو بیدار شد از خواب، خوش و خرم و شاداب، دلش شد ز شعف آب، به یاد آمدش این نکته که نه ماه تمام است، مه حُسن ختام است، رسیده مه میلاد گرامی پسرش، بر رخ قرص قمرش خندد و بی پرده کند سیر تماشای خدا را

*****

لحظه ها بود بر آن مادر فرخنده ی افراشته اقبال، بسی بیشتر از سال، شب و روز زدی طایر جانش ز شعف بال، که کی جلوه کند از صدف آن گوهر اجلال، که یک بار دگر نیمه شبی خواب ربودش، همه شد نور وجودش، ز عنایات خداوند ودودش، عجبا دید که خورشید زپهلوش درخشید و فروغ ابدیت به جهان یکسره بخشید، به ناگه دُر پاکش ز صدف داد ندا، کای صدف گوهر یکتای خدا، مادر انوار هدی، خیز که هنگام فراقت به سر آمد، شب تنهایی و اندوه و غمت را سحر آمد، شب میلاد گل گلشن هستی به نجات بشر آمد، چه مبارک سحری بود که ناگاه به هم درد فشردش شبی آرام در آن حجره ی خاموش نه یاری نه قراری، تک و تنها ز دم احمدی خویش پراکنده در امواج فضا عطر دعا را

*****

دگر از درد گل انداخته رخسار نکویش، شده انوار خداوند فروزنده ز رویش، نگهش سوی سما بود و همه محو خدا بود که سقف

حرمش لاله صفت باز شد و لحظه ی اعجاز شد و با خبر از راز شد و دید در آن درد و الم چارزن پاک، تو گویی که رسیدند ز افلاک و همانند ندارند به روی کره ی خاک، یکی حضرت حوا و دگر مریم عذرا و دگر هاجر و سارا، همه مبهوت جلالش، همه بر دور جمالش، همه دیدند مقامش، همه گفتند سلامش، بگرفتند در آغوش چو جانش، زهی از عزت و شأنش، نگه هاجر و سارا به گلستان رخ حور نشانش، که در آن لحظه کف دست به پهلوش کشید از دو طرف مریم عذرا که به یکباره به پا خواست صدای خوش تکبیر ز کوه و شجر و دشت و دَرِ مکه، جهان غرق در انوارالهی شد و دیدند که مرآت جمال احد قادر سرمد، مدنی مکی ابوالقاسم و محمود و محمد، نبی اُمّی خاتم، به روی دامن مریم ز فروغ رخ خود کرد منور همه جا را

*****

بشنوید از دو لب آمنه آن مادر فرخنده ی احمد که چو بگذاشت قدم بر کره ی خاک محمد، ز رخش نور عیان گشت و فروزنده از آن نور جهان گشت، که با جلوه ی ماه رخ او دیدمی از دور قصور یمن و شام و به گوش آمدم از جانب معبود ندایی که الا آمنه زادی پسری را که بود از همه ی خلق سرآمد، که بود آینه ی طلعت ذات احد قادر سرمد، که بود کنیه ابوالقاسم و نام احمد و محمود و محمد که در آن حال همان چار زن پاک، تن خوب‌تر از جان ورا شسته به ابریق بهشتی، پس از آن مریم عذرا به یکی حلّه ی زیبای بهشتیش بپوشاند و لب خویش به لبخند گشودند و سلامش بنمودند و ستودند مقام و شرف و عزت آن پاک ترین عبد خداوند نما را

*****

۹- دست غیب غیب امشب پرده از رخ بر گرفت

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دست غیب غیب امشب پرده از رخ برگرفت

نور او تا ماوراء الملک را در بر گرفت

روی ناپیدای خود را فاش در آیینه دید

پرده چون ذات خدا را روی پیغمبر گرفت

منظر حسن خدا تابید در کلّ وجود

دل ز هر پیغمبری این دلربا منظر گرفت

توبه ی آدم نه تنها گشت با نامش قبول

سرگذشتی شد که عالم زندگی از سر گرفت
پیشتر از بامداد هفده ماه ربیع
آفتابی در زمین از آسمان دل برگرفت
ذره‌ای از مهر رویش را چو بر آن بذل کرد
جلوه‌ای کرد و جهان را خسروِ خاور گرفت
با تماسش ریگ صحرا را دُر نایاب کرد
با نگاهش از درون سنگ نخلِ تر گرفت
با غلامش می‌توان زر کرد کوه سنگ را
از گدایش می‌توان یک آسمان اختر گرفت
تا نگهدارد به داماں اختران خویش را
آسمان دست توسّل سوی آن سرور گرفت
جرأت پرواز را با حضرتش از دست داد
گرچه جبریل از ملایک اوج بالاتر گرفت
معجز پیغمبران در پنجه ی سلمان اوست
زهد عیسی در کلاس درس او بوذر گرفت
مرتضی در بدر یاری از رسول ا... خواست
مصطفی در فتح خیبر دامن حیدر گرفت
با دم او «لافتی الا علی» جبریل گفت
با دعای او علی شمشیر از داور گرفت
با رخ زهرای او چشم ملایک نور یافت
از دم داماد او جبریل بال و پر گرفت
یک نگه در فتح خیبر بر علی کرد و علی
با دو انگشت یداللهی در از خیبر گرفت
ذکر بر لعل لبش پیش از ولادت بوسه زد
حمد از فیض دهانش روح بر پیکر گرفت
گوهری یکدانه در انوار حق پوشیده بود
«رحمتٌ للعالمین» شد، از خدا «کوثر» گرفت
آسمان تا با بلالش لاف یکرنگی زند
صبحِ خلقت، آبرو از رنگ نیلوفر گرفت
باغ جنّت بود از اوّل عاشق مقداد او
کز خدا بر دامن خود این‌همه زیور گرفت
باید از آیات قرآنش دُرِ توحید یافت
باید از دریای نورش تا ابد گوهر گرفت

دانش عدل و مساوات و کمال و علم را

باید از این مکتب و از این پیام‌آور گرفت

نجلِ عمران با یدِ او قلب دریا را شکافت

پورِ آذر با دم او لاله از آزر گرفت

لحظه‌ای بگذاشت لب بر روی چشمان علی

چشم آن مولا شفا در غزوه خیبر گرفت

نقش تصویر محمّد را میان جام دید

هر که از دست امیرالمؤمنین ساغر گرفت

یا محمّد ای وجودت «رحمةٌ للعالمین»

ای که باغ رحمت از فیض تو برگ و برگرفت

کیستی تو کز وصیّ‌ات ذات «رب العالمین»

«انّما» در شأن او فرمود و انگشتر گرفت

آسمان دور سر مقداد و سلمان تو گشت

آفتاب از خاک راه قنبرت افسر گرفت

نام نیکوی تو را بنوشت با دست خدا

تا قلم روز ازل گلبوسه از دفتر گرفت

آنچه «میثم» گفت در وصف تو حرف او نبود

درِّ مضمون از تو از آغاز تا آخر گرفت

۱۰- از بام و در کعبه به گردون رسد آواز

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب ترکیب بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۱

تعداد استفاده ۰

متن شعر

از بام و در کعبه به گردون رسد آواز

کامشب درِ رحمت به سماوات شده باز

بتهای حرم در حرم افتاده به سجده

ارواح رسل راست هزاران پرِ پرواز
کعبه زده بر عرش خدا کوس تفاخر
مکه شده زیبا و دل افروز و سرافراز
جا دارد اگر در شرف و مجد و جلالت
امشب به سماوات کند خاک زمین ناز
از ریگ روان گشته روان چشمه ی توحید
یا کوه و چمن باز چو من نغمه کند ساز
دشت و دَر و بحر و بَر و جنّ و بشر و حور
در مدح محمد همه گشتند هم آواز
هر ذره ی کوچک شده یک مهر جهان تاب
هر قطره ی ناچیز چو دریا کند اعجاز
جبریل سر شاخه ی طوبی چو قناری
در وصف محمد لب خود باز کند باز
جبریل چه آرد؟ چه بخواند؟ چه بگوید؟
جایی که خداوند به قرآن کند آغاز
خوبان دو عالم همه حیران محمد
یک حرف ز مدحش شده:«ما کانَ محمد»
*****
این است که برتر بود از وهم، کمالش
جز ذات الهی همه مبهوت جلالش
رضوان شده دلداده ی مقداد و ابوذر
فردوس بود سائل درگاه بلالش
و ا... قسم نیست عجب گر لب دشمن
چون دوست ز هم بشکفد از خُلق و خصالش
هرگز به نمازی نخورد مهر قبولی
هرگز، صلوات ار نفرستند به آلش
بی رهبریش خواهد اگر اوج بگیرد
حتی ملک العرش بسوزد پر و بالش
یوسف ببرد حسن خود از یاد، گر او را
یک منظره در خاطره افتد ز خیالش
این است همان مهر درخشنده که تا حشر
یک لحظه به دامن نرسد گرد زوالش
گل سبز شود از جگر شعله ی آتش

در وادی دوزخ فتد ار عکس جمالش

چون ذات خدای ازلی لیس کمثله

باید که بخوانیم فراتر زمثالش

ایجاد بود قبضه ای از خاک محمد

افلاک بود بسته به لولاک محمد

*****

ای جان جهان بسته به یک نیم نگاهت

دل گشته چو گل سبز به خاک سر راهت

هم بام فلک پایگه قدر و جلالت

هم چشم ملک خاک قدم های سپاهت

عیسی به شمیم نفست روح گرفته

دل بسته دو صد یوسف صدّیق به چاهت

دل های خدایی همه چون گوی به چوگان

ارواح مکرّم همه درمانده ی جاهت

از عرش خداوند الی فرش، به هر آن

هستند همه عالم خلقت به پناهت

دائم صلوات از طرف خالق و خلقت

بر روی سفید تو و بر خال سیاهت

زیباتر و بالاتری از آنکه به بیتی

تشبیه به خورشید کنم یا که به ماهت

سوگند به چشمت که رسولان الهی

هستند به محشر همه مشتاق نگاهت

زیبد که کند ناز به گلخانه ی جنت

خاری که شود سبز در اطراف گیاهت

این نیست مقام تو که آدم به تو نازد

و ا... که خلّاق دو عالم به تو نازد

*****

صد شکر که عمری ز تو گفتیم و شنیدیم

هر سو نگریدیم گل روی تو دیدیم

هرجا که نشستیم به خاک تو نشستیم

هر سو که پریدیم به بام تو پریدیم

عطر تو پراکنده شد از هر نفس ما

هر گه به سر زلف سخن شانه کشیدیم

زآن روز که گشتیم ز مادر متولد

از مأذنه ها روز و شب اسم تو شنیدیم

مرگی که به پای تو بود زندگی ماست

ماییم که در موج عزا عید سعیدیم

تا بودن ما نام محمد به لب ماست

روزی که نبودیم به احمد گرویدیم

آب و گل ما را که سرشتند ز آغاز

آغوش گشودیم، وصالش طلبیدیم

ز آن باده که در سوره ی زیبای محمد

اوصاف ورا گفته خداوند چشیدیم

آن باده که از ساغر فیض ازلی بود

سرچشمه ی آن کوثر و ساقیش علی بود

*****

روزی که عدم بود و عدم بود و عدم بود

نه ارض و سما بود، نه لوح و نه قلم بود

تسبیح خدا در نفس پاک محمد

لب های علی هم سخن ذات قِدَم بود

روزی که گلِ آدم خاکی بسرشتند

آدم به تولای علی صاحبِ دم بود

از خاک قدم های علی کعبه بنا شد

او را نتوان گفت که نوزاد حرم بود

روزی که کرم بود دُری در صدف غیب

و ا... علی قبله ی ارباب کرم بود

بر قلب علی علم خدا از دل احمد

چون سیل خروشنده روان در دل یم بود

در بین رسولان که به عالم عَلَم استند

نام نبی و نام علی هر دو عَلَم بود

در جوف نبی دید نبی حمد خداوند

با نعت وی و مدح علی ذکر صنم بود

بالله تجلای نبی مطلع الانوار

والله تولای علی فوق نعم بود

خلقت چو خدا خالق بخشنده ندارد

خالق چو نبی و چو علی بنده ندارد

*****

از خالق دادار بپرسید علی کیست

از احمد مختار بپرسید علی کیست

جز شخص علی شخص علی را نشناسد

از حیدر کرار بپرسید علی کیست

شمشیر به دشمن دهد و شیر به قاتل

از قاتل خونخوار بپرسید علی کیست

با دار بلا انس بگیرید و در آن حال

از میثم تمار بپرسید علی کیست

در غزوه ی بدر و اُحد و خیبر و احزاب

از تیغ شرربار بپرسید علی کیست

از نخله ی خرما و در و دشت و بیابان

از چاه و شب تار بپرسید علی کیست

از حجر و سعید ابن جبیر و ز ابوذر

از مالک و عمار بپرسید علی کیست

جز فاطمه کس محرم اسرار علی نیست

از محرم اسرار بپرسید علی کیست

بگرفت به کف جان و سر و جای نبی خفت

از آن همه ایثار بپرسید علی کیست

«میثم» چه در اوصاف علی گوید و خواند؟

جز حق نتواند نتواند نتواند

*****

۱۱- به بهار گفتم ثمرت مبارک

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب ترکیب بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

به بهار گفتم ثمرت مبارک

به بهشت گفتم شجرت مبارک

به سپهر گفتم قمرت مبارک

به وصال گفتم سحرت مبارک

به وجود گفتم گهرت مبارک

به شکیب گفتم ظفرت مبارک

به کلیم گفتم شب احمد آمد

به مسیح گفتم که محمّد آمد

*****

چه خوش است امشب شب عیش و نوشم

چو ملک ز گردون گذرد سروشم

چو شراب کوثر ز درون بجوشم

به وصال ساقی ز شعف بکوشم

من و های و هوی و دو لب خموشم

که هماره جانم دهد و ستاند

ز نبی بگوید، ز علی بخواند

*****

ز خدا بوَد پر همه‌جای مکه

شده غرق، عالم به فضای مکه

زده پر وجودم به هوای مکه

به زمین مکه، به سمای مکه

به مقام کعبه، به صفای مکه

به رسول اکرم، به خدای مکه

به شکوه کعبه، به جلال احمد

که خداست پیدا به جمال احمد

*****

شب شام روشن ز فروغ رویش

رهِ «ایمن» ایمن، به پناه کویش

یم بی‌نهایت نمی از سبویش

قد خضر سروی به کنار جویش

دل خلق بسته به کمند مویش

به بهار خلقش، به بهشت خویش

به کـدام دم، دم زنـم از ثنایش

به کدام سر، سر فکنم به پایش

*****

نفسش روایت، سخنش درایت

هدفش نبوت، کنفش ولایت

جلوات رویش، همه را هدایت

اثرات دستش، همه‌جا عنایت

منم و عطایش، دو خجسته آیت

نه در آن حدود و نه بر این نهایت

به خدا به قرآن، به رسول و آلش

که بـس اسـت فردا نگه بلالش

*****

به خداست عبد و به دلش خدایی

به ثناس بسته دهن سنایی

همه خسروان را به درش گدایی

همه دلبران در قدمش فدایی

قد و قامتش را همه کبرایی

دمد از وجودم دم نارسایی

نـه توان ثنایش به زبان بیارم

نه توان قلم را به زمین گذارم

*****

به تمام قرآن، به رسول داور

به جلال زهرا، به مقام حیدر

به صفا، به مروه، به منابه مشعر

به دو دخت زهرا به شبیر و شبر

به مقام سلمان، به قیام بوذر

به کمال میثم، به خلوص قنبر

که خدا ندارد بشری چو احمد

که بشر ندارد پدری چو احمد

*****

هله ای دو عالم همه دم به کامت

ز فلک گذشته اثر کلامت

تو بگو که گویم سخن مقامت

تو بخوان که عالم شنود پیامت

ز بشر درودت ز خدا سلامت

همه جا قیامت شده با قیامت

چه شود بخوانی به نوای دیگر

چه شود برآیی ز حرای دیگر

*****

تو پیمبر استی به همه زمان‌ها

تو خدایگانی به خدایگان‌ها

کمی از زمینت همه آسمان‌ها

به کفت زمامِ همه‌کهکشان‌ها

قدمت فرازِ قلل جهان‌ها

کلمات نورت، همه نقش جان‌ها

تو زعیم بودی، همه انبیا را

تو پیمبر استی همه اولیا را

*****

تو رسول بودی که نبود عالم

تو امام بودی و نبود آدم

به همه مؤخر ز همه مقدم

تو نبی اعظم تو رسول‌اکرم

تو دلیل بودی به کلیم در یم

تو مسیح بودی به مسیح در دم

تو خدا جلالی، تو خداپرستی

تو همیشه بودی، تو همواره هستی

*****

تو رسول حق تا صف محشر استی

تو پیمبران را همه رهبر استی

تو مطهر استی، تو مطهر استی

تو فروتن استی، تو فراتر استی

تو امام حیدر، تو پیمبر استی

تو ز انبیا هم، همگی سر استی

نگهی به «میثم» که ره تو پوید

همه از تو خواند، همه از تو گوید

*****

۱۲- همـــه جا غرق نور همه جا شوق و شور

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

همـه جا غرق نور همه جا شوق و شور

همه جا جشن عید همه‌جا خلد و حور

ملک و جن و انس شـده غـرق سرور

ای نثـارِ مـاهِ رویت سوره ی نور و تبارک

یا محمّد یا محمّد عید میلادت مبارک

*****

آسمان و زمین جبرئیـل امیـن

همـه ی مـؤمنات همـه ی مؤمنیـن

شده محو رخ خاتم المرسلین

ای نثـارِ مـاهِ رویت سوره ی نور و تبارک

یا محمّد یا محمّد عید میلادت مبارک

*****

مژده امشب خموش شـده آتشکـده

در تمـام وجـود نور حق سرزده

خاتـم المـرسلین در جهان آمـده

ای نثـارِ مـاهِ رویت سوره ی نور و تبارک

یا محمّد یا محمّد عید میلادت مبارک

*****

کعبـه امشب بگرد مکه امشب ببـال

زمزم امشب بخوان شعر شور و وصال

این تو این منظرِ قادر ذوالجــلال

ای نثـارِ مـاهِ رویت سوره ی نور و تبارک

یا محمّد یا محمّد عید میلادت مبارک

*****

آمنــه آمنــه احمد است این پسر

بـا تبسـم بگیر مثـل جانش به بر

بشنو از جبرئیل وصـف خیـرالبشر

ای نثـارِ مـاهِ رویت سوره ی نور و تبارک

یا محمّد یا محمّد عید میلادت مبارک

*****

آمنــه آمنــه حُسن سرمد ببین

منظـر و مظهـر حیِّ سرمد ببین

عکس وجه خدا در محمّـد ببین

ای نثـارِ مـاهِ رویت سوره ی نور و تبارک

یا محمّد یا محمّد عید میلادت مبارک

*****

آمنــه آمنــه آفریـن آفریـن

بر تو و این پسر از جهـان آفرین

قصر شامات را جمالش ببین

ای نثـارِ مـاهِ رویت سوره ی نور و تبارک

یا محمّد یا محمّد عید میلادت مبارک

*****

۱۳- شب سرور آمد سپاه نور آمد

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

شب سرور آمد سپاه نور آمد

کلیـم عالم هـا ز کوه طور آمد

ام رســالت زهی جلالت که احمد آوردی

عصمت سرمد مـادر احمـد محمـد آوردی

سلام صلی ا... علی رسول ا... و آله الاطهار

*****

پیمبــران امشب همـه ز جا خیزید

به پای احمد گل طبـق طبـق ریزید

می رسد امشب ز قلب مکه بـوی رسول ا...

که می درخشد ز قلب مکه روی رسول ا...

سلام صلی ا... علی رسول ا... و آله الاطهار

*****

که می دهد امشب خبر به عبد ا...

که ذات حق داده پسر به عبد ا...

جشن بزرگ خالق سرمد مبارك است امشب

عیـد محمـد یـد محمد مبارك است امشب

سلام صلی ا... علی رسول ا... و آله الاطهار

*****

مسیح انسان هــا در همــه دوران ها

از نفسش امشب زنده شود جان ها

عیــد بــزرگِ دختــرکان زنده به گور آمد

بگو بـه ظلمت عمر تو طی شد سپـاه نـور آمد

سلام صلی ا... علی رسول ا... و آله الاطهار

*****

تو نـور توحیدی همیشه جاویدی

تو بـا جمال حق به دل درخشیدی

تو قلب ما را به نور وحیت غار حرا کردی

ستم کشیدی خنـده نمودی فقط دعا کردی

سلام صلی ا... علی رسول ا... و آله الاطهار

*****

تـو بـا خـدا نـور ارض و سماواتی

تـو رهبـر قسط و عـدل و مساواتی

تو داور مـا تو یاور ما تو رهبر مایی

تو تا خدا را بود خوایی پیمبـر مایی

سلام صلی ا... علی رسول ا... و آله الاطهار

*****

۱۴– امشب به ملایک خبری تازه رسیده

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب ترکیب بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب به ملایک خبری تازه رسیده

لبخنـد نجـات از نـفس صبـح دمیـده

شیطان عوض جامه دل خویش دریده

اوصـاف خـدا از دهـن بت که شنیده

یک صبحدم و این همه اعیاد که دیده

اعیاد خدا گشته از ایـن صبح پدیدار

*****

ای بحـر تجـلا! گهـرت باد مبارک

ای طور نبوت! شجـرت باد مبارک

ای مکه! نسیم سحـرت باد مبارک

ای آمنه! قرص قمـرت باد مبارک

میلاد گرامـی پسـرت باد مبارک

دامان تو تا حشر بود مطلع الانوار

*****

ای گمشدگان! گمشدگان! راهبر آمد

در عرصـه ی بیدادگـری، دادگـر آمد

تکبیر بگویید که هجران به سر آمد

تهلیـل برآریـد کـه پیغامبـر آمد

پیغامبر از بهر نجات بشر آمد

آمد به جهان قافله را قافله سالار

*****

توحید بوَد لاله ی بستان محمد

جبرییل بوَد مرغ گلستان محمد

تهلیل بگویید به فرمان محمد

خلقت همه گشتند ثناخوان محمد

ذکر همگان آیه ی ما کان محمّد

از قول خدای احد قادر دادار

*****

این نور جمال ازل، این خالق نور است

این هم سخن موسی، در وادی طور است

این روی صُحُف، صورت زیبای زَبور است

این روح عدالت به محیط زر و زور است

این منجی آن دخترك زنده به گور است

این است که گل سبز کند از شررِ نار

*****

این است که او بود و همه خلق نبودند

این است که با نام خوشش نامه گشودند

این است که خیل ملکش سجده نمودند

وصفش همه گفتند و شنیدند و سرودند

گفتند و شنیدند و سرودند و ستودند

با این همه کردند به عجز سخن، اقرار

*****

این است که توحید از او نام گرفته

این است که خورشید از او وام گرفته

این است که از روح بشر، دام گرفته

این است که دل از دمش آرام گرفته

این است که از دست خدا جام گرفته

سر تا قدم از علم الهی شده سرشار

*****

ای جان همه عالم و آدم به فدایت

ای هستیِ هستی کمی از لطف و عطایت

گلبوسه ی فردوس، به خاک کف پایت

روییده مسیح از نفس روحْ فزایت

کار ملک و ذکر خداوند، ثنایت

این ذکر الهی است که دائم شده تکرار

*****

ای چرخ کهن خاک ره طفل صغیرت

روشنگر بزم ازلی روی منیرت

تا حشر، بزرگان جهانند حقیرت

حتی به جنان اهل بهشتند فقیرت

پیغامبران یکسره بودند بشیرت

پیوسته نمودند به آقایی‌ات اقرار

*****

اوصاف تو چون وصف خدا فوق حساب است

قرآن تو را سلطه بر این چار کتاب است

حب تو ثواب است، ثواب است، ثواب است

بغض تو عقاب است، عقاب است، عقاب است

تو آب حیاتی و جهان بی تو سراب است

تو مهری و روز همه بی‌توست شب تار

*****

ما امّت وحی و تو پیام آور وحیی

تا هست خدایی خدا، رهبر مایی

تو جان همه عالمی و در بر مایی

تو سایه ی لطف ازلی بر سر مایی

تا شام ابد مشعل روشنگر مایی

بی‌نور تو، توحید محال است، نه دشوار

*****

بی دست تو حق بر روی کس در نگشاید

بی دوستی ات حمد خداوند نشاید

بی حسن تو یوسف ز کسی دل نرباید

بی نام تو زنگ غمی از دل نزداید

مدح تو نه از «میثم»، از خلق نیاید

گیرم ز عقیق همه ریزد دُرِ شهوار

*****

۱۵- ولادت ختم الانبیاست تجلی ذات کبریاست

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ولادت ختم الانبیاست تجلی ذات کبریاست

ای ملایک همگی خنده به احمد بزنید

هم خنده به گل روی محمد بزنید

خواجه ی عالم خوش آمدی

رسول اکرم خوش آمدی

*****

تو اولین نور سرمدی تو احمدی تو محمدی

صلوات انبیا به جلوه ی جمال تو

همه عالم متوسل به تو و به ذات تو

خواجه ی عالم خوش آمدی

رسول اکرم خوش آمدی

*****

نگاه یوسف به قامتت در انتظار کرامتت

ملک و جن و بشر محو تماشای تواند

همه خاک قدم حیدر و زهرای تواند

خواجه ی عالم خوش آمدی

رسول اکرم خوش آمدی

*****

مکه شده سرفراز تو کعبه اسیر نماز تو

ای نفس های حرم ذکر نماز شب تو

به فدای حجرالاسود خال لب تو

خواجه ی عالم خوش آمدی

رسول اکرم خوش آمدی

*****

منجی بی یاوران تویی خـاتم پیغمبـران تویـی

منجی دختـرک زنـده به گور آمده است

یـا کلیـم دگـر از وادی طـور آمده است؟

خواجه ی عالم خوش آمدی

رسول اکرم خوش آمدی

*****

۱۶– ای چشم عرشیان به زمین جای پای تو

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب ترجیع بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای چشم عرشیان به زمین جای پای تو

گـردون بـه زیـر سایـه ی قـد رسای تو

در آن زمان که حرف زمان و مکان نبود

آغوش لامکان بـه یقیـن بـود جای تو

قرآن دهد نشان که بود روز و شب مدام

ذکـر خـدا و کـار ملایـک، ثنـای تـو

آغوش جان گشوده اجابت در آسمان

از دسـت داده صبـر، بـه شوق لقای تو

تنها نه مهر و مه، نه سماوات، نه زمین

گشتنـد انبیـا همـه خلـق از برای تو

تو بحر بـی نهایت حقـی و هم چنان

بـی انتهاست رحمـت بـی انتهای تو

هر برگ لاله را بـه ثنایت قصیده ای

هـر بلبلـی بـه باغ، قصیده سرای تو

موسی ز هوش رفته به طور از تکلمت

ریـزد مسیـح از نـفس دلـربای تو

حبل متین عالم خلقت شود به حشر

آرند اگر به دست، نخی از ردای تو

باشـد گل مقـدس آدم بـدان جلال

یک جرعه زآب جو، کفی از خاک پای تو

خیـل ملـک کـه خلقتش از حاصـل تـو بود

قصدش ز سجده، سجده به آب و گل تو بود

*****

توحیــد از کــلام لطیفـت، روایتــی

قرآن خود از صحیفه ی حسنت، حکایتی

محشر شود بهشت و جهنم، ریاض گل

بگشایــد ار بــلال تـو چشم عنایتی

روزی که انبیا به صف حشر بگذرند

جز رایت تو بر سرشان نیست رایتی

گو نخل هـا قلم شود و برگ ها کتاب

نَبـوَد کتــاب منقبتـت را نهایتــی

جز طلعت منیر تو و عترت تو نیست

در عالــم وجــود، چـراغ هدایتی

در حشر نیست راه نجاتی برایشان

حتـی ز انبیـا نکنـی گـر حمایتی

در حشر، خلق را به شفاعت نیاز نیست

آیـد اگــر ز چشــم بـلالت کنــایتی

جان جهان به پاش بریزم، اگر کم است

خواند هـر آنکـه از تـو برایم روایتی

بیش از پیمبران ستم آمد به حضرتت

لبخندهـا زدی و نکـردی شکایتـی

در مصحف جمال تو کردیم سیرها

جـز آیه هــای نــور ندیدیم آیتی

سوگند می خورم که ندارم نـداشتم

غیـر از ولایت تـو و آلت، ولایتـی

یک قطره زآب جوت به صد یم نمی‌دهم

یک تار موت را بـه دو عالم نمـی‌دهم

*****

نـام احـد کـه نام خداوند سرمـد است

میمی بر آن اضافه شده، اسم احمد است

آدم کـه گشت توبـه او نـزد حـق قبول

از فیـض «یا حمیدُ بحق محمـد» است

بـا دیـدن جمـال تـو خوبـان دهـر را

در دل امیـد بـاغ جنـان داشتن بد است

دست تو ظرف رحمت بی انتهای هوست

هر چه خدا به خلق ببخشد، از این ید است

مقصود باغ و لاله و حور و قصور نیست

اهـل بهشت را سـر کوی تو مقصد است

پیش از هبـوط آدم و حـوا بـه خط نور

دست خدا نـوشت: محمّد مؤیـد است

ذکـر خـدا و ذکـر ملک تـا قیام حشر

پیوسته بر شمـا صلـوات مجـدد است

بـر سـر در بهشت و جهنـم نـوشته ند

بغض تو نار و مهر تو خلد مخلد است

تفسیـر یـک حدیـث ز میم دهـان تو

بالله نیـاز مـن به هـزاران مجلـد است

گفتم بــه بــزم قـرب الهـی قدم نهم

دیدم که نغمه ی صلواتت خوش آمد است

ای چهـره ی بـلال تـو بـاغ بـهشت من

این «میثم»، این تو آن همه افعال زشت من

*****

۱۷- البشاره که عید احمد آمد خاتم الانبیا ...

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

البشاره که عید احمد آمد خاتم الانبیا محمد آمد

تمام اشیا تمام ذرات ندا دهند از ارض و سماوات

صل علی محمد و آل احمد(۲)

*****

مکـه پـر شـد ز انوار الهی صلوات خـدا نامتناهـی

به ماه رویش به تار مویش به قدوقامت به خلق و خویش

صل علی محمد و آل احمد(۲)

*****

کعبه پروانه شمع وجودش از خدای حرم آید درودش

صفا و مروه مقام و زمزم سروده اند ایـن ترانه بـا هم

صل علی محمد و آل احمد(۲)

*****

جبرییل از سوی خالق سرمد با ملایک بخوان مدح محمد

آمنه امشب بگو هماره بگو هماره بخوان دوباره

صل علی محمد و آل احمد(۲)

*****

این پسر منجی خلق جهان است این پسر رهبر عالمیان است

مصحف رویش سوره نور است منجی طفل زنده به گور است

صل علی محمد و آل احمد(۲)

*****

انبیا لاله از جنــان بیاریـد همگی مثل گل خنده برآرید

لاله بیارید گل بفشانید همه بگویید همه بخوانید

صل علی محمد و آل احمد(۲)

*****

این جمال دل آرای رسول است همه آیات را شأن نزول است

ای همه عالم محو جمالت سلام خلقت بر تو و آلت

صل علی محمد و آل احمد(۲)

*****

۱۸- ای صلوات از خدای ذوالجلالت

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بهار امامت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای صلوات از خدای ذوالجلالت

ای همه پیغمبران محو جمالت

لحظه به لحظه درود بر تو و آلت

یا محمّد یا محمّد، عید میلادت مبارک(۲)

*****

بی‌تو جهان وجود صفا ندارد

چشم و دل اهل دل ضیا ندارد

مثل تو پیغمبری خدا ندارد

یا محمّد یا محمّد، عید میلادت مبارک(۲)

*****

جشن بزرگ خدا عید محمّد

عید همه انبیا عید محمّد

رحمت ارض و سما عید محمّد

یا محمّد یا محمّد، عید میلادت مبارک(۲)

*****

می‌شنوم از حجاز بوی محمّد

چشم ملایک بوَد سوی محمّد

دل برَد از آمنه روی محمّد

یا محمّد یا محمّد، عید میلادت مبارک(۲)

*****

بت‌شکن امشب ز هم دیده گشاید

روی به سوی خانه ی کعبه نماید

تا که وصیّش علی از حرم آید

یا محمّد یا محمّد، عید میلادت مبارک(۲)

*****

هست خدا وقف دامان محمّد

وحی خدا درس عرفان محمّد

کیست به غیر از علی جان محمّد

یا محمّد یا محمّد، عید میلادت مبارک(۲)

*****

ای به جمالت خدا در نظر ما

خاک وصیّ‌ات علی تاج سر ما

مادر ما فاطمه، تو پدر ما

یا محمّد یا محمّد، عید میلادت مبارک(۲)

*****

۱۹- شده مکه چراغان ز یمن مقدم تو

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

شده مکه چراغان ز یمن مقدم تو

زند پر قلب عالم به گرد حرم تو

فدای قدم تو کرم تو حرم تو

یا محمد(۳)

*****

شده موسم شادی دگر غم به سر آمد

ز گلخانه ی رحمت گلی خوش سیر آمد

گلی کز دو جهان دل ببرد گوشه نگاهش

بهشت آمده چون خاک نشیند سر راهش

یا محمد(۳)

*****

ز میلاد تو امشب زند آمنه لبخند

نظر می کند از شوق به رخساره ی فرزند

چه فرزند که باشد پدر عالم خلقت

یتیمی که بود گوهر گنجینه ی رحمت

یا محمد(۳)

*****

تو بحر کرم و من فقط دل به تو بستم

منم خاک ره تو تو هستی همه هستم

بیا کن نظری سوی من ای باغ بهارم

که من در دو جهان غیر تو غمخوار ندارم

یا محمد(۳)

*****

به همراهی این گل ببین غنچه ی عاشق

شکوفا شده امشب گل امام صادق

اگر خوبم اگر بدم ولی جعفریم من

ز لطف ازلی تا به ابد حیدریم من

یا محمد(۳)

*****

۲۰- گل باغ من به سراغ من طناز و عشوه گر آمد

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

یا رسول ا... (۲) اب الزهرا رسول ا...

*****

گل باغ من به سراغ من طناز و عشوه گر آمد

یار محبوبم دلبر خوبم غمخوارم از سفر آمد

*****

تار موی تو خال روی شد دام و دانه ی راهم

رخ دلجویت چشم و ابرویت خورشید و اختر و ماهم

*****

شاه انس و جان مادحت قرآن درّ دریای رسالت

حبّ تو جنت بغض تو نیران نوح کشتی هدایت

*****

۲۱- امشب سخن از جان جهان باید گفت

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب سخن از جان جهان باید گفت

توصیف رسول انس و جان باید گفت

در شام ولادت دو قطب عالم

تبریک به صاحب الزمان باید گفت

۲۲- جهان حریم خلوت جان شده

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

جهان حریم خلوت جان شده

بهشت پر نور و چراغان شده

مکه شده حریم عشق و صفا

آمده گویا گهری دلربا

ملائک از عرش خدا می رسند

بگوش جان ما ندا می دهند

اهل جهان مست تولا شوید

از دل و جان عاشق و شیدا شوید

که جلوه ای ز حی سرمد آمد

مژده عزیزان که محمد آمد

شکر خدا آمده ختم رسل

رسیده ناجی جهان عقل کل

خلق شده نه فلک از برایش

جان جهانیان بود فدایش

تمام عالم شده مست رویش

فلک شده بسته به تار مویش

ماه بود جلوه ی رخسار او

خدا بود محو و خریدار او

کیست مگر این گل نیکو سرشت؟

که شد زمین با قدم او بهشت

او شده مظهر خدای سرمد

نام گرامیش بود محمد

آمده تا جلا دهد به دلها

آمده تا جهان کند مصفا

آمده تا مهر و وفا پرورد

کتاب حق به سوی ما آورد

او بخدا ساقی رحمت بود
آب و گلش ز باغ جنت بود
گفت خداوند تعالی چنین
به مدح و وصف خاتم النبیین
که خلقت از برای احمد بود
ارض و سما مال محمد بود
لیک کلام ما به عالم جلی است
خلقت احمد ز برای علی است
علی بود محرم اسرار دل
علی بود یوسف بازار دل
نبی بود در این جهان عقل کل
علی بود وارث ختم رسل
قسم بر آن محبت احمدی
قسم بر آن عنایت سرمدی
امیر مؤمنان اگر چه مولاست
وجود حیدر ز برای زهراست
دختر او از همگان سر بود
فاطمه اش کنیز حیدر بود
عشق نبی همیشه در این تن است
مهر علی و فاطمه با من است

۲۳- شده هنگام طرب برای زهرا در جنان

مشخصات

مناسبت ولادت
سبک ولادتی
قالب آهنگین
شاعر ناشناس
منبع بایگانی
تعداد استفاده ۰

متن شعر

شده هنگام طرب برای زهرا در جنان

شده روشن چشم مهدی آن امام شیعیان

شده روشن جهان یکسر ، زین دو مولود مطهر ، نبی و ابن او جعفر

مبارکباد مبارکباد(۳)

*****

ز دامن آمنه گلی به دنیا آمده

به لبم این زمزمه ز عرش اعلی آمده

ز سبوی نبی مستم ، من گدای صادق استم ، سر راهش چو بنشستم

مبارکباد مبارکباد(۳)

*****

۲۴- فصل نو بهاره ، دل اسیر یاره

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

رسول ا... مدد(۲) یا سیدی یا سیدی یا مصطفی

*****

فصل نو بهاره ، دل اسیر یاره ، بسکه بیقراره

بیرون میاد با هر نفس از توی سینه

یار همراز اومد ، یه گل ناز اومد ، دل به پرواز اومد

پر زده تا قبه ی خضرای مدینه

من همه عمرمو به انتظار می شینم

تا گنبد سبز مدینه رو ببینم

*****

دل که با صفا شد ، مست مصطفی شد ، تا پر از وفا شد

مقابل جمال حق به آینه شد

آسمان غرق نور ، عالمی در سرور ، هر بدی گشته دور

که مکه سرمست نگار آمنه شد

با یه ندا گشوده راه وصل ایزد

صل علی نبینا و آل احمد

*****

من و فجر صادق ، من و قلب عاشق ، من و یه شقایق

همه اسیر دلبری که کرده جلوه

دو جهان دمادم ، همه ی دو عالم ، همه نسل آدم

فدای نوگل بهار امّ فروه

کاش نباشه زندگی بی یاس و شقایق

کاش که بشم فدایی امام صادق

*****

۲۵- گل بهشت سرمدی ، یا مصطفی خوش آمدی

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

گل بهشت سرمدی ، یا مصطفی خوش آمدی

مولا مولا یا رسول ا... مدد

*****

به شهر مکه جلوه ی صبح ازلی دمیده است

پیام شور و شادی از بهشتیان رسیده است

خدا به خلقت بشر روی خود آفریده است

چشمه ی فیض ایزدی ، یا مصطفی خوش آمدی

مولا مولا یا رسول ا... مدد

*****

فرشتگان نشسته اند بر سر راه آمنه

دیده ی قدسیان بود به قرص ماه آمنه

سر زده موج شادی از برق نگاه آمنه

به انبیاء سر آمدی ، یا مصطفی خوش آمدی

مولا مولا یا رسول ا... مدد

*****

به سوی بزم می کشان ساقی و ساغر آمده

به کام عاشقان حق بادی کوثر امده

عید نبی و صادق آل پیمبر آمده

تو آیت مؤیدی ، یا مصطفی خوش آمدی

مولا مولا یا رسول ا... مدد

*****

دو بحر رحمت دو رهبرم دو آینه ی ایزد نما

دو رهبر عشق و معرفت که مدحشان را کند خدا

دین نبی دین من است مذهب جعفری مراست

اگر روم راه دگر به مرتضی علی خطاست

به انبیاء سر آمدی ، یا مصطفی خوش آمدی

مولا مولا یا رسول ا... مدد

*****

۲۶- قربان رسول و قلب پر عاطفه اش

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

قربان رسول و قلب پر عاطفه اش

و آن ذکر و دعا و ناله و زمزمه اش

در جشن ولادتش بگیرید همه

یک تذکره ی مدینه از فاطمه اش

۲۷- با سر ره عشق و وفا می پویم امشب

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک بوشهری

قالب مثنوی

شاعر حسینی سید محسن

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

با سر ره عشق و وفا می پویم امشب

یا مصطفی یا مصطفی می گویم امشب

امشب زمین مکه در خود ماه دارد

ماهی به مانند رسول ا... دارد

وجه خداوند کریم آمد خوش آمد

امشب ز ره در یتیم آمد خوش آمد

ای آمنه در دست داری دسته گل را

نی دسته گل قنداقه ی ختم رسل را

ای آمنه در بین زنها سرفرازی

با این پسر جا دارد ار بر خود بنازی

ای دلبران این دلربای دلبران است

پیغمبران ، این خاتم پیغمبران است

غرق طراوت دامن صحراست امشب

فرخنده میلاد اب الزهراست امشب

این طفل خود حاکم به جنات النعیم است

باشد پدر بر خلق گر چه خود یتیم است

صد حاتم طایی گدای درگه اوست

ماه فلک شرمنده از روی مه اوست

عمری است باشد قبله ام روی محمد

من تا قیامت مستم از بوی محمد

ای بارگاه تو بهشت آرزویم

در روز محشر لحظه ای کن جستجویم

دل بیقراری می کند در کنج سینه

کرده هوای دیدن شهر مدینه

هستی تو صاحب خانه و دل خانه ی توست

شمعی و جبریل امین پروانه ی توست

تو باغ گل من خار صحرای تو هستم

من گر چه مستم مست زهرای تو هستم

زیرا که باشد هستی عالم ز هستش

زهرا که جای بو سه ات باشد به دستش

زهرا که او را صاحب قرآن ستوده

زهرا که دل از ساقی کوثر ربوده

زهرا که در دستش کلید سرنوشت است

زهرا که بوی سینه اش بوی بهشت است

زهرا که در راه علی از پای ننشست

در سن هجده سالگی بار سفر بست

زهرا که درس عشق بر پروانه آموخت

دور علی گردید تا سر تا بپا سوخت

من ای مسیحا تا نفس در سینه دارم

یا فاطمه یا فاطمه باشد شعارم

۲۸- از جا خیزید گل بریزید که یار من ...

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

از جا خیزید گل بریزید که یار من چهره گشوده

از آمنه یک آینه تجلی از خدا نموده

نگار من که مکتبی ندیده ندیده

برای کار دلبری رسیده رسیده

اونکه دل از همه ربود طریق عاشقی گشود

اونکه اگه خدا نبود خدای آسمونا بود

*****

نور ایزد وجه سرمد به جلوه های آنچنانی

نامش احمد یا محمد یا که خدای مهرمانی

نبی رحمت خدا آمده آمده

نور خدا بر دل ما سر زده سر زده

خورشید هفت آسمونه عشق زمین و زمونه

ما رو شفاعت می کنه مهربونه مهربونه

*****

بر خلایق فجر صادق به جلوه ی خدا دمیده

رزق و رازق عشق و عاشق به اوج کار خود رسیده

اسمشو حق به روی دل نوشته نوشته

محفل ذکرش بخدا بهشته بهشته

ستاره ی عشق و وفا مدینه رو داده صفا

من کیم و من چی بگم عاشقشه خود خدا

*****

ای دلدارم تو رو دارم بدون تو هیچی ندارم

من سائلم ناقابلم تویی همه دار و ندارم

تویم گل و باغ من و بهارم بهارم

زندگیم و بپای تو میذارم میذارم

بی تو فقیرم بخدا تویی امیرم بخدا

از تو خوبه جدا نشم که من می میرم بخدا

*****

۲۹- شام غمم سر آمد ، بیا که دلبر آمد

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

شام غمم سر آمد ، بیا که دلبر آمد

خندیده غنچه ی گل ، عید پیمبر آمد

دل ز آمنه ربوده یک نگاه او

دیدنی شده مکه ز روی ماه او ۲

*****

یا محمدا محمدا محمدا ۳

*****

جلوه ی سرمد آمد ، شادی بی حد آمد

ز مکه بر مشامم ، بوی محمد آمد

در حریم او گدای بینوا منم

مست ساغر خاتم الانبیاء منم۲

*****

تو مشعر و منایی ، تو مروه و صفایی

آینه ی خدایی ، خاتم الانبیایی

آمنه زند بوسه به ماه روی تو

با دو صد شعف شانه کشد به موی تو۲

*****

ای گل بی قرینه ، تویی سرور سینه

دلم گرفته امشب ، بهانه ی مدینه

عشقت آبرو داده به روی زشت من

بارگاه تو جنت من بهشت من۲

*****

رهبر لایق آمد ، نشر حقایق آمد

به شیعیان بگویید ، امام صادق آمد

مثل گل ببین آمده خنده بر لبم

جرعه نوشم و مست رئیس مذهبم۲

*****

مستم ز جام زهرا ، هستم غلام زهرا

مرغ دلم نشسته ، به روی بام زهرا

بر لبم بود شور و نوا و زمزمه

من کجا روم از سر کوی فاطمه۲

*****

۳۰– می باره ، ستاره ، امشب از آسمونا

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

می باره ، ستاره ، امشب از آسمونا

رسیده ، امیر ، افلاک و کهکشونا

شده دلم امشب دیوونه

تا به سحر بی بهونه

به عشق روی پیمبر

سرود مستی می خونه

خدا=درای غصه و غمو می بنده می بنده

ملک=میون آسمون داره می خنده می خنده

یا محمد یا محمد یا حبیبی یا محمد(۲)

*****

به پای ، قدمهاش ، فرشته گل می ریزه

منوّر ، ز رویش ، برابر مادر عزیزه

یه آرزو دارم به سینه

الا شه بی قرینه

که یه شبی منم آقا جون

بیام به شهر مدینه

منم=اسیر و دیوونه ی گنبد خضرا

تویی=خدای جود و کرم أب الزهرا

یا محمد یا محمد یا حبیبی یا محمد(۲)

*****

تو عالم ، به جز تو ، ندارم من پناهی

بیا و ، تو بر من ، آقا جون کن نگاهی

تویی امیر قلب عاشق

یا کاشف الحقایق

روحی فداك یابن زهرا

مولا امام صادق

آقا=عمریه که به عشق تو اسیرم

بذار=آقاجون بیام بقیع تو ببینم

یا محمد یا محمد یا حبیبی یا محمد(۲)

*****

۳۱– آی عاقلا ببینید دیوونگی همینه

مشخصات

مناسبت ولادت

سبك ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

آی عاقلا ببینید دیوونگی همینه

یه پای دل تو مکه است یه پای دل مدینه

روی دست آمنه خورشیدی از راه رسیده

عطر گل محمدی میون دلها پیچیده

مدد رسول ا...(۴)

*****

تو دلبرا سر آمد تو معرفت صد در صد

ساده بذار بگم من تو محشری محمد

مست باده ی توأم ای مست باده ی حسین

بده به عشق صادقت عیدی بین الحرمین

مدد رسول ا... (۴)

*****

میدونی این دل من چطوری حیدری شد

روزیکه ثبت نام مکتب جعفری شد

عشق تو فلک نجات علی همیشه ناخداست

مقصد این کشتی دل یا مشهده یا کربلاست

مدد رسول ا... (۴)

*****

۳۲- سینه ها رو قرق کنید دلا رو یک افق کنید

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سینه ها رو قُرق کنید دلا رو یک افق کنید

به ساحت احساستون تقدیم اشک شوق کنید

گل بریزید ، وقت صفا و مستی و عیشه

باده ی ما ، ساغر چشمای شاه قریشه

کاش همیشه ، زندگیمون تو این میکده طی شه

شرابش حلاله

گدائیش مداله

منو جدایی ز ساقی (احمد)

محاله محاله

دلبر دلبرا یا رسول ا...(۳)

*****

جود و کرم عادت تو رزق من از برکت تو

تموم قرآن خدا قباله ی بعثت تو

کعبه ی عشق، ی حجرالاسودت بلاله

مُحرم توست ، هر کی به تو دلو داده حواله

میلاد تو، عصر جهالتو کرده مچاله

شه عالمینی

گل نشأتینی

برای فخرت همین بس

که جدّ حسینی

دلبر دلبرا یا رسول ا...(۳)

*****

عالمی در کمند تو هر شهی مستمند تو

سکوی معراج علی شونه های بلند تو

آی عاشقا ، کعبه اگه پایتخت دنیاست

توی شهرا ، همه میدونن کربلا غوغاست

تو حرما ، سید گنبدا گنبد خضراست

نه لفظ و بیانه

این از عمق جانه

گنبد سبزت تو ایران

همون جمکرانه

دلبر دلبرا یا رسول ا...(۳)

*****

اسمت تو انبیاء تکه عشقت مدار فلکه

ساده بذار بگم آقا بی تو جهان بی نمکه

دلربایی ، مرکز ثقل بهشت خاک پاته

زلف یوسف ، از جنس جاروی جاروکشاته

رزق حاتم ، از سر سفره ی غلام سیاته

تو دلبر تو محشر

تو محراب تو منبر

تو مدینه احمدی و

تو کربلا اکبر

دلبر دلبرا یا رسول ا...(۳)

*****

چشمات بهشت حیدره بهشت چشمات کوثره

بهشت ما کربلا بهشتمون یادت نره

سلیمانی ، حکک شده بر خاتم تو یاهو

خدا عرشو ، کرده با عطر محمدی خوشبو

وعده ی ما ، پنجره فولاد ضامن آهو

الا ایها الناس

شیعه ایم و حساس

(همه از نسل یاس)

هر کی بد ما رو بخواد

جوابش با عباس

دلبر دلبرا یا رسول ا...(۳)

*****

مانند قلب آمنه طاق مدائن شد خراب

از بسکه ریخته اشک شوق بحر سماوه شد پُر آب

روح قرآن، متن زبوری و تورات و انجیل

جای دستات، مونده روی سنگ ابابیل

شکر خدا، سالم شده با نام تو تحویل

شه عالمینی

گل نشأتینی

برای فخرت همین بس

که جدّ حسینی

دلبر دلبرا یا رسول ا...(۳)

*****

جاروکش حریم توست صد تا سلیمان نبی

چونکه خود خدا نوشت رو خاتمت ناد علی

۳۳– ملائکه از آسمونا ، طبقایی از نور میارن

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک نوحه سنگین جدید

قالب آهنگین

شاعر عبدالکریمی مهدی

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ملائکه از آسمونا ، طبقایی از نور میارن

تو خونه ی دختر وهب ، گلای محبت می کارن

دور چشات شاخه نبات فرشته ها نذری میارن

دسته گل محمدی پای قدوم تو می ذارن

یا مصطفی یا نبی ا...(۴)

*****

پسر یتیم آمنه سوره ی محبت می خونه

وقتی لباشو وا می کنه دل خدا رم می لرزونه

گلاب و اسپند بیارید که واسه ی ما رحمت میاره

موهاشو شونه بزنید که این پسر همتا نداره

یا مصطفی یا نبی ا...(۴)

*****

ندای تمنای توأم غبار قدمهای توأم

اگه منو قابل بدونی دیوونه ی زهرای تو أم

خوش اومدی تو اومدی از همه دلبری کنی

با ذوالفقار مرتضی عالم و حیدری کنی

یا مصطفی یا نبی ا...(۴)

*****

شب می و باده داریه شب سرور و خوشحالیه

چه خبره امشب مدینه جای همه اونجا خالیه

شکر خدا مسلمونم مسلمون اهل بیت تو

دلم خوشه که من شدم گدای گمنام بیت تو

یا مصطفی یا نبی ا...(۴)

*****

۳۴- ای عرش زمین بوست ای چرخ زمینگیرت

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای عرش زمین بوست ای چرخ زمینگیرت

ای دست قضا دائم در پنجه ی تقدیرت

هم پای رُسل بسته در حلقه ی زنجیرت

هم قلب ملک روشن در مکتب تنویرت

پاکان دو عالم پاک از آیه ی تطهیرت

حُسن ازلی پیدا بر خلق ز تصویرت

در روی تو می بینم مهر رخ سرمد را

در وصف تو می خوانم ما کان محمد را

*****

خورشید اگر وام از رخسار تو نستاند

تا حشر ز بی نوری بر کام افق ماند

جبریل امین خود را محتاج تو می داند

بر خیل ملک دائم اوصاف تو را خواند

حق عالم خلقت را بر گِرد تو گرداند

حیدر دُر مدح از لب بر پای تو افشاند

با آنکه بود مولا مخلوق دو عالم را

فرمود که من عبدم پیغمبر اکرم را

*****

ای روح قُدُس را بال از طایر اقبالت

آیات کتاب ا... در حُسن و خط و خالت

این هفت فلک خشتی از پایه ی اجلالت

خادم شده جبریلت سائل شده میکالت

حوران جهان یک یک مرغان سبک بالت

شیطان طمع رحمت دارد ز تو و آلت

احسان ز کفت بارد رحمت ز دمت خیزد

روح از نفست جوشد فیض از سخنت ریزد

*****

بر خیل رسل بودی ز آغاز پیمبر تو

قرآن و نبوت را اول تو و آخر تو

مینای ولایت را ساقی تو و ساغر تو

قانون نبوت را قاضی تو و داور تو

خوبان دو عالم را مولا تو و سرور تو

ما ذره ی ناچیز و خورشید منور تو

ای در همه جا با ما از خویش مران ما را

چون ذره جدا گردد از مهر جهان آرا

*****

تو مشعل ایمانی تو باغ گل دینی

تو جلوه ی آغازی تو فیض نخستینی

تو آینه ی حقی تو صاحب آئینی

تو رهبر امکانی تو لنگر تمکینی

دارنده ی واللیلی آرنده ی والتینی

مدّثّر و مزّمّل طاهائی و یاسینی

تو باغی و زهرا گل تو شهری و حیدر در

زهرا تو و تو زهرا حیدر تو و تو حیدر

*****

طوفان شده رام نوح از یمن ولای تو

بشکافته دریا را موسی به عصای تو

بر چرخ چهارم شد عسی به هوای تو

از چاه برون آمد یوسف به دعای تو

داوود زبورش را خوانده به نوای تو

یونس به دل ماهی مشغول ثنای تو

داور به تو می بالد قرآن به تو می نازد

زهرا به تو دل داده حیدر به تو جان بازد

*****

ای گرگ ز صحراها آورده سلامت را

ای شیر ژیان برده بر دوش غلامت را

دشمن همه جا دیده احسان مدامت را

جبریل ثنا گوید مرغ لب بامت را

قرآن به جبین بسته زیبائی نامت را

لبخند زنان کوثر بوسد لب جامت را

ای فهم رُسل کوته از اوج جلال تو

گلبوسه ی صد یوسف بر روی بلال تو

*****

ای خیل رسل را دست بر دامن آل تو

ای چار کتاب ا... اوصاف کمال تو

سیل همه رحمت ها جاری ز جبال تو

با وحی کند پرواز معراج خیال تو

مخلوق نه بل خالق مشتاق جمال تو

ره بسته شود بر صبح بی صوت بلال تو

فرمانده افلاکی ماه کره ی خاکی

چون ذات خدا پاکی ممدوح به لولاکی

*****

ای پرچم توحیدت بر شانه ی نه طارم

ای خیل نبیین را هم اول و هم خاتم

خار تو گُل عالم خاک تو گِل آدم

هم لرزه ز میلادت افتاده به کاخ جم

لرزان چو تن کسری ایوان مدائن هم

برخیز و بزن بانگی از نو به سر عالم

نجم فلک آرائی شمس قمر افروزی

چشم دو جهان سویت تا باز بر افروزی

*****

ای کوه غمت بر دوش وی خصم زده سنگت

ای سنگ ، دلش پر خون از چهره ی گلرنگت

سوگند به رخسار خونین و دل تنگت

با آن که شده گیتی دانشگه فرهنگت

کفار جهان با هم دارند سر جنگت

آن بسته کمر بهر خاموشی آهنگت

جنگند ز هر جانب تازند به هر عنوان

یک سلسله با عترت یک طایفه با قرآن

*****

بر سینه ی اسلامت صد درد نهانی بین

پیوسته به تن زخمش از کفر جهانی بین

آن باغ که پروردی باز آی و خزانی بین

هم درد نهان بنگر هم ظلم عیانی بین

گرگان جهان خواری در سلک شبانی بین

فریاد درون بر چرخ از عالی و دانی بین

بر امت مظلومت ای دین ز دمت زنده

تا خصم شود حاکم صد تفرقه افکنده

*****

ای دست احد ما را با هم ید واحد کن

بر ضد ستمکاران بازوی مجاهد کن

پیروز در این عرصه بر دشمن فاسد کن

در بین ملل ما را خادم کن و قائد کن

سرتاسر گیتی را خرم چو مساجد کن

وین مردم عالم را عابد کن و زاهد کن

اجرای کمال دین در همت ما باشد

احیای همه عالم در وحدت ما باشد

*****

تا چند ستمکاری از دشمن دون آید

ظلم و ستم و بیداد از خصم زبون آید

وز دیده ی این امت اشک آید و خون آید

بر فرق خردمندان شمشیر جنون آید

از سینه ی اهل درد فریاد درون آید

ای کاش دگر مهدی از پرده برون آید

پیوسته چو مظلومان (میثم) به دعا کوشد

تا رخت فرج را حق بر قامت او پوشد

*****

۳۵- فروزان از دو مشرق در سحرگاهان دو عید آمد

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب ترکیب بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

فروزان از دو مشرق در سحرگاهان دو عید آمد

دو خورشید جهان افروز در دو صبحگاه آمد

دو موسی از دو دریا یا دو یوسف از دو چاه آمد

دو رهرو یا دو رهبر یا دو مشعل دار راه آمد

دو شمع جمع بزم جان و رکن محکم ایمان

دو بحر رحمت و غفران دو دست قادر منان

دو آدم خو دو یوسف رو دو موسی ید دو عیسی دم

*****

دو دریا را دو رخشان گوهر یکدانه پیدا شد

دو جان جان جان دو دلبر جانانه پیدا شد

دو سرو ناز یا دو نازنین ریحانه پیدا شد

دو شمع آفرینش یک جهان پروانه پیدا شد

دو سرّ داور هستی دو جان در پیکر هستی

یکی پیغمبر هستی یکی روشنگر هستی

یکی سر الّه اکبر یکی وجه الّه اعظم

*****

دو شمع جمع انسانها دو شاه کشور جانها

دو باب ا... احسانها دو بسم ا... عنوانها

دو سرو باغ و بستانها دو باغ روح و ریحانها

دو واجب جاه امکانها دو مشعل دار کیهان ها

دو خالق را نماینده دو قرآن را سراینده

دو رحمت را فزاینده دو دلها را رباینده

یکی بر اولیاء سادس یکی بر انبیا خاتم

*****

بشارت ای تمام عالم هستی بشیر آمد

گل بستان سرای آفرینش در کویر آمد

نرفته ماه از بزم فلک مهر منیر آمد

بشیران را بشیر آمد نذیران را نذیر آمد

جهان گردیده آسوده ملک رخ بر زمین سوده

فلک بر زیور افزوده محمد چهره بگشوده

ز مکه تافته خورشید نورش بر همه عالم

*****

فلک امشب زمین مکه را از دور می بوسد

ملک مهد محمد را به موج نور می بوسد

بفرمان خدا خاک درش را حور می بوسد

مسیح از عالم بالا کلیم از طور می بوسد

حرم پیموده ره سویش طواف آورده بر کویش

صفا چون گل کند بویش صفاها گیرد از رویش

به یاد لعل لبهایش کند رفع عطش زمزم

*****

چو آمد آمنه کم کم به هم چشم خدا جویش

دو لب خاموش اما عالمی گرم هیاهویش

بناگه تافت خورشید جهان آرا ز پهلویش

منور ساخت شرق و غرب را از پرتو رویش

سما در نور او گم شد زمین دریای انجم شد

لبش گرم تبسم شد وجودش در تلاطم شد

که ناگه چشم حق بینش دوباره باز شد از هم

*****

ندا از عمق جان بشنید هان ای مهربان مادر

خدایت را خدایت را بخوان مادر بخوان مادر

سلامت می دهد امشب زمین و آسمان مادر

که هستی آفرین هستیت بخشد رایگان مادر

ببین لطف مؤید را بخوان دادار سرمد را

بدنیا آر احمد را محمد را محمد را

بذکر حق کن استقبال از پیغمبر اکرم

*****

دل شب آمنه تنها ولی تنها خدا با او

نه عبد ا... زنده نه زنان آشنا با او

دعا می خواند و بودی آفرینش همصدا با او

سخن می گفت فرزندش محمد در خفا با او

امیدش بود و معبودش وجودش بود و مولودش

محمد بود و مقصودش زهی از بخت مسعودش

گرفتش در بغل مانند جان خویشتن مریم

*****

ز یک سو رو به قبله مادرش حوّا دعا گویش

ز یک سو آسیه گلبوسه گیرد از گل رویش

ز یک سو مام اسماعیل همچون گل کند بویش

ز یک سو دستهای مریم عذرا به پهلویش

که کم کم درد او کم شد رها از درد و از غم شد

جمال حق مجسم شد محمد ماه عالم شد

به استقبال او خیزید از جا ای بنی آدم

*****

در آن شب بارگاه آمنه خلد مخلّد شد

در آن شب جلوه گر مرآت حسن حی سرمد شد

در آن شب آفرینش محو و مات روی احمد شد

در ان شب بوسه زن مادر به رخسار محمد شد

چه عبدی در سجود آمد چه نوری در وجود آمد

چه غیبی در شهود آمد خدا را هر چه بود آمد

که او با هر دمش بر آفرینش جان دهد هر دم

*****

چو آن تابنده اختر زاد آن نور مجسم را

نه آن نور مجسم بلکه وجه ا... اعظم را

فروغی تافت از نورش که روشن کرد عالم را

ندا آمد که زادی بهترین فرزند آدم را

مبارکباد لبخندت گرامی باد فرزندت

بهین عبد خداوندت محمد طفل دلبندت

که می خوانند مدحش را خدا و انبیا با هم

*****

تو امشب آدم و نوح و خلیل دیگری زادی

ذبیح و خضر و داوود و کلیم برتری زادی

مسیحا نه مسیحای مسیحا پروری زادی

تو امشب بر همه پیغمبران پیغمبری زادی

رسل در تحت فرمانش کتب یک جمله در شانش

هزاران خضر عطشانش صد اسماعیل قربانش

مبارك ای گرامی مادر پیغمبر اکرم

*****

زمین مکه دیشب غرق در نور محمد بود

چراغ آسمان لبخند زن بر روی احمد بود

جهان آفرینش بهتر از خلد مخلد بود

تجلای خدا در چهره ی عبدی مؤید بود

مؤیّد باد قرآنش گرامی باد فرقانش

معطر باد بستانش جهان در تحت فرمانش

بنای اوست در سیل حوادث کوه مستحکم

*****

محمد ای چراغ روشنی بخش جهان آرا

بر افروز و بر افروزان بنور خویش دلها را

بلرزان با نهیب آسمانی کاخ کسری را

ندای تفلحوا از عمق جان برکش بخوان ما را

تو ما را دانش آموزی تو مهر عالم افروزی

تو برق اهرمن سوزی تو در هر عصر پیروزی

لوای توست با دست خدا بر دوش نه طارم

*****

(یا امام صادق)

هماره بوی عطر خلد از خاك درت خیزد

همیشه نور توحید از فراز منبرت خیزد

ندای تفلحوا از مکتب جان پرورت خیزد

فروغ دانش از کرسیّ درس جعفرت خیزد

ششم مولا ششم رهبر ششم هادی ششم سرور

ششم فرمانده داور ششم فرزند پیغمبر

که شش خورشید حق از سلب او تابیده در عالم

*****

الا ای ام فروه آفتاب داور اوردی

محمد را محمد را کتاب دیگر آوردی

تعالی ا... که مثل آمنه پیغمبر آوردی

تو چون بنت اسد در دامن خود حیدر آوردی

بعصمت مادرش زهرا بصورت چون حسن زیبا

حسینی خو علی سیما امام باقرش بابا

که با عید محمد عید میلادش بود توأم

*****

کتاب من کتاب ا... و دین مصطفی دینم

تولای امیرالمزمنین عهد نخستینم

مرام جعفری و مهر آل ا... آئینم

نه کاری بود با آنم نه حرفی مانده با اینم

محب آل اطهارم علی را دوست می دارم

ز خصمش نیز بیزارم به یارش تا ابد یارم

نباشد غیر حب و بغض ، دین و مذهب (میثم)

*****

۳۶- بر چهره ی تابان محمد صلوات

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع گلواژه های عترت

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بر چهره ی تابان محمد صلوات

بر نور ششم ولی داور صلوات

امروز که بهر ملت ماست دو عید

روز صلوات است مکرر صلوات

۳۷- توحید که لا اله الا ا... است

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع گلهای محبت

تعداد استفاده ۰

متن شعر

توحید که لا اله الا ا... است

شرطش به خدا علی ولی ا... است

اسماء دوازده امام معصوم

توضیح محمدا رسول ا... است

۳۸– تو در تمامی امکان، چو جان درون تنی

مشخصات

مناسبت مدح

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع آتش مهر

تعداد استفاده ۰

متن شعر

تو در تمامی امکان، چو جان درون تنی

نکوتری ز کلام و فراتر از سخنی

اگر تمام نکویان شوند پروانه

تو در تجمّع آنان، چراغ انجمنی

جنان به باغ گلی ماند و تو صاحب باغ

جهان چو یک چمن است و تو سرو آن چمنی

به «قُل اَنَا بشرٌ مثلکم» شدی توصیف

مباد اینکه بگویند حیّ ذوالمننی

"تنت به ناز طبیبان نیازمند مباد "

که جان جان جهانی و در لباس تنی

رواست تا همه ارواح با خضوع و خشوع

کنند سجده تو را بس که نازنین بدنی

کنند ناز به اهل بهشت در صف حشر

به روی اهل جهنّم، اگر تو خنده زنی

چگونه وصف تو را گویم؟ ای خدا مرآت!

که باب فاطمه و پیشوای بوالحسنی

گهر به خود ز چه نازد؟ تو لعل لب بگشا

که دُر پراکنی و رونق گهر شکنی

اگر چه «میثم» آلوده ام، یقین دارم

که چون به حشر درآیم، تو دستگیر منی

۳۹- یا رسول ا... یا نبی ا... به دلم دارم عشق

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

یا رسول ا... یا نبی ا...

به دلم دارم عشق ثار ا...

*****

ز قدوم تو اشک حق پر نور

عرشیان خندان فرشیان مسرور

بگرفتندت حوریان در بر

تا گرفتی جا به بر مادر

یا رسول ا... یا نبی ا...

به دلم دارم عشق ثار ا...

*****

لولاک لولاک لما خلقت الافلاک

افتاده زیر پات خورشید و مه به خاک

بابای فاطمه(۴)

*****

عرش خدا شده پر شور و همهمه

نور خدا عیان در دست آمنه

اعجاز چشم تو برده دل از خدا

۴۰- گر فکر رهایی ز غم و راه نجاتی

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

گر فکر رهایی ز غم و راه نجاتی

در این شب پر فیض تو خواهی ثمراتی

باید که به کوری دو چشمان حسودان

بر احمد و آلش بفرستی صلواتی

۴۱- غلام ساقیم و ساکن خراباتم

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب قصیده

شاعر ناشناس

منبع گلواژه های عترت

تعداد استفاده ۰

متن شعر

غلام ساقیم و ساکن خراباتم

که مست گشته ام امشب ز عشق او ماتم

منم که دیده گشودم به دیده ی دلبر

زدم می از گل روی ندیده ی دلبر

من از دیار جنونم اسیر دلدارم

ترانه از سر مستی به روی لب دارم

دو ماه سر زده امشب در آسمان عشق

دو یار ناز دو دلبر دو دلستان عشق

دو نور پاك خدایی دو مهر رخشنده

در آسمان محبت دو ماه تابنده

دو نور پاك خدایی دو رحمت مطلق

نوشته شد به سماوات ذکر جاء الحق

دو شه که هر دو به لب خال هاشمی دارند

دو مه که هر دو به رخ نور فاطمی دارند

دو گل که هر دو بهشتی پیکر ، اما

بهشت هر دوی اینها تبسم زهرا

به عشق هر دو اسیرم خوشم ز این مستی

دو دست دارم و دادم به هر یکی دستی

گرفته دست مرا آن یکی و می خندد

وَ آن یکی دَرِ غمزه به روی دل بندد

جمال هر دو بهشت است نه بلکه فوق بهشت

به سینه ام ز ازل نامشان خدا بنوشت

به نام نامی شان می زنم به دریا دل

به عشق این دو شدم مرد دریا دل

ز نام دلکش این دو بگو دل عاشق

یکی محمد و آن دیگری بود صادق

یکی در اوج لطافت پریوش و زیبا

یکی رئوف و رحیم و کریم و بی همتا

یکی به دلبری دل هزار سلسله دارد

یکی به وادی عرفان هزار قافله دارد

یکی اسیر نگاهس هزار یوسف مصری

یکی نشسته به راهش هزار یوسف مصری

یکی مسیح ، مریض تبسمش باشد

یکی کلیم ، فقیر تکلمش باشد

یکی منادی وحدت به نقطه ی توحید

یکی درون نگاهش هزار شعله ی خورشید

یکی سفیر هدایت به وادی عشق است

یکی چراغ ره و میر و هادی عشق است

یکی خدای محبت شفیع رستاخیز

یکی ولایت محضش یگانه دستاویز

یکی طلوع سپیده ز خنده اش شیدا

یکی تمام خلایق ز عشق او شیدا

یکی به گفته ی قرآن مطهر و والا

یکی مفسر قرآن به لهجه ی زهرا

یکی ز برق نگاهش همه جهان روشن

یکی ز یمن قدومش زمین شده گلشن

یکی ربوده غمش هوش و عقل جبرائیل

یکی مقیم سرایش همیشه میکائیل

یکی فقط وَ فقط فکر خنده ی زهرا

یکی دلش پر از غم است از غریبی مولا

یکی به دور حریمش هزار زائر پاک

یکی مزار شریفش یکی بود با خاک

۴۲- ما در ملکوت عشق نا پیدائیم

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع گلهای محبت

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ما در ملکوت عشق نا پیدائیم

بر خامه ی صورت آفرین شیدائیم

خورشید محمد است و در ملک وجود

آن ذره که در حساب ناید مائیم

۴۳– ای تمام آفرینش خشتی از ایوان تو

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای تمام آفرینش خشتی از ایوان تو

علم شرق و غرب عالم سطری از قرآن تو

آسمانی ها زمینی ها همه مهمان تو

گل کند جان مسیح از غنچه ی خندان تو

خنده ی خورشید ها از گوهر دندان تو

عقل ها مبهوت تو مجنون تو حیران تو

*****

آسمانی ها همه مرهون ارشاد تو أند

دستگیران جهان محتاج امداد تو أند

شهریاران بنده ی سلمان و مقداد تو أند

چار أمّ و هفت أب در خطّ اولاد تو أند

انبیا یکسر بشیر صبح میلاد تو أند

نورها بر قلبشان تابیده از فرقان تو

*****

انبیا یک کاروان تو کاروان سالارشان

خوب رویان مشتری تو یوسف بازارشان

خالق و خلقت درود حضرت تو کارشان

کلّ انسانها تویی تنها تویی غمخوارشان

مسلمین در خواب غفلت خفته تو بیدارشان

بی خبر از دشمنان عترت و قرآن تو

*****

تو سراپا جانِ جانِ امّتی امّت چو تن

تن شود بی تاب اگر یک لحظه جان بیند مَحن

با اهانت بر تو، امت شد چو بحری موج زن

در خروش آمد بسی پیر و جوان و مرد و زن

رهروان تو سزد مانند چوپان قَرَن

بکشند دندانشان، چون بشکند دندان تو

*****

ای که کرده ذات معبودت حبیب خود خطاب

ای فروغت جلوه گر چون مهر از ابر حجاب

گر جسارت کرد بر تو ابلهی حیف از جواب

تو به وسعت فوق اقیانوس و او کم از سراب

با صدای سگ نگردد کم فروغ آفتاب

می درخشد تا قیامت نور بی پایان تو

*****

از فروغ رحمتت لبریز ظرف عالم است

چون تو قامت بر فرازی قامت گردون خم است

لیله ی میلاد تو عید کمال آدم است

خاصه در سالی که آن سال رسول اعظم است

پایه ی توحید تو همچون کتاب محکم است

ثبت گشته بر جبین آسمان عنوان تو

*****

چارده قرن است دنیا محو عدل و داد توست

آه مظلومان عالم بانگی از فریاد توست

بردگی محکوم تو آزادگی آزاد توست

تا خدایی خدا مُلک خدا آباد توست

هفته ها و روزها و لحظه ها میلاد توست

بسکه جوشد گوهر علم از یم عرفان تو

*****

تو بجای سیم و زر احسان و عدل اندوختی

تو نگاه مرحمت حتی به دشمن دوختی

تو برای خلق همچون شمع سوزان سوختی

تو ز حکمت در دل انسان چراغ افروختی

تو به جای اِضرب، اِقرأ بر بشر آموختی

می درخشد عَلَّمَ القرآن به الرّحمن تو

*****

آمدی ای تا ابد در سینه ها نور، آمدی

آمدی ای موسی برگشته از طور، آمدی

آمدی ای رایتت پیوسته منصور، آمدی

آمدی ای ملک هستی از تو معمور، آمدی

آمدی ای چشم بد از عارضت دور، آمدی

خنده کن ای صبح مشتاقان لب خندان تو

*****

کیست تا مثل تو سلمان و ابوذر پرورد

کیست تا مرد دو عالم همچو حیدر پرورد

کیست تا در بوستان وحی، کوثر پرورد

کیست تا چون لؤلؤ و مرجان دو گوهر پرورد

یا چو زینب دختری در حدّ مادر پرورد

ای امیرالمؤمنین پرورده ی دامان تو

*****

حکمت از اسلام ناب توست جاری بیشتر

دانش از حکم و کتاب توست ساری بیشتر

سرفرازان را به کویت خاکساری بیشتر

از تو می خواهند جن و انس یاری بیشتر

آنچه کل انبیا دارند داری بیشتر

ای نبیّین میهمان سفره ی احسان تو

*****

عترت و قرآن تو دو مشعل تابان ماست

دو سپهر معرفت دو کفّه ی میزان ماست

کلّ دین ما همانا عترت و قرآن ماست

حفظ این دو با تو از روز ازل پیمان ماست

پیروی زین دو امانت عزت و ایمان ماست

کیست «میثم» مدح خوان عترت و قرآن تو

*****

۴۴- امشب زمین کند به سماوات سروری

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب ترکیب بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب زمین کند به سماوات سروری

امشب نسیم مکه کند روح پروری

امشب به دور مکه مه و مهر و اختران

از زهره تا زُحل همه گشتند مشتری

امشب ز خاك رفته بر افلاك موج نور

امشب به عرش، فرش زند کوس برتری

آمد خلیل بت شکنِ دهر با تبر

افتاده لرزه بر تن بت های آذری

بت های کعبه نغمه ی تهلیلشان به لب

احجار مکه کرده به تقدیس گوهری

نوشیروان! ز کنگره ی قصر خویشتن

بشنو سرود معدلت و دادگستری

دریای ساوه، رود سماوه شدند خشک

حیرت برند هر دو به اسرار دیگری

تاج شرف نهاده خدا بر سر بشر

افتاده شور در ملك و حوری و پری

مسدود شد به شیاطین ره سپهر

از کاهنان گرفته شده علم ساحری

آتشکده خموش و بتان سرنگون به خاك

افتاده نطق پادشهان از سخنوری

مرد و زن و فقیر و غنی کوچك و بزرگ

خوانند عاشقانه سرود برابری

باید دهند یکسره قوم و قبیله ها

بر دست یکدگر همه دست برادری

محشر نگشته، واقعه ی محشر آمده

ملک وجود پر شده ز آیات محشری

رازی است بس شگفت ز آیات سرمدی

سرّی است بس عجیب ز گفتار داوری

باور کنید نور عدالت دمیده است

باور کنید طی شده دور ستمگری

باور کنید مژده ی میلاد احمد است

باور کنید عید بزرگ محمد است

*****

اعیادِ خلق دیگر و این عید، دیگر است

باور کنید عید خداوند اکبر است

آئینه ی جمال نبی را نگه کنید

آئینه ی جمال خداوند منظر است

بی جبرئیل بانگ خداوند بشنوید

زیرا خدا به وصف نبی مدح گستر است

زیباترین کلام الهی درود اوست

کز هر چه بگذری سخن دوست خوشتر است

از کاخ های سرخ یمن تا قصور شام

با نور آن جمال منوّر منوّر است

ای آمنه، عزیز تو نامش محمد است

نامش محمد است و محمد پیمبر است

ای آمنه محمد تو فخر انبیاست

دستش ببوس کز همه پیغمبران سر است

از خالق و ملائکه و کلّ کائنات

بر ماه عارضش صلوات مکرر است

این آفتاب کشور دل نور او علی است

این جانِ جان و جانِ گرامیش حیدر است

این بحر رحمتی است ز عالم وسیع تر

درّ گرانبهای چنین بحر، کوثر است

این است آنکه یک نفس روحبخش او

با طاعت تمام خلایق برابر است

پای غلام درگه او بر فراز عرش

دست وصی او به سر اهل محشر است

این اولین تجلی حق ختم الانبیاست

هر چند در مقام نبوت مؤخّر است

از صبح دهر، جلوه ی او جلوه ی نخست

تا روز حشر گفته ی او حرف آخر است

باور کنید در شب میلاد مصطفی

بت ها شعارشان همه ا... اکبر است

باور کنید چون نفس حضرت مسیح

امشب نسیم مکه همه روح پرور است

پیشانی ملائکه بر خاک آمده

باور کنید خواجه ی افلاک آمده

*****

آئینه ی جمال الهی جمال اوست

بام سپهر پله ی تخت جلال اوست

ماه جمال سرو قدان خاک آستان

همچون هلال، قامت گردون هلال اوست

مهر سپهر در گل لبخند گشته گم

زیبائی بهشت ز عکس بلال اوست

دست پیمبران به سوی خانه اش دراز

لب های خضر تشنه ی جام وصال اوست

چون حُسن بی مثال خداوند، بی مثال

برهانم آفتاب رخ بی مثال اوست

خون جاری از دهان، گل لبخند بر دو لب

خُلق عظیم تا به ابدیّت مدال اوست

گفتار صاحبان خرد دونِ شأن وی

اوهام انبیا همه محو کمال اوست

دست خدا نموده لوای ورا بلند

مُلک وجود، مملکت بی زوال اوست

لبخند دوستی به روی دشمنان زدن

حرف نخست سوره ی حُسن خصال اوست

اهل بهشت تشنه لب جام کوثرند

کوثر ببین که تشنه ی جام وصال اوست

ایمان لطیفه ای است ز گفت و شنود وی

قرآن صحیفه ای که پر از خط و خال اوست

هر شمع را شراره ای از شعله ی فراق

هر جمع را قیامتی از شور و حال اوست

ذکر ملک همیشه درود و سلام وی

چشم خدا هماره به ماه جمال اوست

باور کنید این همه زیبائی وجود

تصویری از تصوّر نقش خیال اوست

باور کنید عزت دنیا و آخرت

در سایه ی محمد و قرآن و آل اوست

باور کنید روز و شب و ماه و سال ما

مشمول فیض روز و شب و ماه و سال اوست

تا عبد ذات پاک خداوند سرمدیم

در سایه ی محمد و آل محمدیم

*****

ملک وجود تحت لوای محمد است

بحر بقا نمی ز عطای محمد است

توحید زنده از نفس روح بخش او

قرآن کتاب مدح و ثنای محمد است

عیسی که بر سپهر چهارم عروج کرد

طول حیات او به دعای محمد است

هر آیه ای که وجه خدا را نشان دهد

آئینه ی تمام نمای محمد است

گوشی که بشنود سخن وحی را کجاست؟

عالم پر از صدای رسای محمد است

قرب خدا، دعای ملائک، صفای دل

در خواندن حدیث کسای محمد است

جان لاله بر کف آید و دل با چراغ نور

در محفلی که حال و هوای محمد است

مفتاح رمز وحدت اسلام و مسلمین

در دست های عقده گشای محمد است

« اِنَّ الرَّجُل لَیَهجُر»، جز کفر محض نیست

این جنگ با کلام خدای محمد است

شاگرد ابتدائی او کیست؟، جبرئیل

مرهون درس روح فزای محمد است

نور ولایتش همه جا موج می زند

ظرف وجود، جام بلای محمد است

عالم اگر که حاتم طائی شوند باز

بر هر که بنگرند گدای محمد است

تنها مزار و تربت پاکش مدینه نیست

ملک وجود صحن و سرای محمد است

حِصن خدا، بهشت خدا، رحمت خداست

هر جا که سایه ای ز لوای محمد است

عالم بود به ظلّ لوای علی ولی

حتی علی به ظلّ لوای محمد است

باور کنید جز مدد جبرئیل نیست

«میثم» اگر مدیحه سرای محمد است

گر دست دل به دامن احمد نمی زدم

اینگونه دم ز مدح محمد نمی زدم

*****

مبعث

۱- تو بزرگ انبیایی یا محمد

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

تو بزرگ انبیایی یا محمد

تو بشـر را رهنمـایی یا محمّد

از چه در غار حرایی یا محمّد

تو سراجی تو مُنیری تو بشیری تو نظیری

یا محمّد یا محمّد

*****

یا محمّد بر خلایق رهبری کن

از حرا بیرون بیا پیغمبری کن

آفتابـا تـا ابـد روشنگری کن

تیرگی آمد به پایان نور قرآن شد نمایان

یا محمّد یا محمّد

*****

ای تمام انبیا چشم انتظارت

قلب مظلومان عالم بی‌قرارت

این بـود فرمـوده ی پروردگارت

یا محمّد «قم فأنذِر» ذات یکتا را «فَکَبِر»

یا محمّد یا محمّد

*****

مـکتبت در پرتـو انوار داور

پرورد مقداد و سلمان و ابوذر

تربیت کن حیدر و زهرا بپرور

تو به جان و دل حیاتی تا ابد فُلک نجاتی

یا محمّد یا محمّد

*****

مکّـه از تـو پرتـو ایمـان گرفته

دست حق روی سرت قرآن گرفته

دوره ی ظلـم و ستـم پایان گرفته

ای دمت روح عدالت بر تو زیبد این رسالت

یا محمّد یا محمّد

*****

تو بـه کل آفرینش رهبر استی

اولین نور، آخرین پیغمبر استی

از تمـام انبیـا بالاتـر استی

درد جان‌ها را دوایی ختم کلِّ انبیایی

یا محمّد یا محمّد

*****

آفتابا جلوه کن بر کلّ هستی

طی شده دور غرور و کبر و مستی

تا به کی انسان اسیر بت‌پرستی؟

ای جهان زیر لوایت پاسخ نفرین، دعایت

یا محمّد یا محمّد

*****

۲- بنام خدای جهان یا محمد

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک مرثیه

قالب ترکیب بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بنام خدای جهان یا محمد

بخوان یا محمّد! بخوان یا محمّد

بخوان تا بخوانند پیوسته با تو

خدا را زمین و زمان یا محمّد

بخوان تا بدانند کون و مکان را

خدایی بوَد لامکان یا محمّد

بخوان تا که برِگرد شمع وجودت

بگردند هفت‌آسمان یا محمّد

تو بگشای لب تا بروید مسیحا

چو گل از کویر جهان یا محمّد

برافروز تا مردگان را ببخشی

به هر دم دوصد بار جان یا محمّد

سحاب کرامت بپوش آسمان را

که عالم شود بوستان یا محمّد

تو نوحـی خلیلـی کلیمی مسیحی

تویی منجی انس و جان یا محمّد

تو برگـو، تو برگـو، هو الحق هو الهو

تو بگشا تو بگشا زبان یا محمّد

تو بخشـی بـه مظلـوم روح رهایی

تو گیری ز ظالم امان یا محمّد

تو بـا نـور دانش دهـی برخلایق

جمال خـدا را نشان یا محمّد

تو بـا دادِ خـود دادِ مستضعفان را

بگیری ز مستکبران یا محمّد

تـو در شـدّت دشمنـی دوستانه

دل از دست دشمن ستان یا محمّد

تـو چوپـان ایـن گلّه‌ای تا قیامت

تویی میر این کاروان یا محمّد

تو بـا ذوالفقـار علـی سرکشان را

به خاک مذلّت نشان یا محمّد

فنا مـی‌شود هـر چـه باشد به عالم

به جز تو، تویی جاودان یا محمّد

تبسّـم بـه سنـگ عدو زن اگر چند

شود از لبت خون روان یا محمّد

اگر ساحرت خوانـد دشمن، نرنجی

تو او را سوی ما بخوان یا محمّد

بخـوان تـا بخواننـد با تو خدا را

زن و مرد و پیر و جوان یا محمّد

تـو اعجـاز کـن بـا بیان فصیحت

تو پیغام ما را رسان یـا محمّد

ز ما داوری، رهبری از تو زیبد

همانـا پیـام‌آوری از تو زیبد

*****

برافـروز بـا چهـره ی عـالم‌آرا

ببین و بخوان و بگو حکم ما را

تمام جهان است کوه حـرایت

بگو ترک این تخته سنگ حرا را

بخـوان تا بخواننـد با تو خلایق

خدا را خدا را خـدا را خـدا را

تـو را برگزیدیـم ما، تا بکـوبی

سـر بولهب‌هـا و بوجـهل‌ها را

تو فرمان بده تا که بر فتح خیبر

گشاید علی دست خیبرگشا را

بتان را به دست علی سرنگون کن

سـوا کـن ز غیر خدا، ماسوا را

شود تـا درون همـه از خدا پر

برون از درون بشر کـن هوا را

به امّت بگو دل سرای الهی است

بگیرید از دیو نفْس ایـن سرا را

به شمشیر توحید از تن جدا کن

سر ظلم و بیداد و شرك و ریا را

به عزم تو بستیم جنّ و ملك را

مطیع تو کردیم ارض و سما را

زمین را ز فیض رسـالت صفـا ده

زمـان را بـه نـور نبـوّت بیارا

اگر خواهی آری به کف یا محمّد

دل خصـم و بیگانـه و آشنـا را

به مسکین تواضع، به سرکش تکبّر

به یـاران مروّت، به دشمن مـدارا

پیام رسـای خـدا بـر لب توست

به عالم رسان ایـن پیـام رسا را

هم اکنون که حکم رسالت گرفتی

بـرای امامـت بخـوان مرتضا را

تو موسا و هارون، علی یا محمّد

پس از خود به هارون سپار این عصا را

اگـر فتنـه چون اژدها سر برآرد

علـی مـی‌درد از هـم این اژدها را

علی، شهریاری که در عین قدرت

کشـد از ره مهـر، نـاز گـدا را

علـی روزه‌داری که با بذل نانش

مزیّــن کند سوره ی «هل اتی» را

علی رادمردی که با فرق خونین

به قاتــل کند بذل، سهم غذا را

علی قهـرمانی کـه با بذل تیغش

به دشمن دهد درس مهر و وفا را

علی آن امامی که داده خدایش

مقــام و جــلال همــه انبیا را

علی از ازل دست «میثم» گرفته

به او داده فرمــان مدح و ثنا را

که را زهره تا مدح مولا بگوید

مگـر ذات بـاری تعالی بگوید

*****

۳- ای آفتاب دو سرا یا رسول ا...

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای آفتاب دو سرا یا رسول ا...

بیرون شو از غار حرا یا رسول ا...

از ابر تیـرگی در آ یـا رسول‌ا...

تنهـای تنهایی چرا یا رسول‌ا...

اقرأ یا رسول ا... اقرأ یا رسول ا...

*****

تـو شهریــار عالمـی یـا رسول‌ا...

بر زخم جان‌ها مرهمی یا رسول‌ا...

هم اوّلی هم خاتمـی یـا رسول‌ا...

پیغمبر مکرَّمی یا رسولا...
اقرأ یا رسول ا... اقرأ یا رسول ا...

*****

تو جان جان عالمی جانفزایی کن
تو رهبر ملک دلی دلربایی کن
گم گشتگان را تا ابد رهنمایی کن
روشنگری با جلوه ی کبریایی کن
اقرأ یا رسول ا... اقرأ یا رسول ا...

*****

تو ماهی و جا در دل انجمن داری
تو شرح صدر از خالق ذوالمنن داری
هر لحظه اعجاز مسیح در سخن داری
مثل امیرالمؤمنین بت‌شکن داری
اقرأ یا رسول ا... اقرأ یا رسول ا...

*****

تو تا قیامت رهبری یا اباالزهرا
تو آخرین پیغمبری یا اباالزهرا
از انبیا بالاتری یا اباالزهرا
جسم نبوّت را سری یا رسولا...
اقرأ یا رسول ا... اقرأ یا رسول ا...

*****

خلق خوشت مروّج مکتب دین است
تلخی برای حفظ دین بر تو شیرین است
در مکتب عدلت یکی شاه و مسکین است
سنگ و گلِ لبخند تو حکم ما این است
اقرأ یا رسول ا... اقرأ یا رسول ا...

*****

۴– پیمبران همه از جای خود قیام کنید

مشخصات

مناسبت مبعث
سبک مرثیه

قالب ترکیب بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

پیمبران همه از جای خود قیام کنید

نماز رو بـه سوی مسجدالحـرام کنید

ز نـام نامــیِ پیغمبــر احتـرام کنید

می طهور به دست خدا به جام کنید

سپس به غار حرا رفته، ازدحام کنید

ز جان و دل به رسول خدا سلام کنید

شب امید شمـا و شب نویـد شماست

ادب کنید که عید خدا و عید شماست

*****

پیـام فتـح و نویــد ظفـر مبارک باد

دعـای عمــر شمــا را اثـر مبارک باد

خجسته عیـد بشـر بــر بشـر مبارک باد

تمام شـد شـب هجـران سحر مبارک باد

خجستـه بـعثت پیغامبــر مبــارک باد

به جن و انس و ملک، این خبر مبارک باد

خبر دهید که عید اخوّت آمده است

خزان گذشت، بهار نبوّت آمده است

*****

خبر دهید امم را که فتح باب شماست

خبر دهید که پایان اضطـراب شماست

خبر دهید که آغــاز انقـلاب شماست

خبر دهید که توفیق بی‌حساب شماست

خبر دهید که اسلام دین ناب شماست

خبر دهید کتـاب خـدا کتاب شماست

خبر دهید که ختم رسل بشیر شماست

خبر دهید که مـولا علی امیر شماست

*****

خبر دهید که «اقرء» بـه مکه نازل شد

خبر دهید که «اضرب» شعارِ باطل شد

خبر دهید که قانـون عدل، کامل شد

خبر دهید که قرآن چراغ محفل شد

خبر دهید: مریدان! مراد حـاصل شد

نــزول ســوره ی «یـا ایّها المزمّل» شد

رسد زکوه و در و دشت و سنگ و نخل و گیاه

صــدای زمزمـه ی لا الــه الا ا...

*****

بخــوان محمّـد! آوای تــو صــدای خداست

بخوان کــه هـر چـه بخوانی، پیام آخرِ ماست

بخوان‌بخوان که هماهنگ با تو ارض و سماست

بخوان بخوان که از اوّل بشر تو را می‌خواست

قیـام کـن کـه قیــامت قیــامتِ کبــراست

قیام کــن کــه کنـد عدل با تو قامت راست

تو را دهند ندا راهیـان وادی نـور

تو را زنند صدا دختران زنده به گور

*****

تو منجی همـه بـا انقراض دنیایی

تو بـا فـروغ خداییـت عالـم‌آرایـی

تو تا قیــام قیـامت، پیمبـرِ مایی

تو یار خلق به دنیایی و بـه عقبایی

تو رهبر همگانـی، اگر چـه تنهایی

تو در تمـام ملل، مـاه انجمن‌هایی

بخوان که قدر و مقام و جلالتت دادیم

رُسـل نیامده، حکم رسـالتت دادیم

*****

محمّد ای به تو از ذات پـاک حیِّ ودود

همـاره بــاد سـلام و همـاره بـاد درود

خدای بود و تو بودی، جهان نبـود نبود

عدم به میمنت خلقت تـو یـافت وجود

خدا به نور تو از روی خویش پرده گشود

بشر به یمن تو بر خاک، روی طاعت سود

جزیره العرب از نظم تو گرفت نظام

جمال تـوست چراغ تجلّیِ اسلام

*****

پیمبـران عظمـت یافتنـد بـا نامت

دمیده در همه عـالم فروغ اسـلامت

رسید سنگ ملامت ز هر در و بامت

زدند طعنه و دادند سخت دشنامت

زهی مکارم اخلاق و لطف و اکرامت

نگشت تلخ ز بیداد دشمنان کامت

اگر چه سنگ عدو گشت پاسخ سختت

زدی تبسم و خون بود جاری از دهنت

*****

چهارده صده روشن چراغ حکمت توست

چهارده صده قـرآن پیـام وحـدت توست

چهارده صده جاری بحـار رحـمت توست

چهارده صده پاینـده نـام امّـت تـوست

چهارده صده بر کف لوای عتـرت توست

چهارده صده بر امّت ایـن وصیّت توست

که ای تمامی امـت منـم پیمبرتان

منم پیمبر و مولا علی است رهبرتان

*****

علی وصی مـن است و علـی ولـی خداست

علی سـراج منیـر و علـی چراغ هداست

علی رکوع و سجود و علی سـلام و دعاست

علی است با حق و حق در پی علی پویاست

علی حقیقت حق، حـق بـدون او تنهاست

علی، علی، علـی آری علـی امـام شماست

بنای دین بقایش که هست عالمگیر

یکـی ز غار حرا دیگری بود ز غدیر

*****

یقین کنید که مشکل گشا علی است علی

یقین کنید که دست خدا علی است علی

یقین کنید فقـط مقتـدا علی است علی

یقین کنید که شمس‌الضحا علی است علی

یقین کنید که صاحب لوا علی است علی

یقین کنید امـام شمـا علـی اسـت علی

قسم به ذات خدایی کز اوست هرچه که هست

یقین کنید کـه اسـلام بـی‌علی کفـر است

*****

حقیقتی است که کتمان آن بـوَد تـکفیر

قسم بـه آل محمّـد، بـه آیـه ی تطـهیر

قسم بـه آنچـه قلـم کـرده از ازل تحـریر

کـه دسـت قـدرت پـروردگار حـیِّ قدیر

شناسنامـه ی مـا را زده اسـت مهـر غدیر

علی همان شب بعثت به خلق گشت امیر

قسم بـه ذات خـداوندگار لم یزلـی

تمام دین محمّد علی، علی‌ست، علی

*****

۵- دوان دوان ز فرا سوی نور می آید

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک ولادتی

قالب قصیده

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دوان دوان ز فرا سوی نور می آید

امین ترین کلیمان ز طور می آید

ردای سبز رسالت به دوش خود دارد

از آسمان نگاهش ستاره می بارد

شتاب پای محمد،خلیل آسا بود

شب هلاکت بت های لات وعزا بود

نسیم خنده ی او مژده ی سحر دارد

به دست همت خود پرچم ظفر دارد

شعاع نور جبینش به کهکشان رفته

به مرزهای سماوات بیکران رفته

سپیده طبل افق را مدام می کوبد

مسیر آمدنش را فرشته می روبد

ترانه ی لب او «اقرا بسم ربک» بود

تبسمش، می عرفانی ملائک بود

دریده پرده ی شب را به نور سیمایش

حریم خلوت خورشید،چشم گیرایش

طنین هر قدمش شادباش می گوید

به زیر هر قدمش سبزه زار می روید

زمین مرید طریق مسیح نعلینش

هزار بوسه زند بر ضریح نعلینش

کران رحمت او وسعت هزاران نیل

به ارتفاع مقامش نمی رسد جبریل

خدا دوباره به عشق نبی تبسم کرد

بهشت قرب خودش را،به نام مردم کرد

به گوش می رسد از سمت سرزمین خُلود

صدای خواندن چاووش حضرت داوود

بزرگ زاده ی ایل مبشران بهشت

امیر و قافله سالار کاروان بهشت

مسیح مکه شد و روح مرده را جان داد

به مرگ دخترکان عشیره پایان داد

به قوم حق طلبان اذن میگساری داد

سپاه و لشگر ابلیس را فراری داد

مدبرانه به قتل خرافه فتوا داد

به دست غنچه ی لب،حُکم جلب غم را داد

خدا کند به نگاهی شویم مقدادش

شویم ساکن خوشبخت شیعه آبادش

خدا کند که بخواهد ابوذرش باشیم

کنار گنبد خضراء،کبوترش باشیم

بخند حضرت آقا که یاسرت باشم

بهشت هم بتوانم مجاورت باشم

من از تبار ارادت، ز کوی سلمانم

هزار مرتبه شکر خدا مسلمانم

به خال حضرت معشوق خود گرفتارم

من از قبیله ی مجنون،ز ایل عمارم

من از پیاله ی دستت شراب می خواهم

برای دار جنونم طناب می خواهم

اگر چه غرق گناهم،بیا حلالم کن

سیاه دل نشدم،لطف کن بلالم کن

۶- یا حضرت طاها، آقام رسول ا...

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

یا حضرت طاها، آقام رسول ا...

غار حرائه یا که بهشته، که میاد از آسمون فرشته

از روز اول ولایتش رو، خدا به ملک دلها نوشته

موسم رحمته، عید نبوته

إقرأ باسم ربک محمد ذکر لبای جبرئیله

حالا شده خورشید دوعالم ماه دلارای قبیله

*****

تنها دلیل خلقت عالم، جلوه ی نور خدای اعظم

شده امین قافله ی نور، خورشید مکه حضرت خاتم

دلبر و دلرباست، حضرت مصطفاست

کسی که دیگه خود خدا هم نیافریده مثالشو

همه با هم جشن می گیریم امشب رسالت بی زوالشو

*****

یوسفه مبهوت مهربونیش، داووده گرم مدیحه خونیش

از راه دور می بره دلا رو، گنبد خضراء و آسمونیش

عشقمه یک نگاش، مرقد با صفاش

دل من امشب مثل کبوتر پر می گیره در هوای تو

جبرئیل از آسمون میاره هزار سبد گل برای تو

*****

۷- غار حرا بزم جنونه، آیینه دار آسمونه

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

غار حرا بزم جنونه، آیینه دار آسمونه

رسول آخر داره امشب، غزل رسالت می خونه

قدم میزنه دل تو کوچه های نور مکه

رسیده تا ابرا سر و صدای شور مکه

مولا رسول الله مدد

*****

پیمبرا ایمان میارن، سر رو پای آقا میذارن

مسیر رسول خدارو، تا بیت خدا گل میکارن

کدامین پیمبر مثه آقا وعده میاره

کی تو خانوادش آقایی مثه مهدی داره

مولا رسول الله مدد

*****

شب بارونه شب نزوله، شب رضای دل بتوله

دین رسول حق فقط با، ولایت حیدر قبوله

به روی لبای رسول خدا یا علیه

برادر به طاها قرینه ی زهرا علیه

مولا علی حیدر مدد

*****

علی امیر روزگاره، صاحب تیغ ذوالفقاره

امیریه که در یه قلعه، به جای سپر برمیداره

علی لحم و نفس و دم و تار و پود رسوله

ولایت مداریش تو دین ما جزء اصوله

مولا علی حیدر مدد

*****

۸- مژده مژده ای یاران موسم بهار آمد

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک ولادتی

قالب قصیده

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مژده مژده ای یاران موسم بهار آمد

روز عیش و شادی شد گل به شاخسار آمد

کعبه پرنیان بر تن یاس و لاله و سوسن

در چمن به عشق گل قمری و هزار آمد

پر شده چمن یکسر از شمیم نیلوفر

در کنار سوسن بر نرگس خمار آمد

تا بپرورد گل ها با طراوت و زیبا

آن مربی گل ها سوی لاله زار آمد

در دل شب تیره سر زد از افق خورشید

نور حق نمایان شد برطرف غبار آمد

مصطفی به صد عزت شد زسوی حق مبعوث

بروی امشب از رحمت پیک کردگار آمد

کای مهیمن والا « اقرباسم ربک » را

خوان زدفتری کاینک بر تو آشکار آمد

افسر رسالت را تا به سرنهاد احمد

مسند شریعت را یار و پاسدار آمد

هر که از کفش نوشید جامی از می توحید

بر سر از شراب عشق مستی و خمار آمد

آن مهی که از نورش شد جهان همه روشن

وان شهی که از ذاتش عالم استوار آمد

پرچم حقیقت را در همه جهان افراشت

از سبیل ابراهیم فخر و یادگار آمد

آن خجسته خورشیدی که از طلوع جاویدش

ماه و انجم و خورشید سخت شرمسار آمد

آن که سر به درگاهش سوده از ادب جبریل

وانکه تابع امرش خلق روزگار آمد

از پیام توحیدش و زقیام جانبخشش

شد جهان سعادتمند اهرمن نزار آمد

از وجود او بر باد رفته کاخ استبداد

توده ی ضعیفان را یار و غمگسار آمد

عرشیان به تحمیدش فرشیان به تمجیدش

ذات حق به تاییدش با همه وقار آمد

در جهان کند هرکس پیروی زآئینش

در جهان و در عقبی پاک و رستگار آمد

۹- داره بارون می باره شب دیدار یاره

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

داره بارون می باره شب دیدار یاره

بخون ای دل بخون ای دل خدا مهمونی داره

صدای لا اله الا الله میشه با قلب پیغمبر همراه

ملائک جشن رسالت دارن که شده محمد رسول الله

رسول الله چی میشد دلامون غار حرا میشد

رسول الله چی میشد لبمون پر از دعا میشد

رسول الله چی میشد عیدیمون کربلا میشد

آقاجان آقاجان آقام رسول الله (ص)

*****

تو آشوب سیاهی نمونده دیگه راهی

شب عشقه شب عشقه تو مستی خواه نخواهی

شب توحید و لطف یزدانه شب مستی و شکر ایمانه

تموم آسمونا گلبارون که جشن تولد قرآنه

بیا امشب بریم در بزنیم خونه مولارو

بیا امشب طوافی بکنیم گنبد خضرارو

بیا امشب یه تبریکی بگیم حضرت زهرارو

آقاجان آقاجان آقام رسول الله (ص)

*****

بخون شعر رسالت به عشق بی نهایت

شب بعثت شب رحمت نمیشه بی ولایت

به دستور خاتم المرسلین علی شده امیر المومنین

بیا و نگو دیگه تو آمین تو نمازت بعد والضالین

آهای مردم علی نائب برحق پیمبر بود

آهای مردم امیر المومنین زینت منبر بود

آهای مردم علی دلاور قلعه خیبر بود

آقاجان آقاجان آقام رسول الله (ص)

*****

۱۰- زمین محله ی اصحاب آسمان شده بود

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

زمین محله ی اصحاب آسمان شده بود

زمان مبشّر جشن فرشتگان شده بود

در آن دمی که تمام فضای غار حرا

پر از طنین صدای بخوان شده بود

مکان ز نقطه پایان راه غار حرا

مسیر سبز رسیدن به لامکان شده بود

دلش ز نعمت خواندن دلی وسیع و بزرگ

به طول عرش و به پهنای کهکشان شده بود

نزول آیهٔ اقرأ باسم ربّک نیز

به سوی دشت وسیع دلش روان شده بود

به آدم و به خلیل و حکیم حق و مسیح

هر آنچه را که خدا گفته بود، آن شده بود

برای دخترکی بی‌گناه و زنده به گور

مجیب و منجی و محبوب و مهربان شده بود

چهل بهار پیاپی برای او گل سرخ

عروس حجله مرغ ترانه‌خوان شده بود

بلال بود و صدا بود و دشت مأذنه‌ها

محل رویش صدها گل اذان شده بود

۱۱- امشب که شب بعثت احمد باشد

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب که شب بعثت احمد باشد

مشمول همه عطای سرمد باشد

یارب چه شود طلوع فجر فردا

صبح فرج آل محمد باشد

۱۲- گوئی که ز صخره ها صدا می آید

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

گوئی که ز صخره ها صدا می آید

آوای خوش خدا خدا می آید

ای خسته دلان منتظر گوش کنید

آوای محمد از حرا می آید

۱۳- از غار حرا رسول امجد آمد

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

از غار حرا رسول امجد آمد

بر عالمیان امیر سرمد آمد

مکه بشنو نغمه ی یا احمد را

تبریک که بعثت محمد آمد

۱۴- دل شده مست و هوایی

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک نوحه سنگین سنتی

قالب آهنگین

شاعر شاهنوری محمود

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دل شده مست و هوایی ، می زنه بر سیم آخر

آسمانها غرق نوره ، شب مبعث پیمبر

عاشقی دردیه درمون نداره

کسیکه مثل تو داره بیاره

می چینم از تو دلم گل شادی

بگیرم از تو برات آزادی

یا اب الزهرا یا رسول ا...

*****

نگاه سائل به سویت ، یا اب الزهرا نظر کن

مجلس از آن تو باشد ، سوی جشن خود گذر کن

پایه ی خلق زمان و زمینی

آخه تو رحمت للعالمینی

خدا فرموده که همتا نداری

بالای بالایی بالا نداری

یا اب الزهرا یا رسول ا...

*****

حتی یکبارم پریدن ، تا مدینه آرزومه

بهتر از صحن قشنگت ، توی این دنیا کدومه

کاش می شد خادم صحن تو باشم

برای کفترات دونه بپاشم

بخونم از می و باده پرستی

می دونم عاشق فاطمه هستی

یا اب الزهرا یا رسول ا...

*****

۱۵- یا محمد ای خرد پابست تو

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک مرثیه

قالب مثنوی

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

یا محمد ای خرد پابست تو

ای چراغ مهر و مه در دست تو

هر زمان گلواژه هایت تازه تر

بلکه از هستی بلند آوازه تر

ختم شد بر قامتت پیغمبری

این ترا باشد دلیل برتری

خط پایان را تو می پویی و بس

حرف آخر را تو می گویی و بس

غیرت و مردانگی آئین توست

عزت زن در حجاب دین توست

بر همه اعلام کن زن برده نیست

برده ی مردان تن پرورده نیست

دین اسلامت مسلمان پرورد

بوذر و مقداد و سلمان پرورد

مکتب تو مکتب عمارهاست

این کلاس میثم تمارهاست

ما ترا زهرای اطهر داده ایم

شیر مردی مثل حیدر داده ایم

ما ترا دادیم در بین همه

یک خدیجه یک علی یک فاطمه

ما کویر تشنه ، تو آب حیات

ما غریقیم و تو کشتی نجات

ما به قرآن دست بیعت داده ایم

از ازل با مهر عترت زاده ایم

عترت و قرآن نجات عالمند

چون دو انگشت محمد (ص) با همند

شیعه با قرآن و عترت داده دست

نیست در قاموس او حرف از شکست

شیعه قرآن از حسین آموخته

شیعه پای این چراغ افروخته

شیعه بحر موج خیز غیرت است

شیعه فریاد کتاب و عترت است

شیعه از آغاز ره آگاه بود

پیرو قرآن و آل ا... بود

شیعه را با خون برابر ساختند

شیعه را از مهر حیدر ساختند

ما امانت دار این پیغمبریم

هرگز از قرآن و عترت نگذریم

تا به عالم دودمان آدمند

شیعه و قرآن و عترت با همند

آنچه موسی در دل سینا ندید

چشم ما در چارده معصوم دید

آسمان وحی زیب دوش ماست

چارده خورشید در آغوش ماست

باغ رضوان تا ابد سرمست ماست

چارده معصوم گل در دست ماست

چارده قرآن و یک تفسیر شان

چارده آیینه یک تصویر شان

چارده پیکر ولی یک جانشان

هر چه جان دارد خدا قربانشان

۱۶- آئینه دار عالم هستی است هست ما

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

آئینه دار عالم هستی است هست ما

جام جهان نماست دل حق پرست ما

تا پیرو محمد و آل محمدیم

بالای دست هر دو جهان است دست ما

۱۷- صلواتٌ صلواتٌ صلواتٌ صلواتٌ

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک نوحه سنگین جدید

قالب آهنگین

شاعر عبدالکریمی مهدی

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

صلواتٌ صلواتٌ صلواتٌ صلواتٌ

صلوات صلوات علی محمد

و علی و علی آل محمد

*****

نبی ا... خاک پات شم ، الهی که رو نمات شم

چی می شه که بشه یه بار فدات شم

زائر اون حریم با صفات شم

*****

دل اسیر و بی اراده ، می گم امشب خیلی ساده

نوکرم نوکر این خونواده

*****

همه ی عالم بدونن ، شیعیان مرتضائیم

عاشق اهل بیت مصطفائیم

*****

هر چی عالِم توی دنیاست ، علمشونو که بیارند

شعرا اگه شعرا رو بیارند

بخدا واسه مدحت کم میارند

*****

۱۸- مستی به جهان ز چشم مستش دادند

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مستی به جهان ز چشم مستش دادند

آیینه ی وحی را به دستش دادند

در دشمنی محمّد و آئینش

هر کس که قد افراخت شکستش دادند

۱۹- بعثت که امید مردم آگاه است

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بعثت که امید مردم آگاه است

عیدی است که با پیامها همراه است

وه زین عظمت که نام ا... قرین

با نام محمد رسول ا... است

۲۰- خدای من چه شب است این که خوشتر از روزاست

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک واحد جدید

قالب ترکیب بند

شاعر مؤید سید رضا

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

خدای من چه شب است این که خوشتر از روز است

شب خجسته که عدل آفرین ستم سوز است

کمال بعثت پیغمبران پیروز است

شب طلوع کدامین مه شب افروز است

که نبض زندگی خلق روزگار است او

بزرگوارتر از هر بزرگوار است او

*****

اگر چه دیده هزاران پدیده بیت ا...

شبی به خوبی امشب ندیده بیت ا...

چه نغمه ای چه صدایی شنیده بیت ا...

که سوی حرا سر کشیده بیت ا...

که چون به شهر نهد روی تکسوار حرا

چه آورد خبر آن گوشه گیر غار حرا

*****

بزرگ مرد چهل ساله با رخی چون ماه

ز ره رسیده ز راز پیمبری آگاه

دهند تهنیتش ز آنچه بگذرد در راه

به این ندا که محمد تویی رسول ا...

بشارتی که عمو زاده ی خدیجه دهد

امید بر دل آزاده ی خدیجه دهد

*****

رسید چشمه ی آب حیات انسانها

اثر گذار صفاتش به ذات انسانها

کتاب اوست چراغ نجات انسانها

جوابگوی همه مشکلات انسانها

به دین او که سیاه و سفید یکسان است

ملاک فضل به تقوای هر مسلمان است

*****

نفس کشیدن او نکحت خدایی داشت

برای خسته دلان مژده ی رهایی داشت

به درد مردم محروم آشنایی داشت

که در جهان عرب آنهمه فدایی داشت

خلوص و صبر و رضا را ز بس بکار گرفت

به نیم قرن جهان را در اختیار گرفت

*****

خلیل نیست ولی بر خلیل ناز کند

به روی عالم، درهای علم باز کند

کلیم پیش رخش سجده ی نیاز کند

مسیح پشت سر مهدیش نماز کند

نظر ز آمدن انبیاء والا اوست

بزرگ معجزه ی نون والقلم با اوست

*****

ز هر چه را که خداوند اکبر آورده

تو را ز مرتبه صد بار بهتر آورده

فروغ نور تو از نور خود بر آورده

خلاصه ای ز وجود تو کوثر آورده

چه کوثری که بود چشمه سار خوبیها

بقای نسل تو باشد ز دخترت زهرا

*****

دلم شکست و شد اشکم ستاره ی شب من

چو نام اطهر زهرا شکفت بر لب من

به نام او که بود افتخار مکتب من

به مهر او که بود روح دین و مذهب من

من از تو نور دل و سوز سینه می خواهم

برات(دوباره) کرببلا و مدینه می خواهم

*****

۲۱- دل خرابم عاشقه و سرگردونه

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دل خرابم عاشقه و سرگردونه

به حال مستی نماز حاجت می خونه

به عشق احمد ، حبیب سرمد خونه ی دل گلبارونه

می روم امشب سوی بالا

میون قلب عرش اعلی

تا ببوسم خاک پای مصطفی

یا رسول ا.. مولا مولا (۳) مولا

*****

سر بر روی قدومش دارم امشب

مست خال جمال یارم امشب

با یاد رخ او تب دارم امشب – یا اب الزهرا

می روم امشب سوی بالا

میون قلب عرش اعلی

تا ببوسم خاک پای مصطفی

یا رسول ا.. مولا مولا (۳) مولا

*****

به یمن امشب ستاره بارون عالم شد

جهان منور ز رخ ماه خاتم شد

به شور و حالم ، که نام سالم سال پیمبر اعظم شد

مهار دل در دستان او

لب ملک مدحت خوان او

دیده ی مادر گشته حیران او

یا رسول ا...مولا مولا(۳) مولا

*****

امشب هوای مستی در سر دارم

بر لب نوای نام دلبر دارم

چشمی سوی دو دست حیدر دارم– یا اب الزهرا

می روم امشب سوی بالا

میون قلب عرش اعلی

تا ببوسم خاک پای مصطفی

یا رسول ا.. مولا مولا (۳) مولا

*****

۲۲– جاشه عیسی قربونت بشه موسی بلا گردونت بشه

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک نوحه سنگین جدید

قالب آهنگین

شاعر عبدالکریمی مهدی

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

یا اب الزهرا رسول ا... (۴)

*****

جاشه عیسی قربونت بشه موسی بلا گردونت بشه

هر چی لیلا تو قصه هاست مث مجنون مجنونت بشه

صد هزار تا ختم صلوات یا رسول ا... نذر نیگات

عبای شاهی مبارکت آقاجون چشمام به زیر پات

همه این دستا بالا بیاد شبای مستی و ساغره

آخه فرموده رهبر ما سال سال پیمبره

شب نوروز گفتیم یا حسین تا روزای هم عهدی بیاد

یا رسول ا... دعا نما تا همین امسال مهدی بیاد

۲۳– بر چهره ی زیبای محمد صلوات

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بر چهره ی زیبای محمد صلوات

بر گنبد خضرای محمد صلوات

سر تا به قدم آینه ی او زهراست

تقدیم به زهرای محمد صلوات

۲۴- ای پادشاه عالم عشقت به سینه دارم

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای پادشاه عالم عشقت به سینه دارم

در قاب سینه ی خود عکس مدینه دارم

دارم ولایت تو ، در دل محبت تو

سر مست جام عشقم ، در شام بعثت تو

مولا (۲) یا أب الزهرا

*****

غار حرا سراسر لبریز نور سرمد

جبریل آمد و گفت قم فانذر محمد

برخیز و رهبری کن ، بر یار یاوری کن

بر خلق هر دو عالم ، از حق پیمبری کن

مولا (۲) یا أب الزهرا

*****

ای چلچراغ توحید بشکن ز ریشه یکسر

بت را وَ بتگران را با ذوالفقار حیدر

سالار عالمینی ، بر خلق نور عینی

حیدر همیشه با توست ، جدّ حسن و حسینی

مولا (۲) یا أب الزهرا

*****

عشق تو تا همیشه در آب و در گل من

قرآن و عترت تو سرمایه ی دل من

ا... یاور تو ، حیدر برادر تو

محبوبه ی خداوند ، زهراست دختر تو

مولا (۲) یا أب الزهرا

*****

۲۵- مبعث حضرت خاتم آقایی که دلنشینه

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مبعث حضرت خاتم آقایی که دلنشینه

شیعه ها بهش می نازند اون محمد امینه

آقامون بالا نشینه مایه ی فخر زمینه

لقب قشنگ و زیباش رحمتٌ للعالمینه

آقامون دلبر دلهاست صورتش قشنگ و زیباست

جبرئیل خادم خونش بابای حضرت زهراست

برا ما نور دو عینه افتخار عالمینه

همه ی عالم بدونن جدّ اربابم حسینه

۲۶- امشب که شب بعثت احمد باشد

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب که شب بعثت احمد باشد

مشمول همه عطای سرمد باشد

یارب چه شود طلوع فجر فردا

صبح فرج آل محمد باشد

۲۷- بعثت احمد آمد ، عید محمد آمد

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بعثت احمد آمد ، عید محمد آمد

آمد ندا از طرف ذات حق

اقرأ باسم ربک الذی خلق

أقرأ یا احمد، قم یا محمد

*****

یا ایها المدثر، یا احمد قم فانذر

برخیز و با مردم عالم بگو

قولو لا اله الا ا... تفلحوا

أقرأ یا احمد، قم یا محمد

*****

عید مستضعفین است، مرگ مستکبرین است

بتکده ویران و بتها سرنگون

ان حزب ا... هم الغالبون

أقرأ یا احمد، قم یا محمد

*****

سر زده نور اسلام، از سوی حق شد اعلام

روز ستم بیشه گان گشته چون شب

تبت یدا ابی لهب و تب

أقرأ یا احمد، قم یا محمد

*****

سر زد نور نبوت، شد اعلان اخوت

ای وحدتت مشعل خلق جهان

«انما المؤمنون أخوه» بخوان

أقرأ یا احمد، قم یا محمد

*****

در مکتبش شد اعلام، مجد سپاه اسلام

آورده در «اِتَّحِدوا اُخُوَّه»

وَ اَعِدّو ما استَطَعتُم مِن قُوَّه

أقرأ یا احمد، قم یا محمد

*****

ای مسلمین برخیزید، با کافران بستیزید

فرمانتان از قرآن محمد

«وَ قاتِلوا اَئِمَّه الکُفر» آمد

أقرأ یا احمد، قم یا محمد

*****

۲۸- لحظه ی بعثت نورانی احمد

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

لحظه‌ی بعثت نورانی احمد

آمد از غارِ حرا ندای سرمد

سوره‌ی علق بخوان تو یا محمّد

ذکری که رمزِ حیاته

شبِ عید نقل و نباته

ذکرِ پاکِ صلواته

ای که معنی همان عهد الستی

از همون روز ازل به دل نشستی

طپش قلب مسلمونا تو هستی (۲)

یا محمد یا محمد رسول الله (۳)

*****

عرشیان در آسمان نغمه سرایند

همه‌ی ستارگان گرم نوایند

پایه‌های کعبه در مدح و ثنایند

موسم بهار رسیده

واسه دل قرار رسیده

بعثتِ نگار رسیده

کار قلبِ عاشقا شوق و سروره

عید مبعث واسه مسلمین غروره

دشمنا بدونند اسلام دینِ نوره

یا محمد یا محمد رسول الله (۳)

*****

نه فلک، ماه و ستاره، عرش اعظم

کهکشان و آسمان و هر دو عالم

شده تسخیرِ نبوت تو خاتم

کسی که برات هلاکه

روز محشرش چه باکه؟

اونجا عشقِ تو ملاکه

ما که جز خدا و تو یاری نداریم

واسه وقتِ دیدنت ببین خماریم

قلبمون رو برا تو هدیه می‌آریم

یا محمد یا محمد رسول الله (۳)

*****

۲۹- پیک خدا رسید از سوی خدا محمد

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

پیک خدا رسید از سوی خدا محمد

خیز و به خلق عالم بزن صلا محمد

تویی تویی پیمبر، ز سوی ما محمد

اقرأ یا محمد، اقرأ یا محمد

*****

تو آفتاب جانی تو منجی جهانی

تو ختم انبیایی تو نور جاودانی

تو می دهی به هستی، نور و ضیاء محمد

اقرأ یا محمد، اقرأ یا محمد

*****

بشیری و نذیری، سراجی و منیری

حبیبی و طبیبی، رسولی و سفیری

تو خلعت نبوت، به بر نما محمد

اقرأ یا محمد، اقرأ یا محمد

*****

تو آسمان دینی، اگر چه در زمینی

عطوفی و رئوفی، بزرگی و امینی

تو را تمام هستی، زند صدا محمد

اقرأ یا محمد، اقرأ یا محمد

*****

فراق نور تا کی؟ ظلمت و زور تا کی؟

دخترکان معصوم، زنده به گور تا کی؟

زنان اسیر و مردان، برده چرا محمد؟

اقرأ یا محمد، اقرأ یا محمد

*****

تو فاتح الفتوحی، تو کشتی ای تو نوحی

تو جان جان جانی، تو روح روح روحی

رسالتت مبارک، به نسلها محمد

اقرأ یا محمد، اقرأ یا محمد

*****

خدا بود معینت علی است جانشینت

به عزم آهنینت به جاودانه دینت

بزن علیه بت ها، دم از خدا محمد

اقرأ یا محمد، اقرأ یا محمد

*****

۳۰– به نام خداوند سبحان، محمد

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک مرثیه

قالب ترجیع بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

به نام خداوند سبحان، محمد

بخوان کآفریده است انسان، محمد

بخوان تا خلایق بخوانند با تو

به نام خداوند سبحان، محمد

بخوان تا که ویران سرای جهان را

کنی سر به سر رشک رضوان، محمد

بخوان کز دمی بر همه آفرینش

دهی تا ابد روح و ریحان، محمد

بخوان تا که از کفر بخشی رهایی

بشر را به نیروی ایمان، محمد

بخوان تا قبایل بدانند زین پس

سیاه و سفیدند، یکسان محمد

بخوان تا خلایق به یکتاپرستی

ببندند تا حشر پیمان، محمد

بخوان تا کنی درد جهل بشر را

به داروی تعلیم درمان، محمد

بر افروز و بر خلق عالم نشان ده

که ظلمت رسیده به پایان، محمد

چه باکی ز تحریف تورات و انجیل

که دادیم ما بر تو قرآن، محمد

تو باید به توفیق دین مبینت

کنی عالمی را مسلمان، محمد

تو باید مسلمان بیاری به عالم

همانند مقداد و سلمان، محمد

تو باید هماره ز فیض کلامت

ببخشی بشر را ز نو جان، محمد

تو باید که فرمان دهی بر خلایق

خدا این چنین داده فرمان، محمد

تو باید به قلب همه تا قیامت

بتابی چو خورشید تابان، محمد

تو آغازی و آخری یا محمد

تو تا حشر، پیغمبری یا محمد

*****

بخوان ای ز آغاز خلقت پیمبر

بخوان ای سلامت ز خلاق داور

بخوان تا بخوانند با تو خدا را

بگو تا بگویند «ا... اکبر»

بگو نیست کس جز به تقوی گرامی

سیاه و سفیدند با هم برادر

تو در غار و خلقند چشم انتظارت

برآ عالم افروز تا صبح محشر

به پا خیز، ای منجی آفرینش

به پا خیز، ای مصلح خلق، یکسر

به پا خیز و تا حشر ، پیغمبری کن

ز جا خیز بر خلق، قرآن بیاور

به پا خیز ما بر تو دادیم قرآن

به پا خیز، ما بر تو دادیم حیدر

به پا خیز تا بر تو آریم فرقان

به پا خیز، تا بر تو بخشیم کوثر

به پا خیز، تا کی به دست پدرها

رود بی گنه زنده در گور، دختر

به پا خیز، و اعلام کن یا محمد

نه زن برده باشد، نه مرد است برتر

همه انبیا جان و تو جان جانی

همه اولیا جسم پاکند و تو، سر

به پا خیز و بشکن بتان حرم را

به دست علی ای علی را پیمبر

خدا را به اهل زر و زور برگو

که دیگر نه دوران زور است و نه زر

تویی گمرهان را به هر عصر، هادی

تویی رهروان را به هر گام، رهبر

مسلمان بود آنکه در مکتب تو

بود یار مظلوم و خصم ستمگر

تو، آری، تو باید ابوذر بسازی

تو مقداد و عمار و سلمان بپرور

تو آغازی و آخری یا محمد

تو تا حشر، پیغمبری یا محمد

*****

رسولی چو تو نور و فرقان ندارد

کتابی همانند قرآن ندارد

کلیم آنچه گوید کلام تو گوید

مسیحا به غیر از دمت جان ندارد

پیام آوران هر چه دارند دارند

پیام آوری چون تو سلمان ندارد

طبیبان روحند، مشتاق دردی

که جز خاک کوی تو درمان ندارد

بدانند تا روز محشر، خلایق

که نور چراغ تو پایان ندارد

جهان چون تو هرگز پیمبر ندیده

خدا چون تو در ملک امکان ندارد

بگویید پیغمبران سلف را

کسی جز محمد مسلمان ندارد

بگوئید: پیغمبری جز محمد

چو مهدی چراغ فروزان ندارد

بگوئید: هر کس جدا شد ز مهدی

به اسلام سوگند، ایمان ندارد

بگوئید: جز دین ما آسمانی

به کف چارده مهر تابان ندارد

بگوئید: شیعه تن است و علی، جان

جدا از علی هر که شد، جان ندارد

بگوئید: شیعه است در خط حیدر

جز این با خدا عهد و پیمان ندارد

بگوئید: ماییم و قرآن و عترت

مسلمان به جز نور و برهان ندارد

بگوئید: هر کس جدا از علی شد

به محشر جدایی ز نیران ندارد

بخوان «میثم» آن بیت ترجیع خود را

که قدر ورا درّ غلطان ندارد

تو آغازی و آخری یا محمد

تو تا حشر، پیغمبری یا محمد

*****

۳۱- شب انبیاست شب اولیاست شب کبریاست

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک نوحه سنگین جدید

قالب آهنگین

شاعر عبدالکریمی مهدی

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

شب انبیاست شب اولیاست شب کبریاست

آسمون و کهکشونا پُرِ یاقوت و زبرجد

دل جبرئیل می لرزه شب أقرا یا محمد

چه محمدی چه جلالتی چه بزرگوار چه قیامتی

که شده معلم معرفت چه بشارتی چه سعادتی

أب الزهرا أب الزهرا محمد(۲)

*****

شب ساقی و شب کوثره شب میکده است شب تکبیر و اذونه جبرئیل ترانه خونه

شب لبخند نمازه شب پیغمبرمونه

شب هلهله تو فرشته هاست شب آرزوی بهشتیاست

شب اشرف همه کائنات چه قیامتی تو دل خداست

أب الزهرا أب الزهرا محمد(۲)

*****

بلغ العلی بکماله کشف الدجی بجماله

حسنت جمیع خصاله صلّوا علیه و آله

أب الزهرا أب الزهرا محمد(۲)

*****

آی مسلمونا آی مسلمونا به مبارکی

اومده حضرت آدم اومده عیسی بن مریم

اومدن تاج بذارند رو سر رسول اکرم

شب مبعث نبی خداست عسل لبم حدیث کساست

صلوات من ناد علی تپش دلم یا مرتضی است

أب الزهرا أب الزهرا محمد(۲)

*****

۳۲- الا محمد اقرأ و ربک الاکرم

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک مرثیه

قالب ترکیب بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

الا محمد اقرأ و ربک الاکرم

بخوان به نام خداوندگار لوح و قلم

بخوان بخوان که تویی منجی همه عالم

بخوان که پیشتر و برتری تو از آدم

بخوان که خوانده خدایت پیمبر اکرم

بخوان که هر سخن توست آیتی محکم

بخوان به نام خدایی که آفرید تو را

بخوان بنام کریمی که برگزید تو را

*****

الا که سیطره ی کفر از این خبر شکند

صف سپاه شب از نیزه ی سحر شکند

اگر چه کوه بود خصم را کمر شکند

به تیغ عدل تو بازوی زور و زر شکند

تبر به دست، بتان را به یکدگر شکند

کمان گرفته ز بوجهلِ فتنه سر شکند

خبر دهید که دیو غرور و مستی مُرد

رسید لشکر توحید و بت پرستی مُرد

*****

محمد ای دو جهان زیر بار منت تو

مبارک است به خلق و خدا نبوت تو

خجسته باد به عالم ظهور دولت تو

تمام نور بود از چراغ حکمت تو

بود حقیقت توحید درس وحدت تو

درود بر تو و دین و کتاب و عترت تو

چراغ عترت و قرآن یکی است یا احمد

به این دو عترت ما متکی است یا احمد

*****

دو ثقل زنده ی تو اهل بیت و قرآنند

دو قطعه نور ز یک مشعل فروزانند

دو سوره اند که مانند نور و فرقانند

دو آفتاب که از یک سپهر تابانند

دو گوهرند که از یک صدف درخشانند

دو نخل نور که محصول یک گلستانند

به اتفاق، دو تصویر از جمال خداست

هر آنکه گشت جدا از یکی، ز هر دو جداست

*****

تو آفتاب جهانی، جهان تو را دارد

امیر قافله ای، کاروان تو را دارد

نشسته ای به زمین، آسمان تو را دارد

تو باغبان جنانی، جنان تو را دارد

زمان به طول تمام زمان تو را دارد

مکان به وسعت کلّ مکان تو را دارد

چه مقبلان که همه مورد قبول تو‌أند

رسول مایی و پیغمبران رسول تو‌أند

*****

کسی که در همه جا در کنار توست علی است

کسی که دست تو و ذوالفقار توست علی است

کسی که تا ابد الدهر یار توست علی است

کسی که شیر تو و کردگار توست علی است

کسی که جان تو و جان نثار توست علی است

کسی که فاتح پروردگار توست علی است

کسی که حافظ قرآن و دین توست علی است

کسی که گفته خدا، جانشین توست علی است

*****

سلام بر تو و قدر و جلال و عنوانت

سلام چار کتاب خدا به قرآنت

سلام بر تو و یاسین و نور و فرقانت

سلام بر تو که سلمان بود مسلمانت

سلام بر شرف و اقتدار سلمانت

سلام مکه و غار حرا به پیمانت

سلام بر تو و مولا علی برادر تو

یگانه فاتح بدر و حنین و خیبر تو

*****

بشر رسید به آیین راستین امشب

خدا نمود برون، دست از آستین امشب

رسید حلقه ی توحید را نگین امشب

طلوع کرد رخ آفتاب دین امشب

بتان کعبه بیفتید بر زمین امشب

خدای را بستایید از همین امشب

ظهور مکتب «خیرالوری» مبارک باد

طلوع نور زغار حرا مبارک باد

*****

بشارت ای همه ی دختران زنده به گور

محمد آمده پایان گرفته سلطه ی زور

به گور گشت نهان، دیو کبر و جهل و غرور

فروغ دوستی از کوی دوست کرده ظهور

به شام تیره شبیخون زده است لشکر نور

محمد آمده، چشم بد از جمالش دور

رسید مژده که در ظلّ احمدید همه

از این به بعد، کنار محمدید همه

*****

قسم به ذات خداوندگار حیّ قدیر

دو عید ماست، یکی این دو، بعثت است و غدیر

جهانیان همه دانید از صغیر و کبیر

فقط علی است پس از مصطفی به خلق امیر

به شهریار پیام آوران کسی است وزیر

که علم دارد و اخلاص دارد و شمشیر

هزار مرتبه «میثم» اگر روی سر دار

ز دامن علی و اهل بیت دست مدار

*****

۳۳- با یک دعا به سوی حرا رهبری شدم

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک ولادتی

قالب ترکیب بند

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

با یک دعا به سوی حرا رهبری شدم

صاحب کلام صد سخن دلبری شدم

با یک اشاره جانب سینا سری زدم

همچون کلیم شامل پیغمبری شدم

پیغام حق رسید به پیغمبر درون

روح القدس دمید و علی محوری شدم

از هر طرف به بزم رسولان سری زدم

تنها سوی صراط علی رهبری شدم

چون معرفت به منصب اعلی رسید گفت

سر تا به پا محمدی و حیدری شدم

اینجاست آن حریم که دریافتم ز عشق

روز ازل به دست علی کوثری شدم

اینک که بر حقیقت مطلق رسیده ام

من از علی به بندگی حق رسیده ام

*****

بعثت نه این سرور، سرور ولایت است

مبعث نه این چراغ، چراغ هدایت است

خورشید چون ز شرق حرا پرتو افکند

احمد نه این فروغ، فروغ رسالت است

انوار عشق از فلق کوه بر دمید

این نور، نور کیست که کوهی ز هیبت است

روز خرید مزد رسالت بود بیا

ای دل بهای مزد رسالت محبت است

هر کس به گونه ای شه مشغول تهنیت

تبریک ما به صاحب نور نبوت است

نور علی است باعث تعظیم کائنات

تعظیم کائنات به معنای بیعت است

عالم به نور پاک علی سجده می کند

آدم به سوی خاک علی سجده می کند

*****

بعثت بنای فلسفه اش نصرت علی است

تکمیل دین معرفی دولت علی است

احمد نه از مکارم اخلاق خویش گفت

خلق محمدی همه از طینت علی است

اقرا باسم ربک الاعلی به اسم کیست؟

نام علی، مقام علی، عصمت علی است

اسلام بی ولای علی کفر محض بود

قرآن کتاب زندگی حضرت علی است

ای شیعیان فضائلتان را شماره نیست

زیرا فضائل دل ما محنت علی است

نازم به دختری که درخشنده نام او

چون طینت مبارکه اش زینت علی است

این ذکر از ازل همه جا گشته منجلی

یا مصطفی محمد و یا مرتضی علی

*****

فرمود ذوالجلال که خلاق مطلق است

نور علی ز خلقت کونین اسبق است

سر علی که کنت مع الانبیاء ، نیست

حق با علی، نه بلکه علی مع الحق است

هر مرسلی ولایت خود دارد از علی

اما ولای او چو خداوند مطلق است

هر کس که ذکر قلب و زبانش علی علی است

انگار بر لب و دل او ذکر حق حق است

بعثت بدون نام علی زینتی نداشت

زیرا که اسم او ز خداوند منشق است

معراج هم که اوج سفرهای احمد است

والله با حضور علی زیر بیرق است

دانید سر مخفی عید الکبیر چیست؟

مبعث بجز معرف یوم الغدیر نیست

*****

این دل همیشه ساکن میخانه ی علی است

مست و خراب و عاشق و دیوانه ی علی است

یک قطره هر که عشق علی نوش جان کند

دیوانه وار عاشق و مستانه علی است

میخانه را ز عشق علی زیر و رو کنم

درمان من نگاه طبیبانه ی علی است

گیرم کنید یک شبه زنجیری ام خطاب

عالم تمام وقت جنون خانه ی علی است

اینک دلم به اوج تولاست یا علی

قلبم ببین که کاسه ی پیمانه ی علی است

چون در ازل نگاه تو بر طینتم فتاد

این سینه تا به حشر چو خم خانه ی علی است

همچون من فقیر چه کس میزبان توست

چون من تو را اسیر چه کس میهمان توست

*****

۳۴- حضرت ختم المرسلین چشم و چراغ کبریاست

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

حضرت ختم المرسلین چشم و چراغ کبریاست

اهل زمین و آسمان گدای ختم الانبیاست

جرعه به جرعه می بده

ز جام ناب سرمدی

نصیب دیده ام نما

رؤیت روی احمدی

یا رحمت للعالمین(۴)

*****

فتاده قلب اهل حق به گیسوی خم نبی

نوشته یا علی مدد به روی پرچم نبی

قسم به آن نگاه تو

که صبر عاشقان ربود

فخر علی همین بود

که دانش آموز تو بود

یا رحمت للعالمین(۴)

*****

روح الامین الی الابد سالک خانقاه توست

به چشم مست تو قسم بهشت خاک راه توست

حب علی و آل او

مزد رسالت تو بود

ولی چرا پس از تو شد

چهره ی فاطمه کبود

یا رحمت للعالمین(۴)

*****

دوباره بال و پر زند کبوتر وجود من

بوی مدینه می دهد رکوع من سجود من

آینه در آینه حق

نظر به مصطفی کند

دوباره شمع قلب من

به شعله اقتدا کند

یا رحمت للعالمین(۴)

*****

جحیم و جنت خدا بسته به مهر و خشم توست

نوشته در کتاب دل شاعر غمزه چشم توست

بگوش زخم بی کسی

ترانه ی نمک بزن

دوباره مهر خنده بر

قباله ی فدک بزن

یا رحمت للعالمین(۴)

*****

۳۵- امشب شب غار حرا از روز روشن تر شده

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب شب غار حرا از روز روشن تر شده

امشب فضای مکه پر از جلوه ی کوثر شده

امشب جهان رشک جنان امشب زمین کوثر شده

امشب امین وحی حق نازل به پیغمبر شده

امشب محمد کرده بر تن خلعت پیغمبری

یا گوش شو تا بشنوی یا چشم شو تا بنگری

*****

ای مکه احمد آمده آغوش خود را باز کن

ای کعبه بر دور سر آن جان جان پرواز کن

ای بت ثنای مصطفی با نام حق آغاز کن

ای آفرینش یک صدا آهنگ وحدت ساز کن

ای جامعه بیدار شو قرآن صلایت می زند

فریاد زن پاسخ بگو احمد صدایت می زند

*****

یا رحمت للعالمین جبریل می خواند تو را

ای منجی کل بشر بیرون بیا از این سرا

تو شهریار عالمی تا چند در غار حرا

ای یوسف مصر وجود از چاه تنهایی درآ

این خلق خواب آلوده را بیدار کن بیدار کن

اقرأ بخوان اقرأ بخوان تکرار کن تکرار کن

*****

تو سروران را سروری تو رهبران را رهبری

تو از تمام انبیا هم بهتری هم برتری

تو کشتی توحید را هم ناخدا هم لنگری

تو اولین روشنگری تو آخرین پیغمبری

پیغمبران یک کاروان، تو کاروان سالارشان

پابست تو، با دست تو وا شد گره از کارشان

*****

ای آشنای عالمی ای عالمی بیگانه ات

ای سینه ی صافی دلان لبریز از پیمانه ات

ای کل عقل و عقل کل ای عاقلان فرزانه ات

ای شمع جمع عالمی ای مهر و مه پروانه ات

سنگ تو باید سینه ی نا اهل ها را بشکند

تا حمزه ات پیشانی بوجهل ها را بشکند

*****

ما بر تو از صبح ازل حکم خطیری داده ایم

ما بر تو تا شام ابد خیر کثیری داده ایم

ما خلق را مانند تو مهر منیری داده ایم

ما بر تو مانند علی شمشیر و شیری داده ایم

ای وهم گم در جاه تو پیوسته تابان ماه تو

پیغمبر محبوب ما دست علی همراه تو

*****

ای در بدن جانت علی تسلیم فرمانت علی

تفسیر قرآنت علی شمشیر برانت علی

آغاز و پایانت علی پیدا و پنهانت علی

شیر خروشانت علی اول مسلمانت علی

بر قله ی اندیشه ها پرواز کن پرواز کن

راهی که باید طی کنی با یا علی آغاز کن

*****

ای تا قیامت جاودان اسلام تو آئین تو

ای نقش لبخند خدا روی لب خونین تو

دشمن هم از کف داده دل بر منطق شیرین تو

قرآن و عترت تا ابد رمز بقای دین تو

باز از حرای دیگری پیغمبری آغاز کن

دام نفاق و فتنه را از پای امت باز کن

*****

با اتحاد دشمنان ایجاد گشته خیبری

تا بشکند ارکان آن تا بر کند از آن دری

ای کاش تا بار دگر آید به میدان حیدری

آید به میدان حیدری با ذوالفقار دیگری

فریاد، یا للمسلمین آیا شود از آستین

بار دگر آید برون دست امیرالمؤمنین

*****

ای حیدر خیبر شکن پیروز این میدان تویی

ای حجت ثانی عشر هم نوح هم طوفان تویی

هم مصلح کل بشر هم حامی قرآن تویی

امّید محرومان تویی فریاد مظلومان تویی

ای آفتاب دل برآ از پرده ی غیبت درآ

ای غیبت کبری برو ای دوره ی هجران سرآ

*****

ای سینه ی مجروح ما مجروح طول غیبتت

در بعثت جدت همه چشم انتظار بعثتت

خورشید مکه کی رسد صبح طلوع نهضتت

بت های عالم بشکند با دست عزم و همتت

ای موسی دوران بیا ای عیسی قرآن بیا

ای نوح کشتیبان بیا عالم شده طوفان بیا

*****

باز آ که بی تو شیعه را جز خون دل در کام نیست

باز آ که امت را به دل آنی دگر آرام نیست

از حق به غیر حرف حق از دین بغیر از نام نیست

اسلام بی خط شما با ا... قسم اسلام نیست

تا ماه و خورشید و فلك تا عالمند و آدمند

«میثم»، غدیر و بعثت و قرآن و عترت با همند

*****

۳۶- آفتاب عالم آرا آفتابی می‌کند

مشخصات

مناسبت مبعث

سبك ولادتی

قالب ترکیب بند

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

آفتابِ عالم آرا آفتابی می کند

با اشعه رنگِ دلها را شهابی می کند

این چه دریائیست اعجازی حسابی می کند

چشم هر بیننده‌اش را نقره آبی می کند

خود دل است این، دلبر است این، رهنما و رهبر است

این رسول حق محمّد، حضرتِ پیغمبر است

*****

کوه نور و صخره‌هایش خم شده در سجده‌اش

آشنا غار حرا با نغمه ی هر سجده‌اش

بوته‌های این بیابان گوئیا در سجده‌اش

می کند هم خاك و باد و آب و آذر سجده‌اش

کیست این جبریل دارد می به جامش می‌دهد

هم خدا، هم مکه، هم هستی، سلامش می‌دهد

*****

نقش پیشانی او تک بیتی از دنیا غزل

رنگ چشمانش زند طعنه به شهد و بر عسل

ابروانش فارغ از هر گونه امثال و مثل

بر لبش طراحیِ حی علی خیر العمل

کینه‌های مانده در دل با اخوت ختم شد

تا که با دست محمّد این نبوّت ختم شد

*****

عید مبعث آمد و دیده چراغانی شده

دیو جهل و نا امیدی سخت زندانی شده

عرش بنشسته به فرش و فصل مهمانی شده

روح ما با ذکر احمد روحِ روحانی شده

لحظه‌ی پرواز آمد بال‌ها را باز کن

شادیِ بعثت بدین پرپر زدن آغاز کن

*****

۳۷- بانگ تکبیر ز امواج فضا می آید

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بانگ تکبیر ز امواج فضا می آید

گوش باشید که آوای خدا می آید

بوی عطر از نفس باد صبا می آید

نفس باد صبا روح فزا می آید

پیک وحی است که در غار حرا می آید

به محمد ز خداوند ندا می آید

ای خلایق همه این طرفه ندا را شنوید

گوش های شنوا حکم خدا را شنوید

*****

بت و بتخانه همه ذکر خدا می گویند

سخن از اقرأ و از غار حرا می گویند

حمد حق، مدح رسول دو سرا می گویند

خلق عالم همه تبریک به ما می گویند

حکم توحید به ما و به شما می گویند

همگی با نفس روح فزا می گویند

بشریت چه نشستی که مسیحت آمد

حکم توحید به آوای فصیحت آمد

*****

این چراغی است که تا شام ابد جلوه گر است

این یتیمی است که بر عالم خلقت پدر است

این نجات همه در دامن موج خطر است

این رسولی است که از کلّ رُسُل خوب تر است

پیشتر از همه بعد از همه پیغامبر است

تا صف حشر طرفدار حقوق بشر است

چشم بد دور ز آیینه ی رخسارش باد

تک و تنهاست خداوند نگهدارش باد

*****

آی انسان ها فرمان پیمبر شنوید

گوش تا از سخن خلق فراتر شنوید

روح گردید و از آن روح مطهر شنوید

همه با هم سخن خالق داور شنوید

بانگ تهلیل شنیدید مکرر شنوید

همه را با هم در عدل برابر شنوید

دوره ی کفر و زر و زور به اتمام آمد

اهل عالم همه آماده که اسلام آمد

*****

عید آزادی زن های اسیر است امروز

عید خلق است و خداوند قدیر ایت امروز

دامن مکه پر از مشک و عبیر است امروز

بشریت را فرمان خطیر است امروز

حق بشیر است بشیر است بشیر است امروز

جاودان باد چراغی که منیر است امروز

ذکر بت ها همه «لا نعبد الا ایاه»

همه گویند «ولا قوه الا با ا...»

*****

تا به کی چهره ی خورشید عدالت مستور

تا به کی سلطه ی بیدادگران با زر و زور

با من امروز بخوانید همگی این منشور

منجی کل جهان آمده با مشعل نور

عید بعثت شده یا عید جهانگیر ظهور

تهنیت باد بر آن دخترک زنده به گور

دور دختر کشی و جهل به پایان آمد

سر تسلیم بیارید که قرآن آمد

*****

مکه آهنگ، به گلواژه ی اقرأ بنواز

کعبه از جا کن و تا غار حرا کن پرواز

یا محمد سخن خویش ز لا کن آغاز

خیز از جا به بت و بتگر و بت خانه بتاز

بشریت را با مکتب توحید بساز

سر این رشته دراز است دراز است دراز

خیز تا عرصه ی بیدادگران تنگ کنی

سینه در حین تبسم سپر سنگ کنی

*****

ای به راه تو تمامی ملل را دیده

ای که جبریل امین دور سرت گردیده

ای به قلب بشر از غار حرا تابیده

ای خدا پیش تر از پیش تو را بگزیده

ای سحاب کرمت بر همگان باریده

خیز از جای خود ای جامه به تن پیچیده

چشم عالم به ره مکتب روشنگر توست

منجی کل بشر دین علی پرور توست

*****

گر چه فوجی پی آزار تن و جان توأند

فکر بشکستن پیشانی و دندان توأند

روزی آید که همه خلق مسلمان توأند

خاك مقداد تو عمار تو، سلمان توأند

سر فرو برده به تسلیم به فرمان توأند

پیرو دین تو و عترت و قرآن توأند

عالم کفر به اسلام تو تبدیل شود

به تولای علی دین تو تکمیل شود

*****

تو و آل تو چراغان هدایید همه

چارده آینه از وجه خدایید همه

چارده صورت توحید نمایید همه

چارده قبله ی ارباب دعایید همه

چارده نوح به طوفان بلایید همه

چارده مهر عیان در همه جایید همه

چارده طور به سینای وسیع دلها

چارده عقده گشا در همه ی مشکل ها

*****

عزت امت تو در گرو وحدت توست

وحدت امت تو پیروی از عترت توست

طاعت عترت تو، طاعت حق، طاعت توست

در رگ قلب حسین بن علی غیرت توست

تا خدایی خداوند به پا دولت توست

شیعه آن است که هر لحظه ی او بعثت توست

شیعه در حکم تو نور ازلی را دیده

شیعه در غار حرا با تو علی را دیده

*****

بعثت شیعه ز آغاز غدیر است و حراست

بعثت سوم او واقعه ی عاشوراست

پدر شیعه علی، مادر شیعه زهراست

شیعه جان و تنش از آب و گل کربلاست

به خدایی خدایی که جهان را آراست

شیعه بودن شرف و عزت و آزادی ماست

شیعه تا خون به رگش موج زند یار علی است

«میثما» شیعه همان میثم تمار علی است

*****

۳۸- شب بعثت نبی شب ثنای احمده

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

شب بعثت نبی شب ثنای احمده

روشنی بخشِ دلا نبوته محمده

جبل النور ببین به دل داره جلا می‌ده

از دلِ غارِ حرا نوایی آشنا می‌ده

صل الله علیک یا محمد یا محمد یا محمد (۳)

*****

چی شده غار حرا سرودِ مستی می‌خونه

نغمه‌ی محمد و تموم هستی می‌خونه

کار هر چی عرشیه زمزمه و ثنا شده

به مسلمونا بگید حاجتشون روا شده

صل الله علیک یا محمد یا محمد یا محمد (۳)

*****

دور هر چی کافره شرم و خجالت پیچیده

چونکه تو چشم نبی برقِ رسالت پیچیده

دلِ کل عالمین افتاده تو تاب و تبش

بسم ربک الذی خلق شده نقشِ لبش

صل الله علیک یا محمد یا محمد یا محمد (۳)

*****

۳۹- ای جان جهان جان محمد

مشخصات

مناسبت مبعث

سبک مرثیه

قالب مثنوی

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای جان جهان جان محمد

با نام خدا بخوان محمد

ای باعث ممکنات اقرأ

ای خواجه ی کائنات اقرأ

ای قدر و جلالتت مبارک

فرمان رسالتت مبارک

ای رشته ی نه فلک به چنگت

تا چند مکان به تخته سنگت

تو پیک مقدس نجاتی

تو روح حیات را حیاتی

ای درّ یتیم و باب خلقت

ای سینه ی تو کتاب خلقت

ای گمشده آفتاب، احمد

امشب ز حرا بتاب، احمد

ای در کنفت جهان هستی

آغازگر خداپرستی

برخیز و به سوی کعبه کن رو

تا بشنوی از بتان هوالهُو

این غار که با تو کرده عادت

دارد به نبوتت شهادت

این سنگ که بر رویش نشستی

فریاد زند پیمبر استی

ای کعبه ی کعبه دلبری کن

برخیز و پیام آوری کن

با نام خدای حی سرمد

بگشای زبان بخوان محمد

کو از «علق» آدم آفریده

«کن» گفته و عالم آفریده

ای وادی مکه احمد است این

ای غار حرا محمد است این

این تخته ی سنگهای غارند

کآوای شهادتین دارند

ای مردم مکه حق پرستی

تا چند به خواب جهل و مستی

تا چند بشر ز معرفت دور

تا چند حکومت زر و زور

این کعبه که گِرد آن نشستید

این لات و هبل که می پرستید

دارند به لب ندای تهلیل

از ختم رسل کنند تجلیل

هر سنگ و درخت با محمد

فریاد زنند یا محمد

آئین تو تا ابد جهانی است

دین تو هماره جاودانی است

منجی بشر به بانگ تکبیر

از کوه حرا شده سرازیر

انوار نبوتش زند برق

هستی شده در فروغ او غرق

دریاب خدیجه، شوهرت را

تبریک بگو پیمبرت را

این نور نبوت است بشتاب

خورشید اخوت است بشتاب

روزی که بشر در آب و گل بود

این نور هماره مشتعل بود

در خلوت دوست منجلی بود

حق بود و محمد و علی بود

سوگند به عصمت محمد

احمد، علی و علی است، احمد

سیر خط سرخ نور کردند

تا عمق زمان عبور کردند

از سن علی گذشته ده سال

افتاده رسول را به دنبال

دو شمس نبوت و ولایت

دو محور عالم هدایت

او هستی و هست آفرینش

این نفس نفیس و جانشینش

او بر همه «تفلحوا» بیانش

این سوره ی مؤمنون به شانش

دو آیت حق، دو یار نستوه

گویی دو محمد آید از کوه

از جانب ذات حی دادار

هنگام نزول وحی در غار

احمد که ز وحی منجلی بود

در محضر او فقط علی بود

در صورت هم خدای دیدند

آوازه ی وحی را شنیدند

ای عبد مطیع حی سرمد

ای پیرو مکتب محمد

از خط علی مباش بیرون

موسی نشود بدون هارون

یک طایفه یارِ یارِ یارند

یک سلسله یارِ یارِ غارند

من عاشق روی یارِ یارم

کاری نبود به یارِ غارم

حیدر دَرِ باز شهر علم است

گنجینه ی راز شهر علم است

بر غیر خدا سجود ممنوع

بی اذن علی ورود ممنوع

از جانب در به شهر رو آر

دزد است که می رود ز دیوار

ما مؤمن و تابع امیریم

ما پیرو بعثت و غدیریم

داریم به کف زمام عزت

از ظهر غدیر و صبح بعثت

دین مهر امیرمؤمنین است

و ا... علی تمام دین است

روزی که هنوز ما نبودیم

لبریز ز مهر دوست بودیم

در محضر مصطفی رسیدیم

الحق مع علی شنیدیم

ای رشته ی عالمت در انگشت

ای مهر و مهت هماره در مشت

ای خواجه ی کائنات احمد

ای خاتم انبیاء محمد

گردیده هزار و چارصد سال

حق تو و عترت تو پامال

ماران درون آستینت

بودند هماره در کمینت

برگرد سقیفه ها خزیدند

تا پیکر عدل را گَزیدند

بستند به سوی حرف حق گوش

کردن غدیر را فراموش

در بین تمام انجمن ها

هارون تو شد غریب و تنها

با توطئه ظلم ها به حق شد

تا مصحف دین ورق ورق شد

ماندند غریب تا قیامت

قرآن و ولایت و امامت

ای گمشده یک هزاره بازآ

از غار حرا دوباره بازآ

با امت خود بگو ولی کیست

فریاد بزن بگو علی کیست

یکبار دگر بگو به امت

قرآن نشود جدا ز عترت

اسلام و علی، کتاب و عترت

هر چار یکی است در حقیقت

سوگند به والضحی و والطّور

سوگند به نورِ سوره ی نور

سوگند به آفتاب رخشان

سوگند به ماه نور افشان

سوگند به سرّ هفت حا میم

سوگند به عادیات و تحریم

سوگن به سوره ی محمد

سوگند به ایلیا و احمد

سوگند به بیت و اعتبارش

سوگند به رکن مستجارش

سوگن به کعبه و خلیلش

سوگند به وحی و جبرئیلش

تا هست خدا و خلقت او

ماییم و رسول و عترت او

شیعه همه عزت و جلالش

قرآن و محمد است و آلش

در پیروی از کتاب و عترت

یک نور بود غدیر و بعثت

ما پیرو بعثت و غدیریم

جز دامن مرتضی نگیریم

داریم سه محور هدایت

قرآن و نبوت و ولایت

«میثم» به خدای حیّ منان

قرآن علی و علی است قرآن

رحلت

۱- خاتم الانبیا رسول خدا

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک مرثیه

قالب مثنوی

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع دو دریا اشک ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

خاتم الانبیا رسول خدا

که جهانش هزار بار فدا

کـرد اعـلام بـر سر منبر

به خلایق ز اصـغر و اکبر

که من ای مسلمینِ نیک خصال

دیدم آزارها به بیست و سه سال

کرده‌ام روز و شب حمایتتان

سنگ خوردم پی هدایتتان

ساحرم خوانده‌اید و جادوگر

بـر سـرم ریختیـد خاکستر

گـاه کـردید سنـگ بـارانم

گـه شکستید درِّ دنـدانم

مثل مـن از منافق و کفار

هیـچ پیغمبری نـدید آزار

حال چون می‌روم از این دنیا

اجر و مزدی نخواستم ز شما

جـز کـه بـا عتـرتم مودّتتان

حرمت و طاعـت و محبتتان

دو امـانت مـراست بین شما

طاعت از این دو هست، دین شما

ایـن دو از امـر داورِ منّـان

یکی عترت بوَد، یکی قرآن

این دو با هم چو این دو انگشتند

تـا ابـد متصل به یک مشتند

کافر است آن کسی که در اقرار

یـکی از این دو را کند انکار

چون محمّد ز دار دنیا رفت

روح او در بهشت اعلا رفت

جمع گشتند امـت اسـلام

تا به زهرا دهند یک انعـام

رو سوی بیت کبریا کردند

جـای گل، بار هیزم آوردند

گلشـان شعلـه‌های آذر بود

حـرمتِ دختـرِ پیمبر بـود

دختر وحی را به خانه زدند

بـر تــن وحی تازیانه زدند

اولیـن اجـر مصطفی این بود

حمله بـر بیت آل یاسین بود

اجـر دوم نـصیب مـولا شد

کشتـه در صبحِ شامِ احیا شد

آنکه عمری چو شمع می‌شد آب

رُخش از خون سر گرفت خضاب

فـرق بشْکسته و دل صد چاک

مثـل زهرا شبانه رفت به خاک

اجـر سـوم رسیـد بـر حسنش

تیربـاران شـد از جفـا بـدنش

تـن پـاکش بـه شـانه یـاران

شـد بــه بـاران تیر، گلباران

اجـر چـارم بسـی فـراتر بود

نیـزه و تیـر و تیغ و خنجر بود

دسـت ظلم و عناد بگشادند

اجرهـا بـر حسیـن او دادند

گر گ‌هایش به سینه چنگ زدند

بـه جبینش ز کینـه سنگ زدند

حمله بـر جسـم پاك او كردند

نيـزه در سينـه‌اش فـرو كردند

بـر دل او كـه جـاى داور بود

هديـه كردنـد تيـر زهـرآلود

تيـر مسموم، خصم او را كشت

سر به دل برد و شد برون از پشت

كاش در خون خويش مى‌خفتم

كـاش مى‌مـردم و نمـى گفتم

آب‌هـا بـود مهـر مــادر او

تشنه لب شد بريده حنجر او

داد از تيـغ، قـاتلش شـربت

سر او شد جدا به ده ضربت

«ميثم» آتش زدى به جان بتول

سوخت زين شعله قلب آل رسول

۲- رحلت رحمت للعالمین آمده

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع دو دریا اشک ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

رحلت رحمت للعالمين آمده

ناله از قلب جبريل امين آمده

از ملايك همـه، آيد اين زمزمه

السلام عليك، يا رسول الله

*****

آه و واويلتا محشر كبرى شده

روز تنهايى حيدر و زهرا شده

حضرت فاطمه، دارد این زمزمه

السلام علیک، یا رسول الله

*****

اهل عالم عزای خاتم الانبیاست

همه جا کربلای خاتم الانبیاست

زین بلای عظیم، گشته امت یتیم

السلام علیک، یا رسول الله

*****

در سقیفـه بیـا فتنه دیگـر شده

بعد ختم رسل، ستم به حیدر شده

غربت حیدر است، جان پیغمبر است

السلام علیک، یا رسول الله

*****

بـر در خانـه دختر ختم رسل

هیزم آورده‌اند عوض دسته گل

شد ز بیت خدا، دود آتش به پا

السلام علیک، یا رسول الله

*****

یا محمّد بیا بلای دیگر ببین

خانه وحی را طعمه آذر ببین

گشته حقّت ادا، شده محسن فدا

السلام علیک، یا رسول الله

*****

۳- رحلت پیغمبر و قتل حسن قتل رضاست

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۴)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

رحلت پیغمبر و قتل حسن قتل رضاست

فاطمه صاحب عزاست(۲)

زین مصیبت خون دل جاری ز چشم مرتضاست

*****

آسمان گرید، برای رحمت للعالمین

ریخته، خاك مصیبت، بر سر روح الامین

بی کس و تنها شده، مولا امیرالمؤمنین

از زمین تا عرش اعلی بانگ واویلا بپاست

فاطمه صاحب عزاست (۲)

*****

آه و واویلا، که چشمان پیمبر بسته شد

باب وحی و خانه ی زهرای اطهر بسته شد

دست فتنه، باز شد بازوی حیدر بسته شد

هم عزای مصطفی، هم غربت شیرخداست

فاطمه، صاحب عزاست (۲)

*****

در کنار تربت پاك رسول مؤتمن

روز روشن، تیرباران شد، تن پاك حسن

زین مصیبت تا قیامت، سوخت قلب مرد و زن

شیعه، گر خون گرید از غم، تا صف محشر رواست

فاطمه، صاحب عزاست (۲)

*****

فاطمه، آن عصمت ذات خدای ذوالمنن

با امیرالمؤمنین، رخت عزا دارد به تن

گاه، می‌گوید پدر، گاهی رضا، گاهی حسن

گه خراسان، گه مدینه، گه به دشت کربلاست

فاطمه، صاحب عزاست (۲)

*****

عاقبت از زهر مأمون، پاره شد قلب رضا

در میان حجره ی در بسته، می‌زد دست و پا

گه، جوادش را، گهی معصومه، را می‌زد صدا

داغ او تا صبح محشر، بر دل سوزان ماست

فاطمه، صاحب عزاست (۲)

*****

۴– سوخته قلب علی مرتضی

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع دو دریا اشک ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سوخته قلب علی مرتضی

حضرت زهرا شده صاحب عزا

بر پـدر و بـر حسن و بر رضا

آجرک ا... بقیه ا...

*****

پیکـر پـاک خاتم المرسلین

مانده میان حجره روی زمین

جـان محمّد شده خانه‌نشین

آجرک ا... بقیه ا...

*****

خون شده از غم جگر فاطمه

رفتـه ز دنیـا پـدر فاطمه

رخت عزا شد به بر فاطمه

آجرک ا... بقیه ا...

*****

گشته جهان بزم عزای حسن

جان دو عالم به فدای حسن

گریه کن ای دیده برای حسن

آجرک ا... بقیه ا...

*****

غریب خانه در وطن کشته شد

بگـو امـام ممتحـن کشته شد

یوسف فاطمه حسن کشته شد

آجرک ا... بقیه ا...

*****

شهر خراسان همه جا محشر است

بـر جگـر شیعـهٔ غـم دیگر است

قتـل جگـر پـارهٔ پیغمبـر است

آجرک ا... بقیه ا...

*****

فاطمه را خون چکد از هر دو عین

بیشتـر از همــه بــرای حسین

داغ حسیــن است غـم عالمیْن

آجرک ا... بقیه ا...

*****

۵– ملک الموت مزن شعله به زخم جگرم

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع دو دریا اشک ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ملک الموت مزن شعله به زخم جگرم

وای من گر تو مدارا نکنی با پدرم

صبـر کـن سیر ببینم رخ بابایم را

چه کنم سدّ نگاهم شده اشک بصرم

قسمت این بود که بالای سرش بنشینم

چشم بگشایم و جان دادن او را نگرم

وقت جان دادن خود گفت: مقدر این است

دو مـه و نیم دگر فاطمه را هم ببرم

ای پدر! مادر مظلومه من یار تو بود

من پس از رفتن تو جان علی را سپرم

با تن خسته و بازوی کبود از مسجد

قول دادم که علی را به سوی خانه برم

دست از دامن حیدر نکشم یک لحظه

گر بریزند همه اهل مدینه بـه سرم

قسمت این بود که بعد از تو بمانم بابا

تا که با دادن جان، جان علی را بخرم

به فدای سر یک موی علی باد پدر

گـر میـان در و دیـوار دهد جان، پسرم

جگرت سوخت به هر بیت که گفتی «میثم»

اجـر ایـن سـوختنت بـا احـدِ دادگرم

۶- مدینه چه کردی رسول خدا را

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک مرثیه

قالب مثنوی

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۴)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مدینه، چه کردی رسول خدا را

گرفتی ز ما خاتم‌الانبیا را

چه بیدادگر بود، این چرخ گردون

که خاک یتیمی، به سر ریخت ما را

دریغا! که روح دعا، رفت در خاک

گرفتند از ما روان دعا را

به سوگ محمّد، بگریید، یاران

که زهرا ببیند، سرشک شما را

بیارید گل بر در بیت زهرا

که هم‌درد باشید، خیرالنسا را

الهی الهی که اهل مدینه

نبینند، تنهایی مرتضا را

الهی نبینم که زهرا به صحرا

دهد آب با اشک خود نخل‌ها را

مبادا که در بیت وحی الهی

بدون طهارت، گذارید پا را

ببوسید، روی حسین و حسن را

تسلّا دهید این دو صاحب عزا را

خدا را چه شد، آن طبیب دو عالم

که آورد، بر زخم جان ها، دوا را

نه لب بر گلوی حسینش نهاده

نه بوسیده لعل لب مجتبا را

سلامی نداده است، بر اهل‌بیتش

زیارت نکرده است، بیت‌الولا را

زنان مدینه، چو جان در بر خود

بگیرید، دخت رسول خدا را

مبادا مبادا، گذارید تنها

در این روزها، عصمت کبریا را

زنان مدینه، به جان پیمبرi

بگویید اسرار این ماجرا را

چرا شعله از بیت زهرا بلند است

ببینید، آتش زدند آن سرا را

دریغا! دریغا! که در پشت آن در

شکستند، ار کان ارض و سما را

بیایید، در آستان ولایت

که کشتند، ریحانهٔ المصطفی را

خطاکار، آن بود، ای اهل عالم

کز اوّل رها کرد، تیر خطا را

خدا را در بیت توحید و آتش؟

یهودند این جانیان، یا نصارا؟

یهود و نصارا به پیغمبر خود

روا داشت کی این چنین ناروا را؟

کسی کو زند، لطمه بر روی زهرا

به قرآن که کفرش بود آشکارا

نه سهمی، ز قرآن و اسلام دارد

نه دیده است، یک لحظه رنگ حیا را

ندیده است، پیغمبری، جز محمّدi

ز امّت، چنین ظلم و جور و جفا را

شراری، ز بیت‌الولا رفت بالا

که بگرفت در کام خود کربلا را

عدو، آتشی زد به بیت ولایت

که بگرفت، تا حشر، دودش فضا را

زمام سخن را نگهدار «میثم»

که آتش زدی، قلب اهل ولا را

۷- چراغ کاشانه ی من رفته ای از خانه ی من

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

یا ابتاه (۳) رسول ا...

*****

چراغ کاشانه ی من رفته ای از خانه ی من

ببین که خونابه چکد ز اشک یتیمانه ی من

ز بعدت ای جوانیم شکسته و خزانیم

مزد رسالت تو شد قامت چون کمانیم

همانکه با سنگ جفا شکسته دندان ترا

ز ضربتی به پشت در شکسته پهلوی مرا

فاتحه خوانم که دگر به هجر تو نشسته ام

غبار تربتت نهم به بازوی شکسته ام

۸- دست اجل به سینه و در احترام بود

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع گلواژه های محرم ۹

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دست اجل به سینه و در احترام بود

یک گوشه ایستاده به عرض سلام بود

احمد به احتضار و خدیجه در انتظار

شوق وصال بر جگرش التیام بود

می شد فضای خانه غریب و غریب تر

بابا میان بستر و عمرش تمام بود

از پشت ابر گریه همه آب می شدند

در خانواده ای که محبت مرام بود

قرآن به دست ام ابیها نگاه کرد

بر سینه ی رسول ، سر دو امام بود

بر آخرین وصیت و درد دل پدر

لبخند گرم فاطمه حسن ختام بود

در حال غسل دادن او بود مرتضی

در بیعت سقیفه ولی ازدحام بود

امت به جاهلیت پنهان سقوط کرد

حالا اسیر ابرهه بیت الحرام بود

دلبند مصطفی به روی خاک کوچه ها

گاهی به سجده و گاهی قیام بود

۹- یاس خوشبوی منی ، روح پهلوی منی

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

یاس خوشبوی منی ، روح پهلوی منی ، زهرا زهرا(۲)

تو دلبر منی : زهرا زهرا

تو کوثر منی : زهرا زهرا

*****

ای آرامش دلم ، ای اشک تو قاتلم ، از غم دیگر

اینسان نوحه سر مکن ، خون قلب پدر مکن ، جان حیدر

دار و ندار من : زهرا زهرا

بنشین کنار من : زهرا زهرا

*****

گشته بر من جلوه گر می روی تو پشت در

می زنی من را صدا می کشی آه از جگر

لیک جان مادرت هر چه آمد بر سرت

از دل و جان دخترم کن دفاع از رهبرت

*****

دلخسته از این جهان ، هستم راهی جنان ، ای ماه من

قلب و جان خسته ام ، دندان شکسته ام ، گواه من

با حسرت و محن : زهرا زهرا

بوسم لب حسن : زهرا زهرا

*****

آمده وقت سفر رخت ماتم کن به بر

ای عزیز جان من کن حسینم را خبر

تا بگیرم در برش تا ببوشم حنجرش

از وفا بر سینه ام گو که بگذارد سرش

*****

۱۰- مدینه رنگ ماتم دارد امشب

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک نوحه سنگین سنتی

قالب آهنگین

شاعر شاهنوری محمود

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

اباصالح(۳) کجایی

اباصالح دوای درد مایی

*****

مدینه رنگ ماتم دارد امشب

تمام آسمان غم دارد امشب

چنان این غصه بر دلها اثر کرد

جهان شور محرم دارد امشب

*****

دل من داغ دارد داغ بی حد

چو زهرا گرید از داغ محمد

گهی بر قبر خاکی سرگذارد

از آنجا پر کشد تا شهر مشهد

*****

بهار است و خزان زد قلب ما را

گرفته گَرد ماتم شیعه ها را

بیا مهدی که از اول بسازیم

بقیع و کاظمین و کربلا را

*****

سپاس بی نهایت حی داور

دل ما از ازل شد جای حیدر

الهی منجی عالم بیاید

در این سالی که شد سال پیمبر

*****

۱۱- ز داغ من به بر رخت عزا کن ای علی جانم

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ز داغ من به بر رخت عزا کن ای علی جانم

خداحافظ برای من دعا کن ای علی جانم

پس از من زخمهای کینه سر وا می کند بهرت

برو خود را مهیای بلا کن ای علی جانم

به دستت می سپارم هستی خود را گل خود را

ز جان و دل غم او را دوا کن ای علی جانم

مقرر گشته بر تو صبر و غربت ور نه می گفتم

که اول میخ را از در جدا کن ای علی جانم

بگو آید حسن تا من زنم بوسه به لبهایش

تو پاک اشک از عذار مجتبی کن ای علی جانم

نهد بر سینه ام تا سر بگیرم بوسه از حنجر

تو عشقم را حسینم را صدا کن ای علی جانم

برای ماندن نهضت پس از خون حسین من

تو زینب را سفیر کربلا کن ای علی جانم

۱۲- مریز اشک غم اینچنین به بر من

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مریز اشک غم اینچنین به بر من

مرا می کشی پاره ی جگر من

که هستم ز داغ تو غرق محن

پس از خود ترا بینم ای گل محزون

گهی بین آتش گهی هاله ی خون

زنی دست و پا ای همه هست من

منم فکر ضرب در و دیوار

گل و غنچه و صدمه ی صد خار

عزیز دلم ای حاصلم ای فاطمه انسیه حورا

مخور غم که تو اول کسی که می شوی ملحق به بابا

*****

خدایا به داد دل مرتضی رس

که گردد پس از من شکسته و بی کس

که بی اذن او پا به خانه زنند

گهش از جفا کنج خانه نشانند

گهی دست بسته به کوچه کشانند

به ناموس او تازیانه زنند

چه خوش زحمت من ادا گردد

غریبانه محسن فدا گردد

عزیز دلم ای حاصلم ای فاطمه انسیه حورا

مخور غم که تو اول کسی که می شوی ملحق به بابا

*****

خودم دیدم آن بی حیای ستمگر

چسان زد به روی حبیبه ی داور

که شد غرقه خون معجر مادرم

منم آنکه گم کرده با دل خسته

در این کوچه یک گوشوار شکسته

چه خاکی شد آخر خدا بر سرم

به کوچه چنان جوجه لرزیدم

زمین خوردن مادرم دیدم

۱۳- روح هستی در میان بستر است

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

روح هستی در میان بستر است

لحظه های آخر پیغمبر است

رو به قبله پای او در احتزار

می کشد از بهر مرگش انتظار

حیدر احساس غریبی می کند

فاطمه هم ناشکیبی می کند

یک طرف گریان حسن یکسو حسین

یک طرف آه و فغان زینبین

زیر لب گوید به آواز جلی

اشهد ان ولی ا... علی

گاه گوید ای گروه بی وفا

خوش کنید اجر رسالت را ادا

از شما چیزی نخواهم ای همه

جز مودت با عزیزم فاطمه

آخر او دار و ندار من بود

او گل باغ و بهار من بود

فاطمه هم خون و هم بوی من است

روح ما بین دو پهلوی من است

فاطمه عشق من و جان من است

فاطمه تفسیر قرآن من است

فاطمه یک هدیه از رب جلی است

کوثر است و شیشه ی عمر علی است

این وصیت از من و چشم ترم

بعد من جان شما و دخترم

بعد من اکرام و تکریمش کنید

نی ز حقش نیز تحریمش کنید

هان مبادا اینکه آزارش کنید

در غم غربت گرفتارش کنید

۱۴- روزهای عجیب و جانسوزی است

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب قافیه پریشان

شاعر ناشناس

منبع گلواژه های محرم ۹

تعداد استفاده ۰

متن شعر

روزهای عجیب و جانسوزی است

نفس از هُرم غصه می گیرد

مثل هر سال بر اب الزهرا

دل دیوانه روضه می گیرد

سخن امشب ز رحمت ا... است

سنگ خورده ترین پیمبر عشق

ناسروده ترین غزل آری

مطلع بی نظیر دفتر عشق

آخرین روز عمر پر بار

مصطفی آخرین سفیر خداست

حسنین و علی پریشانند

دل پریشان تر از همه زهراست

روی پیشانی رسول خدا

عرق احتضار بنشسته

بهر امت نماید استغفار

با دلی پر ز غصه و خسته

فارق الحال می شود احمد

چون نظر می کند به سوی علی

سر گذارد به شانه ی زهرا

گرم عشق است و گفتگوی علی

گفت از حجره ام همه بیرون

غیر زهرا و حیدر و حسنم

گریه سر داد با پریشانی

که بیا ای حسین بی کفنم

دست زهرا گرفت با گریه

در کف دست مرتضی بنهاد

ای علی سید الوصیینم

نرود فاطمه تو را از یاد

یاس یاسین ، امانتی خداست

این رخ چون گل و قد طوبی

جان تو جان فاطمه حیدر

این دو بازوی سالم زهرا

کاش روز سقیفه می بودی

چون در آتش جمال یاست سوخت

سینه ای را که بوسه می دادی

میخ ، آن را به چوبه ی در دوخت

دست خیبر گشای ، بسته به بند

دست زهرا شکسته در کوچه

کاش بودی که بنگری آقا

آن قیام نشسته در کوچه

تا که آرام ، جان دهد طاها

جبرئیل آمده برای کمک

وای فردا میان شعله و خون

آید از پشت در صدای کمک

۱۵- سید بطحا رفته از دنیا

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سید بطحا رفته از دنیا

آه و واویلا آه و واویلا

شهر قرآن زین عزا گشته سیه پوش

ای خدا شمع هدی گردیده خاموش

وامصیبت وامصیبت(۲)

*****

نوحه خوان حیدر می زند برسر

در عزای او سوره ی کوثر

ای مدینه داغ بابا دیده زهرا

شد یتیمه کن دگر با او مدارا

وامصیبت وامصیبت(۲)

*****

بعد او مردم حق ادا کردند

در سرای او آتش آوردند

شعله بالا می رود از خانه ی او

شد اسیر میخ در پروانه ی او

وامصیبت وامصیبت(۲)

*****

بعد از او یارب شد حسن تنها

کشته ی اعدا شد گل زهرا

طعنه و زخم زبانها قوت او شد

تیر کین دسته گل تابوت او شد

وامصیبت وامصیبت(۲)

*****

۱۶- گلشن هستی شد خزان امشب

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

گلشن هستی شد خزان امشب

اشک غم ریزد آسمان امشب

مسجد پیغمبر از غم حجله بسته

فاطمه در ماتم بابا نشسته

یا محمد یا محمد (۲)

*****

بر سر امت کرده غم خانه

سوره در سوره آیه در آیه

دست گلچین باغ دین را کرده تاراج

یا محمد می کند آهنگ معراج؟

یا محمد یا محمد (۲)

*****

روح پیغمبر می کند پرواز

غربت مولا می شود آغاز

بعد فقدان رسول ا... رحمت

می شود زهرا زدن مزد رسالت

یا محمد یا محمد (۲)

*****

بیت وحی حق گشته نیلی پوش

لاله ها گریان باغبان خاموش

باغبان دارد ز باغ آشنایی

از میان لاله ها عزم جدایی

یا محمد یا محمد (۲)

*****

بزم آل ا... گشته غمخانه

مثل شمعی سوخت جان پروانه

آل طاها محفل ماتم گرفتند

گرد پیغمبر نوای غم گرفتند

یا محمد یا محمد (۲)

*****

۱۷- دیدی ، رخت عزا شد بر تنم ای دلبرم

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دیدی ، رخت عزا شد بر تنم ای دلبرم

گشتم ، یتیمه و خاک غمش شد بر سرم

علی علی علی علی

ندارم به سر ، سایه ی پدر

صد واویلتا صد واویلتا(۲)

*****

دل شد ، در ماتمش پر از داغ و درد و محن

مولا ، تنها نما پیکرش را غسل و کفن

علی علی علی علی

هستند پیش من ، حسین و حسن

صد واویلتا(۲)

*****

جز غم ، که از وفا به خانه ی ما سر زده؟

بهر ، یاری ما دیگر کسی نیامده

علی علی علی علی

اهل کینه اند ، در سقیفه اند

صد واویلتا(۲)

*****

اسم ، فرزند آخر من را او بر گزید

اما ، سوزد دلم که عاقبت رویش ندید

علی علی علی علی

رفت از این جهان ، آن خلد آشیان

صد واویلتا(۲)

*****

۱۸- گشته صاحب عزا دخت خیرالبشر

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۲)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

گشته صاحب عزا دخت خیرالبشر

در فراق پدر در غم دو پسر

ابتاه ابتاه ابتاه گوید

یا حسن یا حسن یا رضا گوید

یا رسول ا... (۲)

*****

رحلت حضرت خاتم الانبیاست

اول غربت سیدالاوصیاست

آسمان گشته خیمه ی ماتم

خواجه ی عالم رفته از عالم

یا رسول ا... (۲)

*****

از نهاد علی خیزد این زمزمه

غربت آورده رو بر من و فاطمه

من که فتح بدر و احد کردم

باید اکنون خانه نشین گردم

یا رسول ا... (۲)

*****

شیعیان طشت خون را نظاره کنید

گریه بر جگر پاره پاره کنید

به خدا این بر همه معلوم است

که حسن بیش از همه مظلوم است

یا رسول ا... (۲)

*****

خیزد از طشت خون ناله ی وا حسن

یا حسن یا حسن یا حسن یا حسن

همه ی عالم بر تو می گرید

چشم قاتل هم بر تو می گرید

یا رسول ا... (۲)

*****

ای خراسان بسوز در عزای رضا

گریه کن گریه کن در عزای رضا

که رضا جان داده غریبانه

مثل زهرا در گوشه ی خانه

یا رسول ا... (۲)

*****

۱۹- مُلک وجود غرق در اندوه و در عزاست

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۱)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مُلک وجود غرق در اندوه و در عزاست

آغاز صبح غربت زهرا و مرتضاست

قرآن عزا گرفته و عترت شده غریب

شهر مدینه را به جگر داغ مصطفاست

خون گریه کن مدینه! کز این ماتم عظیم

گر آسمان خراب شود بر سرت رواست

گشتند انبیا همه چون فاطمه یتیم

زیرا عزای قافله سالار انبیاست

خلقت چه لایق است که صاحب عزا شود

عالم عزا گرفته و صاحب عزا خداست

اهل ولا به هوش که با رحلت نبی

شهر مدینه یکسره آبستن بلاست

قومی برای غصب خلافت شدند جمع

یا للعجب وصی پیمبر، علی، کجاست

دارالولا محاصره ، زهراست پشت در

دود و شراره بر فلک از بیت کبریاست

آتش زدن به خانه ی ریحانه ی رسول

پاداش رنج های شب و روز مصطفاست

آزردن بتول پس از رحلت رسول

با ا... قسم شروع جنایات کربلاست

از لحظه ای که غصب خلافت شد از علی

تا حشر حق آل محمد به زیر پاست

هر روز رأس شاه شهیدان به نوک نی

هر شب صدای ناله ی زهرا به گوش ماست

«میثم» قسم به میثم آزاه ی علی

آزادگی ولایت سلطان اولیاست

۲۰- ای دل دیوانه راهی باز کن

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع گلواژه های محرم ۱۱

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای دل دیوانه راهی باز کن

تا مدینه یک نفس پرواز کن

گوش کن آواز جبریل امین

الرّحیل رحمتٌ للعالمین

وقت رفتن آمده ای پیک حق

حق تو را خواند بگو لبیک حق

مصطفی آماده ی جان دادن است

بهر زهرا هجر او جان کندن است

چشم پیغمبر به سختی باز شد

باز، آن چشمان هستی ساز شد

رو به سوی حضرت زهرا نمود

گریه کرد و لعل لبها وا نمود

کی تمام شادی دل، فاطمه

مایه ی آبادی دل فاطمه

می روم ای نور دیده دخترم

روز تنهائی رسیده دخترم

دیده ات گریان دلت سوزان ولی

فاطمه جان تو و جان علی

گفت باید حامی حیدر شوی

پیش مرگ او به پشت در شوی

آن زمان که دست حیدر بسته شد

از غریبی قلب عالم خسته شد

تو پی یاری او اقدام کن

خویش را قربانی اسلام کن

ای میان شعله ها یار علی

فاطمه جان ای علمدار علی

دست از یاری حیدر بر مدار

با نگاهت بر دلش مرهم گذار

فاطمه با ناله و سوز جگر

گفت کی جانم به قربانت پدر

گر چه نبود با غمت سوئی به چشم

لیک بابا، هر چه می گوئی به چشم

فکر دوری از تو داغی مشکل است

آنچه دور از تو نمی گردد دل است

ای رخت شمع همه ویرانه ها

رحم کن بر غربت پروانه ها

حال او با این سخن تغییر کرد

اشک زهرا بر دلش تأثیر کرد

رو به حیدر کرد محبوب خدا

ای امیرالمؤمنین یا مرتضی

پیش آی، تا دست در دستت دهم

این امانت را به دست تو نهم

بعد من تنهای تنها می شوی

شاهد غمهای زهرا می شوی

بعد من خانه نشینت می کنند

حمله بر بیت گِلینت می کنند

هر چه آمد بر سر تو صبر کن

کشته شد گر همسر تو صبر کن

محسنت را در پَسِ در می کُشند

طفل را همراه مادر می کُشند

بر حریم تو جسارت می شود

فاطمه در کوچه یارت می شود

گر خورد سیلی ز دشمن صبر کن

آسمان دیده را پر ابر کن

دست زهرا را چو بر دستش نهاد

لرزه بر یانوی حیدر اوفتاد

ناگهان حالش دگرگون گشت، آه

کرد سوی مجتبی احمد نگاه

گفت ای آرامش جانم حسن

سوره ی داوود قرآنم حسن

ای غریب بی قرینه مجتبی

ای عصای مادرت در کوچه ها

با تو باید اینچنین گویم سخن

یاد تنهائی تو هستم حسن

مانده تنها بین یاران می شوی

بعد مرگت تیرباران می شوی

گریه می کرد و صدا می زد حسن

بوسه می زد دم به دم بر آن دهن

وه چه شوری و چه غوغائی همه

لحظه ها هر یک تماشائی همه

مالک الملک تمام عالمین

دیده وا کرد و صدا زد یا حسین

ای زخونت زنده نامم یا حسین

ای غریب تشنه کامم یا حسین

ای ذبیح تشنه پیش نهر آب

ای سرت بر نیزه زیر آفتاب

ای رسول ا... مجنونت حسین

من فدای حلق پر خونت حسین

وای من از لحظه ی افتادنت

وای از تکیه به نیزه دادنت

۲۱- ای عرش چرا ز غصه گریان نشوی

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع آوای حسین جان محرم۷۸

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای عرش چرا ز غصه گریان نشوی

وز داغ و فراق و درد ویران نشوی

بر ختم رسل چرا نمی گریی خون

بهر حسن و رضا پریشان نشوی

۲۲- نبی به تارک ما تاج افتخار گذاشت

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۱)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

نبی به تارک ما تاج افتخار گذاشت

برای امّت خود فخر و اقتدار گذاشت

نخواست اجر رسالت ولی دو گوهر پاک

میان ما دو امانت به یادگار گذاشت

دو گوهری که عزیزند چون نبوّت او

یکی کتاب خدا و یکی است عترت او

*****

از این دو، مقصد و مقصود او هدایت بود

همه هدایت او نیز در ولایت بود

مودّتی که ز ما خواست بر ذوی القربی

از او به ما کرم و عزّت و عنایت بود

خطاب کرد که این دو، اعتبار همند

هماره تا ابد الدهر در کنار همند

*****

به حق که این دو همانند نور و خورشیدند

که از نخست به قلب بشر درخشیدند

چهارده سده بگذشته هم چنان شب و روز

ز هم جدا نشدند و فروغ بخشیدند

چنان که نور و چراغند لازم و ملزوم

یکی است مکتب قرآن و چارده معصوم

*****

چنان که شخص محمد جدا ز قرآن نیست

بدون عترت، قرآن چراغ ایمان نیست

کسی که مکتب عترت گزید بی قرآن

جدا ز عترت و قرآن بود، مسلمان نیست

رسول گفت که اینان چو این دو انگشتند

که متّصل به هم و متّکی به یک مُشتند

*****

سوای قرآن مؤمن فنا بود دینش

بدون عترت هر کس خطاست آیینش

کسی که گفت کتاب خداست ما را بس

کند هماره خدا و کتاب نفرینش

به آیه آیه ی قرآن قسم بود معلوم

که دین شیعه کتاب است و چارده معصوم

*****

چهارده مه تابنده، چارده اختر

چهارده صدف نور، چارده گوهر

چهارده یم توفنده، چارده کشتی

چهارده ره روشن، چارده رهبر

چهارده ولی و چارده مسیحا دم

که هم مؤیِّد هم بوده هم مؤیَّد هم

*****

هزار حیف که امّت ره وفا بستند

پس از رسول خدا عهد خویش بشکستند

هنوز جسم حبیب خدا نرفته به خاک

به دشمنان خدا دسته دسته پیوستند

به بیت فاطمه ی او هجوم آورند

به جای گل همه هیزم برای او بردند

*****

مدینه دستخوش فتنه ای عجیب شده

بهشت وحی محیط غم حبیب شده

کجا روم؟ به که گویم؟ چگونه شرح دهم؟

علی که نفس محمد بُوَد غریب شده

سقیفه گشته بپا و غدیر رفته ز یاد

چه خوب اجر نبی داده شد، زهی بیداد

*****

الا ز خون جگر پُر هماره ساغرتان

چه زود قول نبی محو شد ز خاطرتان

مگر نگفت نبی، فاطمه است بضعه ی من

مگر نگفت پس از من علی است رهبرتان؟

مگر نگفت که اکمال دین ولای علی است؟

مگر نگفت که این آیه در ثنای علی است؟

*****

چه روی داد که بستید دست مولا را

رها ز بند نمودید دیو دنیا را

چرا رسول خدا را به قبر آزردید

چرا به بیت ولایت زدید زهرا را

طریق دوستی و شیوه ی وفا این بود؟

جواب آن همه احسان مصطفی این بود؟

*****

عدو به آتش اگر جنت الولا را سوخت

شراره اش حرم ا... کربلا را سوخت

نسوخت دامن دخت حسین را تنها

پَر ملائکه و لب انبیا را سوخت

بود به قلب زمان ها فرود آن آتش

بلند تا صف حشر است دود آن آتش

*****

قسم به فاطمه و باب و شوی و دو پسرش

که هر چه آمده اسلام تا کنون به سرش

خلاف خلق همان اختلاف اول بود

که شد جدا ره امت ز خط راهبرش

هماره «میثم» طیِ رهِ کُمیت کند

به نظم تازه حمایت ز اهل بیت کند

*****

۲۳- گفتم که عمر ماه صفر رو به آخر است

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک مرثیه

قالب ترکیب بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۲)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

گفتم که عمر ماه صفر رو به آخر است

دیدم شروع محشر کبرای دیگر است

گردون شده سیاه و فضا پر ز دود آه

تاریک تر ز عرصه ی تاریک محشر است

گرد ملال بر رخ اسلام و مسلمین

اشک عزا به دیده ی زهرای اطهر است

گفتم چه روی داده که زهرا زند به سر

دیدم که روز، روز عزای پیمبر است

پایان عمر سیّد و مولای کائنات

آغاز دور غربت زهرا و حیدر است

قرآن غریب و فاطمه از آن غریب تر

اسلام را سیاه به تن، خاک بر سر است

روی حسین مانده به دیوار بی کسی

چشم حسن به اشک دو چشم برادر است

ای دل بیا به گریه ی زینب نظاره کن

مانند پیرهن جگر خویش پاره کن

*****

زهرا به خانه و ملک الموت پشت در

از بهر قبض روح شریف پیامبر

از هیچ کس نکرده طلب اذن و ای عجب

بی اذن فاطمه ننهد پای پیش تر

با آنکه بود داغ پدر سخت، فاطمه

در باز کرد و اشک فرو ریخت از بصر

یک چشم او به سوی اجل چشم دیگرش

محو نگاه آخر خود بود بر پدر

اشک حسن چکیده به رخسار مصطفی

روی حسین بر روی قلب پیامبر

دیگر نداشت جان که کند هر دو را سوار

بر روی دوش خویش به هر کوی و هر گذر

زد بوسه ها به حلق حسین و لب حسن

از جان و دل گرفت چو جان هر دو را به بر

هر لحظه یاد کرد به افسوس و اشک و آه

گاهی ز طشت و گاه ز گودال قتلگاه

*****

پیغمبری که دید ستم های بی شمار

از کس نخواست اجر رسالت به روزگار

چون ارتحال یافت خلایق شدند جمع

تا هدیه ای دهند به زهرای داغدار

گویا نداشت شهر مدینه درخت گل

کآن را کنند در قدم فاطمه نثار

بر دوش، بار هیزمشان جای دسته گل

رنگ شرارت از رخشان بود آشکار

بابی که بود زائر آن سید رُسل

آتش زدند عاقبت آن قوم نابکار

بر روی دست و سینه ی آن بضعه الرسول

تقدیم شد سه لوحه به عنوان افتخار

سیلی و تازیانه و ضرب غلاف تیغ

ای دل بگیر آتش و ای دیده خون ببار

آید صدای فاطمه از پشت در به گوش

تا صبح روز حشر مباد این صدا خموش

*****

دردا که بعد فاطمه روز حسن رسید

روز ملال و غصه و رنج و محن رسید

از زهر همسرش جگرش پاره پاره شد

بس تیرها که لحظه ی دفنش به تن رسید

بعد از حسن به نیزه عیان شد سر حسین

بیش از هزار زخم ورا بر بدن رسید

بر پیکری که بود پر از بوسه ی رسول

از گرد و خاک و نیزه شکسته، کفن رسید

از جامه های یوسف کربلا فقط

بر زینب ستمزده یک پیرهن رسید

پاداش آن نصایح زیبا از آن گروه

تیرش درون سینه، سنان بر دهن رسید

«میثم» بگو به فاطمه ز آن خیمه ها که سوخت

یک کربلا شراره ی آتش به من رسید

مرثیه خوان خامس آل عبا منم

در خیمه های سوخته اش سوخت دامنم

*****

۲۴- عمری است مهمان توأم یا رحمت للعالمین

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع آوای حسین جان محرم۷۸

تعداد استفاده ۰

متن شعر

عمری است مهمان توأم یا رحمت للعالمین

محتاج احسان توأم یا رحمت للعالمین

یا سیدی مولا مدد هو یا أب الزهرا مدد

ریزه خور خوان توأم یا رحمت للعالمین

ای آسمان مشتاق تو وی نُه فلک عشّاق تو

من از محبّان توأم یا رحمت للعالمین

ای بوده تا آخر نفس رویت علی را دادرس

گوید پریشان توأم یا رحمت للعالمین

گوید تو را زهرای تو بابا مرو بابا مرو

سر در گریبان توأم یا رحمت للعالمین

گفتی میان بسترت با قلب زار دخترت

محزون و نالان توأم یا رحمت للعالمین

آه از دل شوریده ات قلب مصیبت دیده ات

عمری است گریان توأم یا رحمت للعالمین

ای بر غریبان گریه ات قرآن و عترت هدیه ات

من عبد فرمان توأم یا رحمت للعالمین

لبیک یا خیرالأنام مائیم و فرمان امام

با جانشینان توأم یا رحمت للعالمین

ما با توئیم تا نشأتین جزو لثارات الحسین

من از شهیدان توأم یا رحمت للعالمین

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خـدا جهاد نماییـد؛ این برای شـما بهتر است اگر بدانید حضـرت رضا (علیه السّـلام): خدا رحم نماید

بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».